ژوندون

اطلاعات او کلتور



شنبه ۲۰جدی ۱۳۵۹ـ۱۰جنوری
۱۹۸۱
سال۳۲
شماره ٤۲
قیمت یك شماره (۱۳) افغانی





ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلـــق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان موقعیکه نمایندگـــان منتخب اقوام شریف ولایت پکتیا را در مقر شورای انقلابی پذیرفته با آنها صحبت می نمایند .



ببرک کارمل موقعیکه هیأت پارلمانی انگلستان را در مقر شورای انقلابی پذیرفته و با آنها صحبت می کنند.

افغانستان ،رئیس شورا ی انقلا بی وصدراعظم جمهور ی دموکرا تیـک افغانستان قبل از ظهر ۱۸ جد ی هیأت پارلمانی ا نگلستان را برای ملاقات در مقر شورای انقلابـــی پذیر فتند .

در جریان این ملاقات روی مسایل مورد علاقه طرفین به شمو ل اوضا ع بین‌المللی در فضا ی دوستا نه تبادل نظر صور ت گرفت .

* * *

ببرک کارمل منشی عمو می کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلـــق افغانستان ، رئیس شورا ی انقلا بی

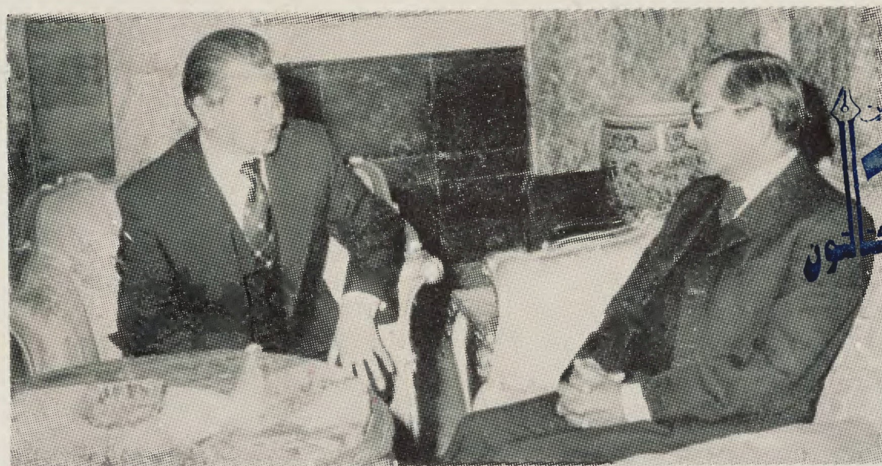
اختصار وقایع مهم

هیأت رئیسه شو رای انقلابی تحت ریاست ببر ک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ،رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان بعدازظهر روز چار شنبه ۱۷ جدی ۹ مقر شورای انقلابی جلسه نمود .

درین جلسه قانون مکلفیت عمومی عسکری بداخل نود ماده و هشـــت فصل به تصویب رسید که ازهمین تاریخ نافذ است.

* * *

ببرک کارمل منشی عمو می کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلـــق



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک خلـــق افغانستان ،رئیس شورای انقلابی و صدراعـظم جمهوری دمو کرا تیـک افغانستان موقعیکه رام ساتی معاون وزارت امورخارجه هند را پذیرفته و باوی صحبت میکند.



ببرك کارمل بایکتن ازنمایندگـان منتخب اقوام پکتیا احوال پـر سی می‌نمایند



ببرك کارمل هنگام مصافحه بـا چندتن ازنمایندگان منتخب اقـوام پکتیا



سلطانعلی کشتمند گـله‌چـی دافغانستان دملی موزیم دآثاردباخترنندار تون دملی موزیم په‌ودانی کی پرانیزی.

وصدراعظم جمهور ی دموکرا تیـك افغانستان ،رام ساتی معاون وزار ت امور خارجه جمهور یت هند را قبل از ظهر ۱۸ جد ی در مقر شورا ی انقلابی برای ملاقا ت پذیرفتند .

• • •

د افغانستان دخلك دیمو کرا تیك گوند دمرکزی کمیتی دعمو می منشی دافغانستان د دیموکراتیك جمهوریت دانقلابی شورا د رئیس او صدراعظم ببرك کارمل به مشر ی د وزیرا نو شورا د جدی ١٤ د انقلابی شورا په مقر ، ارگ کی غونده وکره .

• • •

ببرك کار مل منشی عمو مـــی کمیتهٔ مرکزی حزب دموکرا تیـــك خلق افغانستان ،رئیس شـــورا ی انقلابی‌وصدراعظم‌جمهوری دمو کرا ـ تیك افغانستان بعد از ظهر روزجمعه دوازدهم جدی نمایندگان انتخا بـی مشران اقوام مختلف ولایت پکتیارا در قصر گلخانه مقرشورا ی انقلابی پذیرفته ودر فضا ی نهایت دوستانه وصمیمانه با ایشان صحبت‌کردند .

• • •

دافغانستان دملی موزیم د آثار ـ وباختر نندارتون دجد ی ۱۷ له‌غرمی وروسته دمراسمو په ترخ کـــی د افغانستان دخلك دیموکرا تیك گوند دمرکزی کمیتی دسیاسی بیرو غړی دافغانستان د دیموکرا تیك‌جمهوریت دانقلابی شورا د مرســـتیا ل او د صدر اعظم دمرستیال سلطا نعلـی کشتمند‌لخوادملی موزیم په و دانی کی پرانستل شو .

• • •

دکتور اناهیتا راتب زاد عضـــو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حز ب دموکراتیك خلق‌افغانستان ، رئیس سازمان دموکراتیك زنان و رئیـــس سازمان صلح همبستگی و دو ستی جمهور ی دموکراتیك افغا نستـا ن صبح روز ۱۸ جدی در اتا ق کارش در مقر کمیته مرکزی با هـــیا ت پارلمانی انگلستان که بدعوت‌سازمان صلح همبستگی ودوستی جمهور ی دموکراتیك افغانستان به کابل آمده بود ملاقات تعارفی‌بعمل آورد.

«انقلاب ثور، انقلاب ملی ، دموکراتیک وبیانگر منافع عمیق و اساسی اکثریت قاطع مردم ما، تمام وطنپرستان واقعی وپیش ازهمه کارگران ، دهقانان وهمه زحمتکشان است .»

«ببرک کارمل»

شنبه ۲۰جدی ۱۳۵۹ـ ۱۰ جنوری۱۹۸۱

انفاذقانون عمومی مکلفیت عسکری

انقلاب شکوهمند ثورکه بنابراراده توده‌های مليونی زحمتکشان کشور و بکمك وپایمردی اردوی قهرمان ما تحت رهبری حزب دموکراتیك خلق افغانستان به پیروزی‌رسید به حکمروایی ارباب ظلم وستم‌خاتمه داده، حاکمیت سیاسی رااز طبقه مستبد وارتجاع فیودالی ووابستگان امپریالیزم به زحمتکشان کشور انتقال داده و راه رهایی طبقات رنجبر واستثمار شده‌کشورما رابـاز نمود وافق های خوشبختی ـ سعادت وبهروزی ونجات از قید هرنوع استثمار فرداز فرد وزیستن در فضای‌صلح ومساوات .برادری وبرابری رادر برابر مردم ما گشود .

دولت مردمی مابا طرح پروگرام های مترقی اجتماعی ، سیاسی واقتصادی وپیاده‌کردن آن در عمل گام های واقعا انقلابی وسازندهٔ رادر جهت منافع توده های زحمتکش کشور برداشت وبخاطرریشه‌کن کردن میراث های شوم دولت های استبدادی ووابسته به امپریالیزم کــه در ساحات مختلف حیات اجتماعی ـاقتصادی وفرهنگی کشور سایه افگنده بود تلاش های انسانی وخستگی ناپذیرخودرا آغاز کرد و رای تحقق‌آرمان های والای انقلاب ثوردرجهت اعمار جامعهٔ نوین‌مبتنی برعدالت‌اجتماعی ـ مساوات وبرابری ـرفاه وفراوانی محو هر گونه فقر ومرض ـجهل وبیسوادی‌ـبیکاری و بـــــی تکلیفی ، پلان های انقلابی وبنیادی را طرح وبه مرحله اجرا گذاشت .

این پیروزی بزرگ وبی نظیر که نصیب حزب ودولت مردمی ما شده بود آتش بجان دشمنان انقلاب انداخت .مرتجعین وهمه کسانی که منافـــــع شانرا در اثرانقلاب ثوراز دست داده بودند به اشاره امپریالیزم جهانی وبکمك ارتجاع منطقه بسیج گردیده علیه انقلاب ثور قرار گرفتند .

چنانچه مردم شریف ما شاهد اندکه طی مدت تقریبا‌کمتر‌ازسه‌سال‌که‌ازانقلاب‌ثورمیگذرد دشمنان انقلاب وطن ومردم مابا‌تلاش های‌تب آلود و دیوانه وار از انجام هر گونه اعمال ضد انسانی ـ خاینانه و جنایتکارانه دریغ نورزیده با تفتین، توطئه‌قتل وآدمکشی تخریب وآتش زدن مکاتب وغیره اعمال ضد انسانی خواستند تا انقلاب ثور راناکام ساخته ویا لااقل جلو پیشرفت آنرا سد نمایند مگراز آنجایی که انقلاب ثورمتضمن منافــع اکثریت توده های زحمتکش ما بوده ودولت مترقی‌ما به نیروی لایزال آنها اتکا دارد ، نه تنها انقلاب به‌ناکامی نه‌انجامیدبلکه روزتاروزریشه های‌آن دربین توده ها اعم از کارگران ـدهقانان ـ روشنفکران وطنپرستان صدیق و همه اقشار زحمتکش گسترش یافت ونفوذ وپهنای بیشتر کسب کرده حمایت و پشتیبانی‌توده‌ها را جلب نمود . چنانچه مردم ما حمایت و پشتیبانی خـــو د ر ا د ر عمـــل ثـــا بت نمو د ند، گروه های مقاومت و دفاع از انقلاب تشکیل گردیده ودرکنار قوای مسلح قهرمان ما از انقلاب مردمی خوددفاع‌نمودمودر مقابل تجاوزات مسلحانه باند های ارسال شده از خارج ودیگر دشمنان رنگارنگ‌وطن ومردم‌دلیرانه وقهرمانانه رزمیدند.

باید ادغان کرد که برای یك مدت زمانی کوتاه در اثر تسلط وحکمروایی امین خایـن این جاسوس شناخته شده (سیا) که بانفوذ و غصب قدرت حزبی ودولتی وباارتکاب اعمال جنایتکارانه طرازفاشیستی‌وایجاد فضای مختنق سیاسی ـ تفرقه افگنی بین اقوام و ملیـت های برادر ساکن افغانستان وغیره اعمالی که تاریخ از تذکر آن نفرت دارد ، انقلاب ثور را به بیراهه کشانیده ودر جهت بدنام ساختن وقلب جلوه دادن آن از هیچگونه سعی‌وتلاش خستگی ناپذیر دریغ نکرد ، قدرت دفاعی‌کشور تضعیف گردیده و موجب پراکندگی وفضای عدم اعتماد بین منسوبین‌قوای‌مسلح از یکطرف وبین مردم وقوای مسلح‌ازجانب دیگرگردید.

باتحول ششم جدی‌و مرحله‌نوین‌تکاملی انقلاب ثور که در حقیقت مرحلهٔ نجات انقلاب‌ـوطن ومردم است یکبار دیگر انقلاب ورهبری آن در مسیر اصولی آن قرار گرفته واعتماد مردم نسبت به حزب ودولت وانقلاب شان بیشترو محکمتر گردید ودولت انقلابی مادر پهلوی باز سازی سایر امور سیاسی ـ اجتماعی و اقتصادی متوجه تنظیم‌اموردفاعی کشور منجمله تقویت واستحکام صفوف قوای مسلح قهرمان ماگردیده وبه طرح وتدوین قوانین ومقرره‌های معین در زمینه گردید چنانچه چنده ماه قبل که قانون جزایی جرایم‌علیه‌احضارات محاربوی نافذ گردید تسهیلات زیادی در مورد جلب وجذب هموطنان مابه قوای مسلح ما فراهم شده وتعداد زیادی به صفوف آن پیوسته‌واز مزایای انسانی وانقلابی آن مستفید گردیدند.

اخیرا جهـــت تـامیـن آرمانهای والای انقلاب ثور وبه منظور تحکیم قوای مسلح جمهوری دموکراتیك افغانستان قانون جدید در باره مکلفیت عمومی عسکری روز ۱۷ جدی به تصویب رسید . در ین قانون تصریح گردیده است که دفاع از وطن ، خدمت بمردم وجیبهٔ عالی ومقدس هر فرد کشور می‌باشدو خدمت در صفوف‌قوای‌مسلح قهرمان مامکلفیت نهایت پرافتخار ووطنپرستانه اتباع محسوب می‌گردد .

طوریکه در اعلامیه کمیته مرکزی حـــزب دموکراتیك خلق افغانستان ، هیات رئیسه‌و شورای انقلابی وحکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان تذکر رفته است قانون جدیدمکلفیت عمومی عسکری جهت تامین امن عام وتام.صلح وآسایش در کشور ودفاع اطمینان بخش از آزادی واستقلال افغانستان دموکراتیك ،جلب اتباع ذکور افغانستان راکه سن بیست‌سالگی را تکمیل نموده‌اند برای خدمت در صفوف‌قوای مسلح جمهوری‌دموکراتیك افغانستان پیشبینی و درین قانون دورهٔ خدمت در احتیاط الی‌سن چهل سالگی تصریح گردیده که نسبت بدورهٔ احتیاط مکلفیت عسکری سابـــق شش‌سال کمتر است . همچنان برای سربازان و خورد‌ـ ضابطان قطعاتیکه بیش از معیاد معینه در قوای مسلح خدمت نموده از شرف وناموس وطـن آگاهانه ، مجدانه وبا فداکاری دفاع مینمایند در هرماه از دو الی سه هزار افغانی معاش انطا گردیده ودر عین‌زمان دو چند معیاد تمدید خدمت آنها از دوره احتیاطشان تنقیص‌میگردد.

همچنان دراعلامیهٔ فوق تذکارمی یابد کـــه دفاع از دست آوردهای‌انقلاب ثور دفاع ازوطن استقلال ملی و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورنه‌تنهاوجیبهٔ مقدس قوای مسلح جمهوری دموکراتیك افغانستان میباشد بلکه وجیبهٔ مقدس تمام مردم مسلمان افغانستان نیزبشمار می آید .

درین شماره

شرح روی جلـد : هنگـامـه آواز خوان رادیو تلویزیون کشور .
عکاسی روی جلد: ازمسعود شمس

ژوندون

در راه دفاع از میهن و انقلاب

در نخستین سالگرد قیام ظفر نمون ٦ جدی ، این نجات د هندۀ انقلاب وطن و مردم ، خلق جاسوس شکن و امپریالیزم دشمن افغانستان شاهد بر گزاری کنفرانس بزرگ نیرو های ملی و وطن پرست جمهو ری دموکراتیك افغا نستان برای گزینش ترکیب کمیسیون عالی تدارك کنگرۀ موسس جبهه ملی وسیع پدر وطن بودند .

یکسال قبل در همین‌روز مردم ما به پایمردی اردوی دلیر و آزادیبخش ما و تحت رهبری حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان آرمانهای کبیر انقلاب ثور را از آلودگی و انحراف و اشتباه‌مرگبار که در اثر سلطۀ امین و باندفاسدش بمیان آمده بود **بشکل قهرمانانه** و وطن پر ستانه نجات دادند و با اتکاء بر تئوری واقعا انقلابی اصول انقلابی را در حیات جامعۀ ما احیاء نمودند . پس از پیروزی قیام ٦ جدی حزب ، دولت و مردم ما دست بدست هم داده و اقدامات سازنده ای را برای ایجاد حیات دمو کرا تیك و قانونیت دموکراتیك در عمل پیاده نمودند . تزهای کمیتۀ مرکزی حزب دمو کرا تیك خلق افغانستان بمناسبت دومین سالگرد انقلاب ثور ، طرح ، تدوین وتنفیذ اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان (قانون اسا سی مؤقت) دساتیر و طرح های چار پلینوم کمیتۀ مرکزی حزب ، سفر تاریخی هیات عالی رتبۀ حزبی و دولتی جمهو ری دمو کراتیك افغا نستان برهبری ببرك کارمل منشی عمومی کمیتۀ مرکزی حزب دمو کرا تیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صد راعظم جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان به اتحاد جماهیر شوروی سو سیا لیستی و نتایج گرانبها ، و ارزشمند این سفر ، بیانیه ها و گزارش های زعامت انقلاب ما ، همه و همه موید و مصدق اقدامات سازندۀ فوق می باشد . هکذا مبارزات رویا روی اردوی قهرمان ما، قوای خا رندوی و امنیتی بیاری بی شایبۀ مردم علیه باند های صادر شده از خارج و تروریستان و آدم کشا ن ا صل دیگریست که مبارزۀ بی امان حزب دولت ومردم را در راه ایجاد یك محیط سالم و آرام در کشور شهادت می دهد . این مبارزات علاوه از آنکه ضد انقلاب رازبون و ناتوان ساخته توطئه های امپریا لیزم نیز نقشس بر آب ساخته و می سازد . همان طوریکه دشمنان داخلی و خارجی مردم ما یعنی ارتجاع سیاه ، ارتجاع منطقه ، امپریا لیزم و در راس امپریا لیزم امریکا ، شونیزم عظمت طلب پیکنگ و دیگر نیرو های ارتجاعی دریك صف نا مقدس علیه انقلاب و میهن مادست به‌توطئه و دسیسه می زنند وبا براه‌انداختن یك جنگ اعلام نشده با مردم ما کینه می ورزند، مردم آزاده ما همیشه و بطور دایمی بر کمك های بی شایبه و بی غرضانه همسایه و دوست بزرگ شمالی خویشس یعنی اتحاد جما هیر شوروی و د یگر کشور های برادر سو سیا لیستی و کلیه نیرو های ملی و مترقی جهانی اطمینان داشته و از آن بر خوردار بوده است .

اینك که حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان ((پیشس آهنگ طبقۀ کارگر و کلیه زحمتکشان کشور)) به نمایندگی از مردم دلیر و زحمتکشس ما قدرت سیاسی را بدست دارد ، با صداقت وصراحت طرح و تشکیل جبهۀ وسیع ملی پدر وطن را روی دست گرفته و بشکل پیگیر و خستگی نا پذیر درین راه پیشس می رود . زیرا تشکیل جبهۀ وسیع ملی پدر وطن نه تنها کلیه نیرو های انقلابی ، ملی و وطن پرست را در امر ادارۀ دولت سهیم می سازد بلکه در شرایط فعلی جامعۀ مابهترین شکل بسیج کننده و متحد کنندۀ همه مردم نیز میباشد باید اذعان داشت که حزب و دولت انقلابی ما حتی‌یك لحظه هم از مشکلاتی که در راه ایجاد همه جانبه جبهه که در تاریخ کشور ما برای اولین مرتبه بوجود می آید ، غافل و بی خبر نبوده و و قهر ما نانه همه موانع و مشکلات را مرفوع نموده و با سر بلندی و اطمینان درین جهت به پیشس می‌رود باید تذکر داد که پیروزی مرحلۀ نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند ثور امکانات عملی بمیان آمدن این آرمان وا لا یعنی تشکیل جبهۀ وسیع ملی پدر وطن را عملا بوجود آورده است . جبهۀ ملی وسیع پدر وطن آن سیستم متشکل شدن همه خلق در ساز مان های اجتماعی و سیاسی است که علما و عملا وحدت همه خلق را تامین می نماید .ببرك کارمل منشی عمومی کمیتۀ مرکزی حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان در گزارش علمی و انقلابی شان در نخستین کنفرانس بزرگ نیرو های ملی و وطن پرست در مورد جبهه چنین فر موند : «... جبهۀ ملی پدر وطن سیستم وسیع و توده ای سازمان های اجتماعی سیاسی است که ستون فقرات آنرا اتحاد کار گران و دهقانان تشکیل می دهد و تمام طبقات ، اقشار و گروه های ملی و دمو کرا تیك همه نیرو های اجتماعی و مذهبی وطنپرست را برای همکاری بخاطر منافع وطن ما افغا نستان انقلابی متحد می سازد ...»

حزب و دولت انقلابی ما مقدمات تشکیل جبهۀ ملی وسیع پدر وطن را از همان لحظات نخست پیروزی مرحلۀ نوین و تکاملی انقلاب ثور طرح و عملی نموده است چنانچه می توان کنگرۀ معلمان کشور، کنگرۀ طبیبان و دیگر مستخدمین امور صحی ، کنفرانس وسیع روحانیون کشور ، کنفرانس مو ثریت و مفیدیت کار ارگان ها و موسسات دولتی و وزارت خانه‌های جمهو ری دمو کرا تیك افغانستان، کنگرۀ موسس اتحادیه ژورنالیستان و کنگرۀ موسس اتحادیه نویسند-گان و شاعران جمهوری دموکراتیك افغانستان ، کنفرانس همبستگی بین المللی ساز مان دمو کراتیك جوانان افغا نستان و بالاخره کنفرانس بین المللی همبستگی سازمان دمو کراتیك زنان را بحیث مثال درین مورد متذکر شد . که همه و همه فراهم کننده تشکیل جبهۀ وسیع ملی پدر وطن و بسیج کننده و متحد کننده همه نیرو های مترقی . ملی و وطن پرست افغا-نستان در راه ایجاد یك جامعه شگوفان و بهروز می باشد .

اکنون مردم شرافتمند وسربلند ما به خوبی می دانند که کار و پیکار بی امان و انقلابی و شریفانه در راه عمران وطن و بهروزی مردم و طرد همه دشمنان یعنی ضد انقلاب زبون شده و مداخلات نا جوانمردانۀ امپر یا لیزم ، تکیه گاه نیرومند انقلاب و مردم ما می باشد . از همین جاست که با اطمینان کامل گفته می توانیم که تشکیل جبهۀ وسیع ملی پدر وطن که خلق را دریك صف واحد و متحد می سازد مشت های سنگین و پولادینی است که حواله دهان کثیف دشمنان انقلاب ، مردم و وطن ما می شود .

از آنجا که حزب و دولت انقلابی جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان بطور مجدانه و پیگیر آرزو مند بهروزی و بهتر زیستن مردم ماست به همۀ ما اعم از پیر و جوان ، شهری و دهاتی ، کارگر و مامور و دهقان و کسبه کار و تجار ملی و صاحبان سرمایۀ ملی و دریك کلمۀ موجز همه مردم شرافتمند افغا-نستان است تا از دل و جان و در عمل به دور حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان این حزب شهیدان و قهرمانان هرچه فشرده تر حلقه بزنند و بادرك واقعیت مردمی و انقلابی مرحلۀ نوین انقلاب ثور به کار و پیکار مستدام امکانات عملی ایجاد یك فردای تابناك ، فردای خوشبختی ، برادری و برابری را فراهم و مساعد سازند . مااطمینان راسخ داریم که مردم ما تحت‌رهبری حزب دمو کرا تیك خلق افغانستان در آیندۀ نه چندان دور شاهد طرد و قلع و قمع ضد انقلاب این دشمنان اصلی پیشرفت کشور و حامیان بی شرم امپریا لیستی و هژ مونیستی آنها خواهند بود ،و دریك جبهۀ وسیع‌ملی و دموکراتیك یعنی جبهۀ وسیع ملی پدر وطن به اعمار افغا نستان انقلابی و مستقل خواهند پرداخت .

زنده باد مردم آزاده و زحمتکش ما ، زنده باد صلح درسراسر جهان

سلسله گفت وشنودها ونشست های اختصاصی ژوندون در میز گرد

یك بررسی و انگیزه یابی همه‌جانبه پیرامون :

دیگر قلت چوب ومواد سوخت در شهر کابل رفع گردیده است

دراین گرد هم آیی این اشخاص شرکت داشتند
۱ـ حشمت اورنگ معاون کمیته‌ولایتی کابل
۲ـ محرم علی معاون شاروالی‌کابل
۳ـ دکتور عرب گل طوطا خیل‌سکرترجنرال جمعیت افغانی‌سره ـ میاشت
٤ـ دیپلوم انجنیر حفیظ الله‌نوابی رئیس د افغا نستان د تیلی ملی موسسه
٥ـ دیپلوم انجنیر عبد الستارصافی رئیس برق کابل .
٦ـ شمس‌الدین رئیس تفتیش‌شاروالی کابل
۷ـ دگر من ار کان حرب احمد الدین مدیر عمومی او پرا سیون وزارت دفاع ملی .
۸ـ دیپلوم انجنیر محمد قاسم‌پویل معاون ریاست پلان وزارت معادن و صنایع
۹ـ غلام حضرت معاون‌ترانسپو رت عمومی
۱۰ ـ انجنیر محمد حسن عثمان‌آمر ارتباط ذغال سنگ
۱۱ـ میر عبد الرحمن مدیرعمومی‌تخنیکی ریاست انحصارات دولتی
۱۲ـ عبد الله بشیر شور «بـه‌نمایندگی ازخانواده های کابـل» و برخی از اعضای گروه مشورتـی‌ژوندون

مشکلات ترانسپورتی درزمینه انتقال چوب به کابل رفع شده است



دکتور عرب گل طوطا خیل :
آیامیتوانید بگوییدروزانه مصرف عمومی چوب سوخت در شهر کابل بچه پیمانه است ؟

معاون شاروالی کابل :
ما حجم این مصارف را بـــه صورت دقیق تعیین کرده نمیتوانیم زیرا احصائیه شهر کابل جز بـــه صورت تخمینی ارزیابی شده نمی تواند ، اما مطالعات ما حاکی است که هر روز کابل‌در مجموع پنجصد سیر چوب می سوزاند که سوخـت نانوایی ها و حـمام ها هم شامل همین رقم است .

دیپلوم انجنیر نوابی :
معاون شاروالی در سخنـان خود اشاره یی داشتند به اینکه گویا شار والی در نظر دارد مقداری‌چوب سوخت را تهیه و بعدا آنرا بــه شهریان کابل به فروش رساند ،با استنادی که ایشان در رابطه‌عرضه و تقاضا نمودند ، می خواهم بگویم این اقدام شار والی خود در بلند بردن قیم مواد محروقاتی کمــك میکند ، چرا که منابع عرضــــه محدود میگردد و چون قیمت فروش شاروالی ارزانتر ازمارکیت هـــای آزاد است ، فرو شندگان چـــون ذخیره خود را احتکار میکنند تابعد از تمام شدن مقدار ذخیره‌شاروالی آنرا به قیمت دلخواه به فــــروش رسانند ، به این اساس بهتر است شاروالی تهیه و تامین موادسوخت را به اندازه کافی عهده دار گردد، یعنی شرایط راب رای تورید مقدار چوب کافی مساعد گرداند و خود کنترول و مراقبت از نر خهـــا را به دو ش گیرد ، تا خر یـــد و فرو ش آزا دا نه اما به نر خ شا روا لی صورت گر فته‌بتواند.

معاون شاروالی کا بل:
اگر مقدار چو ب مورد نیا زبرای تمام فصل ز مستان در فر صت منا سب سا ل و مثلا در تا بستان از منا بع او لی خر یداری وذخیره گر دد چو ن ر کو د ی در عر ضه به و جود نمیا ید دلیلی با قـــی نمیما ند که عده یی به فکراحتکار بیفتند ، چنا نکه مشکلا ت‌کمبودو گرانی چو ب همیشه در موا قـــع و موار دی دیده شده کـه ذخیره چوب به مقدار کا فی و موردضرـ ور ت و جود ندا شته ا ست یـــك مورد د یگر هم در این ز مینه این است که شهر یا ن کا بل نبا ید متو قع با شند شا روا لی کا بـل تما م مسئوو لیت ، تهیه ، خرید

مسایل سیاسی واجتماعی، فرهنگی و

انتقا ل ، ذخیره و تو زیع چو ب راعهده دار گر دد ، چه نه برا ی این کار پو ل و سر ما یه کا فی دارد و نه هم این حق رابه خود مید هد که عده یی ا ز فرو شند گا ن چو ب را که همین کار یگا نه مد رك عا ید و تامین‌معیشت خا نواد ه شا ن میبا شد بیکا ر گذارد و یا به عاید کم و مشروع شا ن لطمه یی وارد آورد.

ما با تما م امکا نا تی خودمیکوشیم و تلا ش میو رزیم که قیمت چو ب محرو قاتی را به کنترو ل آوریم ، اما در این مورد با ید ارگانها وسازمانهای دیگر هم ما را یا ری د هند و مشکلا ت را در نظر بگیر ند به عنوا ن مثال حداقل در سا ل ها ی آینده چو ب مو رد ضرورت خود را در آ غاز سا لودر مو قع گر ما تهیه کنند تا با رسید ن زمستا ند چا ر دشواری کمبود مواد محرو قا تی نگر دند.

این یك تقا ضا ی بسیارصمیمانه و در عین حال گله دو ستانه است، چر اکه قیم بحران کنونی در زمینه مسا یل محرو قا تی به همین سبب است که‌ادارات ، مو سسات وا ر گان هاوسازمان ها ی دو لتی در مو قع کمبود چوب اقدام به خرید اری مقا د یر ز یاد چو ب کردند و یا از شا روا لی تقا ضا ی تهیه و تو زیع آ ن را دا شتند که همین و ضع دربلند رفتن‌قیمت ها اثری بزرگ داشت.

انجنیر نوابی :

به تایید گفته ها و پیشنهادا ت رووف راصع‌در زمینه رفع‌مشکلات کمبود مواد محروقا تی واز میا ن برداشتن پرابلم برای همیشه به اجازه شما چند مورد رایاد آور ی میکنم :

یك اینکه کنترول ومراقبت‌ازقیم به منظور ثابت نگهدا شتن آن مفید یتی نخواهد داشت مگر اینکه در منابع اولی آن یعنی ولایا ت ،پکتیا ، پکتیکا ،ننگر هار وغزنی صور ت گیرد تا از دست او ل قیمت ها در کنترول باشد وگر نه درصور تیکه قیمت چوب در این منابع بلند برده شود مراقبت از نر خ ها در شهر کابل موثر یت زیاد نخوا هد داشت دواینکه مسئاله جلوگیر ی ازاحتکار درپایین آورد ن قیم وثابت نگهداشتن آن در یك حد معین نقش عمده دارد ووقتی تمام مقادیر چو ب انتقال داده شده به کابل عر ضه گردد خود به خود حجم تقاضاکم‌می گردد ومیان فروشند گان ر قابت در جلب مشتر ی افزو ن میگرددوبه این‌صورت در بدل مفاد کم‌فروشنده حاضر به فروش میشود.

اما موضوع مهم تر از همه این مسایل این‌است که باید ما به تعویض انرژی توجه جدی مبذو ل داریم، به‌این معنی که تمام موسسات صنعتی وارگان های دولتی مو ظف شوند از انوا ع دیگر انر ژی مانند ذغال سنگ ، مواد نفتی ، گاز مایع وشیوه های دیگر به جای چو ب محروقاتی استفاده کنند .

وزار ت معادن و صنایع به نو به خود وتا جایی که به سازما ن‌ها ی آن ارتباط می گیرد در این مواردکار هایی رادر دست اجراء دارد مثلا همین اکنو ن چگونگی استفاده از گاز مایع برای پخت وپز زیر مطالعه قرار دارد .

اما این به‌تنها یی کا فی‌نمیبا شد وباید موضو ع‌بصور ت همه جا نبه درهمه ابعاد اقتصادی واجتما عی و فنی مورد مطالعه قرار داده شودو یك راه عملی کاوش گردد که‌با تطبیق‌آن به مرور مشکلات حل شده بتواند .

اورنگ معاو ن کمیته ولایتی کابل :

باتوجه به‌آنچه که دراین گردهم‌آیی تاکنون به وسیله رووف راصع ، انجنیر نوابی ، معاون شاروا لی وچند گوینده محتر م دیگر به طر ح آمد به اجازه شما می خوا هم بگویم خرید چوب به وسیله شاروا لی‌حجم تقاضا را تغییر نمید هد بلکه در نهایت آن را از نظر فور م وشکل دگرگون میسازد وبه همین دلیل هم خرید چوب به وسیله شار وا لی راه حل معضله نمیباشد . مگر اینکه این خریداری در موقع مسا عد سال واز مراکز اولی وتولید ی چو ب‌در جنوب وشر ق کشور صور ت گیرد ودر شرایط اقتصادی به کابل‌انتقال داده شود که در این صور ت اگر این شیوه عمل دوامدار باشدمارکیت هاهمیشه از چو ب پر بوده ودلیلی نه برای احتکار باقی میما ند و نه هم برای بلند رفتن قیمت ها .

مواد دوم که من از آن یاد میکنم این‌است که شاروالی تنها اداره مسئوول تهیه انر ژی نمیبا شد و ماهم نباید این توقع را از این‌موسسه داشته باشیم تاسازمان ها وار گا ن های دیگر نیز بی تفاو ت بما نند و همه خواست هارا متوجه شاروا لی سازند .

به عنوان مثل وزارت معادن‌و صنایع میتواند با افزایش توز یع ذغال سنگ ودارا بود ن چند مرکز فروش بخشی از مشکل کمبود مواد محروقاتی وحتی تعویض انر ژ ی را به عهده گیرد .

در این زمینه تاجایی که به حزب تعلق می گیرد از هیچ همکاری مضایقه نکرده چنانکه همین اکنون بیش از سیصد نفر مضایقه نکرده چنانکه همین اکنون از جوانان داوطلب خدما ت امور اجتما عی مصروف استخراج ذغال از معادن میباشند . همچنین شورا ی‌انقلا بی بیروی سیاسی کمیته مر کزی و وهیئات رئیسهٔ شورا ی انقلا بی بعد از مطالعا تی چند فیصله ها یی راتصویب ووظایفی‌رابه وزارت‌معادن وصنایع ، وزار ت ترا نسپور ت و ریاست برق کابل محول ساخته اند که تطبیق هریك آن در حل و رفع دشواری کمك فراوا ن میکند .

در مورد علل و انگیزه‌های‌اساسی کمبود چوب محرو قا تی با یدبگویم این مشکل از آنجا ناشی میگردید که شاروالی کابل امسا ل به دلایل اقتصادی وشاهد سبب های دیگر نتوانست به حد کافی چو ب تهیه کند . واز سویی هم این پیش‌بینی موجود نبود که بعدا مشکلا ت امنیتی در انتقال چوب به وجود میاید ، اما باید واقعیت هارا بی‌پرده بامردم در میان گذاشت ویکی از این واقعیت ها این است که در چندهفته وماه های اخیر شرایطی به‌وجودآمده بود که تامین کافی امنیتی درراه‌هایی که در انتقال چوب به کابل وشمال مورد استفاده قرار دارد و جودنداشت ویا حد اقل دارند گان و سایل نقلیه شخصی احساس خطرمیکردند وحاضر نبودند در این راه ها رفت وآمدداشته باشند .

به این دلایل باآنکه اکنو ن‌شرایط کاملا عوض شده وراه هادر خطرقرار

بقیه درصفحه ۲۱

هنر، نوجوانان، جوانان وخانواده ها

هنر و مردم

از : رهروان

نوای شعر و موسیقی در افغانستان باستان

شعر و موسیقی امروز ما میراث هنرو ادبیات کشور کهنسال ماست

* * *

تاریخ هنر ، فرهنگ و ادبیات کشورکهنسال ماشاهد است که : در افغا نستان باستان شاعران بلند پرواز و مو سیقی دا نان وخنیا گران چیره دستی بمیان آمده که هر کدا م در وقت و زمان خویش و بادر نظر داشت شرایط اجتماعی جامعه شان در ابداع شعر وآفرینش نغمه های روح انگیز ودلپسند فرهنگ و هنر کشور باستانی‌شانرا غنابخشیده ونامی جاودانه در تاریخ این سر زمین برای خویش کمایی نموده اند •

دره های زیبا،وادیهای سرسبز منظره‌هایی در دامان کوهپایه های سر بفلك کشیدهٔاین مرز بوم وآب و هوای گوارا وفور نعمت،نغمه سرایان وبلبلان چمنستان شعر و مو سیقی این دیار را با طبیعت انسی مخصوص داده‌که دیوانهای شاعران گذشته وامروز پراز نغمه های موزون وگلهای لطیف شعر و هنر است •

سروده های مذهبی گاتها وعبارات مو جز آوستااین‌کتاب مذهبی آریای باستان وگروه های آواز خوان جمعی هنرستان آریانای باستان که هر کدام احیاً کننده وحدت یکدلی وهم آوازی بوده اند نمایانگر آنست که درخت شعر وموسیقی در کشور ، ریشه دیرینه‌دارد وهنرمندان وطن این ریشه راآبیاری نموده و به‌مرورزمان به‌درخت پر باروبرگی تبدیلش کرده‌اند که اوج گیری شعر وشاعری بعد از اسلام دراین سرزمین وایجاد نغمات دل‌انگیز واختراع‌آلات متنوع موسیقی‌که هریك‌نمایانگر غنای فرهنگ و هنر کشور در گذشته بوده‌و الهام شاعران وراهشگران از زیبا یی‌های طبیعی وزمزه های روحبخش بلبلان‌در دره‌هاو کوهپایه ها می باشد •

اصطلاحات موسیقی‌مندرج دردیوانهای‌شعر- دانشمندان معروف کشور ما نند منو چهر ی بلخی (که‌با بیتی‌جعلی اورا دا مغانی قلمداد کرده اند)،خاقانی ،فردوسی ، نظامی ،سنایی قاآنی ، دانشمند طبیب ، فیلسوف وموسیقی دان کشور بوعلی سینای بلخی و دیگران‌نشان میدهد که علم مو سیقی در افغانستان باستان ابعاد وسیعی داشته ونغمه سرایان هنر ستان این سر زمین آثار ناب شعر و نغمات دلپذیر موسیقی از خود بجا گذاشته اند •

باید گفت که روح لطیف وطبع نازك دربند زیبایی ها ست باآنکه ذوق ها تغییر می یابند وشاعر و گوینده و موسیقی دان شاگرد عصر وزمان خویش می شو ندو نغمه سرا ازمحیط ماحول خویش الهام می گیرد ولی زیبایی‌طبیعی درهر زمانی و تحت هر گونه شرایط با هر تماشاگری ، از نظرگاه دمسازمی شودو مفتون مسحورش میسازد ، بدین اساس دیوانها ی گویندگان گذشته ما طبیعی اند جاوید وجاندار وصاحبان این دیوانها مسیحادم اند که در طراحی اطور طبیعت ماهر وپویا اند اگر صورتگران زبر دست افغا نستان باستان توانسته اند منظره گریز پای رابا کلك هنرمند موبین خویش در بند خاطر نگاهدارند بهترین آنها که چون ستاره‌گا نی‌درخشان در آسمان تاریخ فرهنگ‌و هنر درخشیده اند، بهمین‌منظره هابدیع ، آنی داده اندو جانش بخشیده اندکه اشعارآبدار در دیوانهای معتدد شاعران کشور کهن سال ، و اصطلاحات موجود موسیقی درین اشعار ناب به این ادعای ماجان می بخشدوقول مانرا قوت میدهد .

رنگها و آهنگهایی که‌در اشعار شاعران و مو سیقی دانان‌پیشین‌توصیف شده است‌از ذوق موسیقی و نقاشی آنان حکایت می کند، اطلاع از موسیقی درین اشعار جلوه بارزی دارد وآوای مرغان خویش الحان شاعران موسیقی نوازان ماهر مانرا بیاد آهنگها و نغمه های خنیا گران می اندازد آواز پرندگان و



امروز جوانان و نو آموزان ماعلاوه ازمو سیقی محلی و کلا سیك به آلات موسیقی‌مدرن آشنایی حاصل میکنند .

طبیعت نگاره گر بهترین‌الهام شاعران وموسیقی نوازان مادر گذشته و امروز بوده واست. با ذکر این سطور دیگر جای تردیدی باقی نمی ماند که شعر و موسیقی امروز ما میراث فرهنگ و هنر کشور کنهسان ماست که ماتا



در مورد هنر های محلی ما امروز تو جه زیاد مبذول میشود .

کنون به غنای فرهنگی مان‌افتخار می کنیم‌وکار های هنری ایشان بحیث بهترین آثار ناب در موزیم های ملی وآرشیف ملی به‌بهترین وجه نگهداری می شود که این هم علاقه مفرط دولت ملی و مردمی مارا در زمینه حفظ میراث های فرهنگی و آثار قیمتدار باقیمانده از گذشته نشان میدهد .

همانطوریکه امروز نغمه سرایان ورامشگران پیروجوان راکه ازدانش‌وسواد بهره‌ای ندارند ولی با استعداد سرشار ذاتی ای‌که دارندآلات موسیقی محلی شانرا می نوازندوآواز مــــی خوانند ،در کنج‌وکنار کشورمی‌یابیم در گذشته هانیز در دهات ورستا های شمال وجنوب هندوکش رامشگرانی‌وجود داشته اند و به‌ساز آلات موسیقی محلی خود شان در محافل‌عروسی و مجامع‌سروروخوشی‌گردیم‌آیی های‌مردم. برای اجرای آواز های دسته جمعی ساز می کردندو مردم رابه اجرای کار های جمعی عام المنفعه بااجرای نغمات دل انگیزوشورآفرین تشویق وترغیب می نمودند که این رسم کهن تاکنون دراکثر روستا های کشور ما تقریبا با حفظ همان سنت های دیرینه اش بابرجاست که حافظان این میراث های هنری و فرهنـــگ روستایی تاکنون در دره های زیبا و وادی‌های کشور وهنر آفرین برای‌میهن، تك بیت‌هاودو بیتی های محلی می سازند وآنها را بــاآلات موسیقی ساخته دست خود شان می سرایندو محافل خوشی و سرور را گرمتر می سازند.

از دره های‌زیبای‌بدخشان گرفته تاریگستان های سیستان واز آمو دریا تا دامنه های‌کوه سلیمان‌واز وادیهای پرپیچ وخم‌کنرهاتاهری- باستان ودرمجموع مناطق زیبا ودل انگیزشمال وجنوب هندو کش از بین مردان و زنان ،هنر آفرینان و رامشگران بزم آرایی برخاسته و هرکدام آلات موسیقی مخصوص وسبك وروش جدا گانه محلی ای دارند که تحقیق‌وموشگافی در زمینه این هنر مندان و پدیده های هنری ایشان کار دانشمندان وکاراهل‌قلم ساکنان این مناطق است که باید درین عصر وزمان‌که مادر تشویق هنر مندان و شگوفان گردانیدن استعداد های نهفته‌مردم‌درزمینه شعر وموسیقی ودیگر هنر های زیبا گامهای متین و استواری برداشته ایم معرفی گردندوزمینه ایجاد فهرستی ازنام هنر مندان محل و آلات موسیقی آنهارا فراهم گردانند .

اگر دیروز اینجاه‌وآنجا ی کشور عدهٔانگشت شماری از راقمان ، کاتبان ،میناتوستان و نقاشان چیره دستی بودندکه‌میراث های فرهنگی میهن شان را با اصطلاح رنگ‌و روغن داده‌بـه آیندگان تقدیم نمودند و امروز باتحقیق و کاوشی درین آثار ما معلومات‌خود را در باره هنر مندان و موسیقی نوازان دیروز وسعیتر می ساز یم. نویسندگان در محلات وروستاها و ژور نالستان باانعکاس دادن کار مای‌هنری روستاییان باید این وجیبه را بوجه بهتر و بیشتر انجام دهند تا فرهنگ‌و هنر معــاصر کشور را غنی تر از پیش به آیندگان تقدیم نمایند .

قابل تذکراست که‌غنای فرهنگ‌امروز مـا مربوط می شود به کار های هنری ای‌که در ساحه شعر و شاعری، موسیقی، آهنگ سازی فلمبرداری ، عکاسی ، میناتوری هیکل تراشی وغیره در کشور انجا م می شود و آثاربهتر که صیغه‌بشرخواهانه‌راداشته باشد وقتی‌مورد بر ســـی دا نشمنــــد ا ن در آینــــد، قرار گیرد همانطوریکه بهترین کار های‌هنری مردمی مردمان‌دیروزدرسر خط مجموعه تحقیقات محققان امروز قرار دارد ،در سرخط مقالات و مو ضو عات پژوهشی محققان فردای کشورجا خواهند گرفت .

باید گفت که : یاد داشت خاطرات ما حفظ نمودن يك منظره زیبا ی‌طبیعی که تغییرات‌جوی آنرا دگرگون میسازد ونگهداری صحنه ها و سانحه هارا وسایل هنری و هنر آفرینی امروز آسان گردانیده است زیرا نقاش یا رسام دیروز برای کشیدن وترسیم يك منظره زیبای طبیعی مجبور بود همه چیز را بخاطر سپاردو ساعت هاروی آن کارکند تا منظره مورد نظر راجابجا حفظ نماید ولی کار عکاسی‌و هنــــر فلمبرداری در لحظه‌ای می تواند مناظر دلفریب طبیعی و صحنه های جالب و دیدنی را عکس- برداری کند و برای همیشه بیاد گار گذارد.

برای نقاشان و میناتور یستان امروزمانیز مواد ووسایل ارزان وفراوان دستیاب می‌شود که‌با حفظ سنت های مینا توری‌و نقاشی‌وپا- گذاشتن بجای پای پیشینان توام بانو آوری آثار زیبایی از خود بیاد گار بگذارند.

شعر و هنر امروز بیشتر از دیروز صبغه مردمی دارد و الها م از زندگی انسانها می گیرد و شاعران مردمگرای معاصر وموسیقی نوازان ،اکنون دست اندرکار اند تا شعر و موسیقی را در خدمت توده ها قرار دهندو زندگی ایشان الها م کار های هـــنری شان باشد .

اگر اکثر از شاعران و موسیقی نوازان پیشین بیشتر بز م‌آرای دربار ها بودند وشعر هایی هنری نابی انـــدر وصف زورمندان و فرمانروایان خود مختار می سرودند درین‌میان شاعران مرد مگرای وبیزار از خوان رنگین‌این این وآن نیزپا بعرصه وجود گذاشته اند که‌از مرد م حرف زده‌اند ،زندگی محرومان رادر شعر وموسیقی شان ترسیم نموده اندونیز هنرشان در بیداری توده های محروم در جهت رستن‌از زیر سلطه ستمگران کارگر افتاده که‌می‌توان تنها این مصراع را گواه آورد .

زندگی آخر سرآید بندگی در کار نیست،
بندگی گر شرط باشد زندگی در کار نیست

بهر صور ت آثار ناب و پدیده های هنری گذشته همه اجزای فرهنگ غنی باستانی درین کشور اند و کار های هنری دیروز و امروز وطن تسلسل‌حفظ میراث های فرهنگی‌افغانستان را ادامه میدهدکه‌برهنرمندان ،شاعران،موسیقی نوازان است تا رسالت تاریخی شان رادرین بخش از تاریخ کشور که مرد م مابسوی اعمار يك جامعه نوین و ایجاد زندگی شگوفان‌روان اند، فعالانه انجام دهند واین آرزورا مــــردم کشور از هنر مندان‌وهنرآفرینان و دانشمندان که‌چشم و چراغ جامعه‌خود اند ،داشته ودارند.



د،ن

نقش پیامد های سفر تاریخی ببرك کارمل در ژرفای روابط دوستی افغان-شوروی



چارمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که بتاریخ بیست عقرب ۱۳۵۹ در پیوند باارزیابی پیامدهای سفر تاریخی ببرك کارمل، منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی وصدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان گشایش یافته بود از لحاظ ملی و بین‌المللی اهمیت ویژه‌یی را حایز میباشد زیرا در این پلینوم ببرك کارمل گزارش مفصل و دقیقی را در ارتباط ارزیابی نتایج سفر خویش به اتحاد شوروی ارائه کردند که قضایای مهم ملی و بین المللی را با یکسر همبندی خلاق ومنطقی منعکس ساخت.

آنچه که در این پلینوم بیشتر از مسایل دیگر مورد توجه قرار گرفته توسعه وروابط دوستانه وبرادرانه افغان-شوروی میباشد، گرچه روابط افغان-شوروی بر پایه حسن علایق بعد از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر و آنگاه که کشور ما به استقلال سیاسی خویش نایل آمد پایه ریزی شده‌بود که تاقبل از انقلاب ثور بنابر موجودیت حکومات ارتجاعی طوریکه خواست مردمان اتحادشوروی وافغانستان بود بسط و انکشاف نیافت، بانهم اتحاد شوروی، یگانه کشوریست که از هیچگونه کمك های‌مادی و معنوی بمردمان افغانستان دریغ نکرده و همواره دوست وفادارو پیگیر زحمتکشان کشور ما بوده است.
مگر بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور، روابط دوستی افغان-شوروی بیشتر از هر وقت دیگر گسترش یافت و بخصوص بعد از ششم‌جدی وآغاز مرحله نوین انقلاب این روابط بنحوی عالی ارتقا و توسعه یافت که با سفرتاریخی ببرك کارمل به اتحاد شوروی نیزباز هم توسعه خواهد یافت و به طرازنوین تکامل خواهدنمود.

استقبال گرم حزب، مردم ودولت اتحادشوروی از هیات عالیرتبه حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان و خاصه از ببرك کارمل نشانگرآنست که مردمان حزب‌ودولت اتحاد شوروی نسبت به افغانستان‌ومردمان آزاده و شریف‌آن‌و نسبت به انقلاب ثور علایق نهایت ژرف‌وپرتوان دارند طوریکه ببرك کارمل‌در گزارش مفصل خود که در چارمین‌پلینوم کمیته مرکزی ح. د.خ.ا تقدیم داشتند در زمینه چنین فرمودند:

((درهر جا که هیات ما گام میگذاشت درپایتخت پر جلال شوروی به‌شهر قهرمان‌مسکو، در تفلیس زیبا ویا در مهد انقلاب اکتوبر لیننگراد، در تاشکند پایتخت بزرگ‌ازبکستان اتحاد شوروی، در میان کارگران، کیهان نوردان، در میان دهقانان کلخوزیان باعلماو شخصیت‌های فرهنگی همه جاو همه جامارا باشور وشوق،نشاط دوستانه با دست فشردن انقلابی با درود های گرم وآتشین بمردم افغانستان باآرزوی‌پیروزیها وموفقیت هادر تکامل بیشتر انقلاب ثور، استقبال می‌نمودند همه اینها حقیقت کاملا صریحی را یکبار دیگر به اثبات میرساند که بین مردمان شوروی وجمهوری دموکراتیک افغانستان روابط طراز عالی‌و نوین دوستی بی‌شایبه،خدشه ناپذیر وبرادرانه ومبتنی بر همبستگی انقلابی‌واصول انترناسیونالیزم ایجادشده وبیش از پیش تحکیم میبابد.))

استقبال آتشین مردمان، حزب و دولت اتحاد شوروی از ببرك کارمل‌وهیات معیتی شان، درواقعیت امر ابرازاحساسات نیك، دوستانه وبی‌شایبه شان نسبت به حزب، دولت‌و مردمان ما‌بود که باز تابنده روابطژرف دوستی افغان،شوروی بوده وبالاخص درشرایط کنونی‌این اساسات بیش از هروقت دیگر افزایش یافته است. بهمین‌منوال هدف ومضمون‌مذاکرات ومصاحبات واعلامیه مشترك هر دو کشور که متکی براراده‌وخواست مردمان جمهوری دموکراتیک افغانستان واتحاد جماهیر سوسیالیستی‌شوروی میباشد از لحاظ‌اهمیت ملی‌و بین المللی درسرنوشت تمام زحمتکشان‌جهان تاثیرات خوب و مطلوبی را در راه حل‌قضایای بغرنج مربوط به منطقه وجهان بجا خواهد نهاد.علایق مردمان، حزب ودولت اتحاد شوروی وبخصوص لیونید ایلیچ بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب‌کمونست اتحاد شوروی‌وصدر هیات‌رئیسه شورایعالی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی نسبت به پیروزی مردمان افغانستان وتکامل ظفرمندانه انقلاب ثورو دومین‌مرحله تکاملی آن‌وهمچنان در امر تعمیق وگسترش وحدت‌واقعی وارگانیك حزب دموکراتیک خلق افغانستان وامحای کامل ضد انقلاب نمایانگر آنست که‌مردمان، حزب ودولت اتحاد شوروی همانطوریکه درپروسه روابط دوستی خویش با افغانستان، همواره به استقلال وتمامیت ارضی‌و منافع مردم ومصالح کشور ماعمیقانه احترام داشته ودر هیچ موارد مردم افغانستان را تنها نگذاشته اند لذا در پروسه تکاملی انقلاب‌ثورودر امر مبارزه عادلانه وقهرمانانه مردم، حزب ودولت جمهوری دموکراتیک افغانستان علیه ضد انقلاب، نیز از هیچگونه کمکهای اقتصادی، نظامی، کلتوری وتجارتی وتخنیکی دریغ نخواهدکرد ودامنه این کمکها که بخصوص بعداز ششم جدی‌و آغاز دومین مرحله تکاملی انقلاب ثور سریعانه توسعه یافته وتقویت میبابد بعد از سفرتاریخی ببرك کارمل بکشورکبیر شوراها نیز بصورت بیسابقه وبه نحوی عالی بسط وانکشاف خواهد یافت، طوریکه ببرك کارمل دربیانیه خویش به چارمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق‌افغانستان فرمودند: ((در هنگام مذاکرات هر دو جانب ابراز علاقمندی نمودند که بعد ازین نیزهمکاری‌دوستانه‌میان‌حزب کمونست اتحاد شوروی وحزب دموکراتیک خلق افغانستان رشد‌و توسعه یابد اشکال همکاری های تخنیکی، اقتصادی‌وتجارتی بین کشور های مان بسط وتکامل حاصل کند وروابط اتحاد شوروی‌وافغانستان در عرصه های فرهنگ، معارف، صحت عامه‌وسپورت عمیق تروووسیعتر گردد.»

در فروغ پیامدهای نیضمند سفر تاریخی ببرك کارمل بوضوح کامل درك میگردد که دوستی‌افغان-شوروی اکنون‌در سطح‌روابط احزاب و دول هر دو کشور، برونق اصول انقلابی وبر پایه پرنسیپ های انترناسیونالیزم نیز ژرفش و بسط همه جانبه می یابد. وعده‌کمك های مختلف ودوام وافزایش آن‌از جانب اتحاد شوروی به جمهوری دموکراتیک افغانستان که در طی مذاکرات دوستانه ببرك‌کارمل و لیونید ایلیچ بریژنف بعمل آمده است یکباردیگر موید آنست که اتحاد شوروی به شگوفانی افغانستان، بهروزی مردم افغانستان وتکامل پیروزمندانه انقلاب شکوهمند ثور علایق بی نهایت دوستانه‌وبدون هر گونه اغراض و سؤنیت را حایز می باشد، اینگونه علایق انسانی در حقیقت، مبین ماهیت انقلابی وانسانی‌حزب‌و دولت اتحاد شوروی وممثل اراده نیك و روحیه بشر دوستانه مردمان‌قهرمان‌آنکشور میباشد طوریکه لیونید ایلیچ بریژنف در ضیافتیکه بافتخار ببرك‌کارمل در قصر کریملین ترتیب داده بودند چنین گفتند:((موقع آنست تا آنهاییکه‌بر جمهوری دموکراتیک افغانستان تجاوز میکنند بدانند که پلانهای ماجراجویانه‌آنها محکوم به‌ناکامی است ورونـد

بقیه در صفحه ۴۹

زلمی خاڅی

دبلغاریا هیواد وپیژنی

موقعیت ا وجغرافیای اوضاع د بلغاریا دخلکو جهوریت دبالقان دشبه جزیری له هیوادو څخه دی چی‌داروپا په‌جنوب شرق کی‌دتوری بحیری په لویدیځه کناره‌کی واقع دی‌دجنوب څخه په یونان اوترکیی اودلویدیځ څخه په‌یوگوسلاویا محاط دی دشمال په‌برخه کی ددانیوب او دخانه بلغاریا درومانیی له خاوری څخه بیلوی •

دبلغاریایی هیواد تقریبا یومستطیل شکل لری اوږدوالی یی دیوگوسلاویا له سرحداتو څخه د توری بحیری تر شامله پوری تقریباً ۴۵۰ کیلو متره او عرض یی ددانیوب له سیند څخه د یونان د سرحد پوری ۲۵۰ کیلو متره دی •مجموعی مساحه یی په حدود دیوسله دولس زره کیلو متره مربع اونفوس یی تخمین اتو میلیو نو نفرونه رسیږی• د طبیعی ساختمان له نظره ، بلغاریه په څو مشخصو بر خو ویشله شوی ده چی‌له ختیځ څخه لویدیځ ته په موازی توگه‌امتداد لری •

لومړی په شمال کی دډینوب درود خانی ودآی یوه وسیعه اوهمواره جلگه ده چی د طبیعی ساختمان له حیثه د رومانیی دجنوبی جلگی امتداد گنل کیږی •دغه جلگه دایسکور اوآسام درود خانو په واسطه چی د دانیوب معاونین دی او نوری کوچنی رود خانی چی مستقیماً توری بحیری‌ته بهیږی آبیاری‌کیږی•

دویم په منځنی دبالقان د غره سلسله‌چی داروپا جنوب شرقی ټوله شبه جزیره د هغی په نوم موسو مه ده د بالقان غرونه چی‌په حقیقت کی دترانیسیلوانی آلپ اولری کارپات دغرونو دجنوبی امتداد دی دریو هیوادو بلغاریه ،رومانیه او یو گوسلاویه‌د سرحداتو داتصال دنقطی څخه چی یو تاریخی معروف معبرو او داوسپنی په مشهو ر دی شروع شوی دی چی په اول کی د بلغاریی او یو گوسلاویا ترمنځه جنوب ته‌متداد مومی اما وروسته په ۱۵۰ کیلو متره مسافه دفعتاً دختیځ خواته اوړ ی ۱۰او د بلغاریی‌له منځه‌د توری بحیری د ساحل تر حدود وپوری امتداد پیدا کوی د بالقان ختیځه برخه چی ۲۰۰۰ او ۲۵۰۰ متر وترمنځ لوړوالی لری ددانیوب درود خانی اوضه دمرستیا درود خانی له حوضی څخه چی جنوب خواته اژی بحیری ته بهیږی بیلوی اما د بالقان په ختیځه برخه کی د سلون له مقام څخه تر توری بحیری پوری د یوزر مترو څخه لږ لوړوالی لری•د بالقان مهم‌کوتلونه دادی :

ترویان ، روز آخرنی کوتل چی عبارت‌له شپیکا څخه دی نږدی یو صومعه چی په‌شپیکا معروفه ده موجوده ده چی‌ښایی دبیزانتین د صنعت دعالیترینونو څخه وی .

دریم په جنوب کی یوه بله غرنی منطقه مرکبه له هغوسلسله غرونو څخه چی دبالقان داصلی سلسلو څخه بیلیږی دجنوب په استقامت د (اژی) تربحیری رسیږی اونومو-ړی بحیری متعددی جزیری چی په تاریخ کی دیونان په‌جزایرو معروفی دی په‌حقیقت کی‌د-دغو غرونو دسلسلو څخه مهمترینه چی درو دوب په نوم یادیږی دبلغاریی اویونان‌په منځ کی‌واقع‌ده دریلوداغ څوکه چی ۳۳۰۰متره لوړوالی لری په دغه غـره‌کی ده برسیره دمریستا په رودخانی چی پخوا موذکر کړه دمستا رودخانی‌هم‌دبالقان دغره دجنوبی‌نشیب څخه نشأت کړی‌دی‌چی دبلغاریا په جنوبی ساحه کی له عبور څخه وروسته په یونان‌کی داخلیږی آود(اژی)بحیری ته‌بهیږی •

دبلغاریا اقلیم د دانیوب په‌جلگه کی شما لی بادونه‌لری چی یوی‌اندازی دغه جلگه سړه ده اما په جنوبی نواحیو کی د مد یترا نی له بادونو څخه استفاده کوی ډیرمعتدل دی همدا رنگه دهیواد اقلیم‌په ټولوبرخوکی سالم اودسوړ والی اوتود والی څخه مصئون دی•

دبلغاریا مرکز د صوفیی ښاردی‌چی دبالقان دغرونو په جنوب اود هیواد په لویدیځی برخی‌کی پروت اوواقع دی دغه ښار (صوفیه) چی په څلورمه میلادی پیړی کی دترا ژان له خوا بناشوی و دبالقان یو لرغونی ښار اوداو سپنی دپټلیو اوتجارت مهم مرکزدی اوله نیم ملیون څخه ډیرنفوس اویومهم پوهنتون لری •

دبلغاریا ټول‌مهم ښارونه عبارت دی له روشچوك اوپلیون په شمال‌کی پلودیو په جنوب اودوارنااوبورگاس بندرونه د توری بحیری په ساحل‌کی ریمتروك گراد دبلغاریا نوی صنعتی ښار دی •

دبلغاریا پیداوار او اقتصاد :

بلغاریا اساساً یوزرا عتی هیـــواد دی تقریباً دمملکت دریمه برخه په ځنگلو پټه ده اوپا ته برخه‌یی تقریباً کرنی‌ته مساعده ده دنوموړی هیواد مهمترین محصول غنم‌دی او اوربشی، جوار ،تنباکو، پنبه‌کتان اونوری مختلفی میوی او انگور هم ډیرشته چی ډیرپه شراب جوړولوکی استعمالیږی •دوریښمود چنجی روزنه هم په ډیره پیمانه مروجه ده دهیواد په جنوبی برخه‌کی په حدود دشل‌زره ایکره مځکه دگلاب په بوټوپټه ده •دبلغاریا بزگران ددغه گل‌په روزنه کی خاص مهارت لری اومختلف انواع یی منځ تـه‌را وړی دی اود محصول څخه عطر اودگلاب عرق استخرا جوی اوټولی نړی ته یی صادروی •

دبلغاریا ډیر مهم پیداوار د ډبرو سکاره دی برسیره په دی مالگه، المونیم، طلا، مس او دمړمر مختلف انواع هم استخراجیږی .

دنړی تر دوهم جنگ پوری بلغارا مهم صنایع نه درلودل صنعتی تصدی یی مجموعاً دروزروته رسیدی چی ډیری یی‌عبارت له کو چنیو موسسو څخه •وی دکارگرو مجموعی تعداد له پنځه اویازروڅخه ډیرنه وونور تقریبا ټول په کرنه بوخت و مگر کله چی دبلغاریا هیواد ددویم نړیوال جنگ په موده کی دهټلری فا شیستی لښکرو څخه په‌خپل دبلغاریا دخلکو او دشوروی اتحاد دصلحی قواو په واسطه وساتل شو او ترڅو چی ننی مترقی نظام په بلغاریاکی ټینگ شونو دصنا یعو دایجادو لو لپاره یو وسیع پلان ددرنو صنایعوپه شمول منځ ته‌راغی اوپه نتیجه کی هغه مصرفی صنایع لکه نساجی، شراب‌سازی موجود ووتقویه اونور شقوق لکه فلزکاری. انجنری اوکشتی سازی دموټر جوړول اونور ورباندی زیات شول• اوننن ورځ بلغاریادخپل مترقی نظام په رڼاکی یوقوی او پرمخ تللی اقتصاد لری چی دواړه شقه یی (زراعتی او صناعتی) پرمخ تللی اونوربه هم‌پـرمخ ولاړ شی •

اوهم دبلغاریا غرنی برخی ښی ورشوگانی (چراگاها) لری مختلف څاروی لکه غـوایی پسونه وزه اوخوك په زیات شمیر په‌کی‌روزل کیږی •

دبلغاریا صنایع اومعادن ددولت په‌لاس‌کی اوملی دی کرنه اومالداری دبزگری اتحادیوپه سیستم اداره کیږی دبلغاریا تجارت دنړی دټولو هیوادو سره صورت نیسی •دبلغاریا عمده صـادرات تنباکو ، شراب‌لبنیات، دگلا-بوعطر پوستکی اوځینی ماشین آلات دی •

دبلغاریا وگړی اوتاریخ :

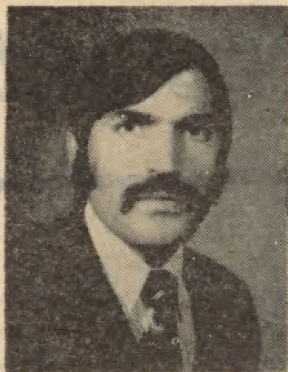
په پخوا نیو پیړیوکی بلغاریا دروم‌دامپرا توری یوه برخه وه دهغه وخت داوسیدونکی په باره‌کی اطلاعات لږدی په دریمه میلادی پیړی‌کی دسلاوځینی طوایف دغـه ځـای ته راغلی وو او داصلی اوسیدونکوسره یوځای شول• په‌اومه پیړی‌کی داوتیگور قبایل چی دبلغار دشعبو څخه وو په دی‌ځای مسلطشول اوسلطنت یی تاسیس کړاوتیگوریان د سلاو یانوسره یوځای شول دهغوژ به اوعادات یی قبول کړل اودبلغاریا اوسنی خلق‌له هغوی سره دیوځای کیدلو نتیجه ده په‌نهمه‌پیړی‌کی عیسوی مبلغینو دارتود کس له کلیسا څخه دمسیح مذهب په‌بلغاریاکی خپورکړخوسره‌لدی جنگ دبلغاریا یی دسلطنت اودختیځ روم‌دولت چی مرکزیی بیزانس یااوسی استا نبول‌وپه لاینقطع صورت دوام درلود •

دمیسحی خوار لسمی پیړی په اواخروکی عثمانی ترکانو بلغاریا ونیوله اوتقریبا پنځه پیړی یی حکمرانی ورباندی وکړه توڅوچی په نولسمه پیړی‌کی دیونان اوبالقان دټولو مناطقو دآزادی خواهی دنهضت په‌تعقیب‌بلغار-یاهم دخپلواکی دلاس ته راوړلو لپاره تصمیم ونیوه لمړی‌ځل په کال ۱۸۷٦ دعثمانی دولت په ضدودریده اگرچی ددوی دغه قیام مغلوب شو خویوکال وروسته‌په ۱۸۷۷کال‌کی دروسی دولت دترکانوپه مقابل‌کی دجگړی اعلان‌وکړ اوبالقان ته یی لشکر کشی وکړه او وروسته دعثمانی لښکرو له مغلوبیت څخه دبلغاریایی په‌یوه برخه‌کی یونیم خپلواکه حکومت تشکیل شو څوکاله وروسته شرقی رومیلی هم‌دعثمانی دولت په ضد شورش وکړ اودبلغاریا سره یوځای شو په ۱۹٤٦کال‌کی دعامه را دیـو دمرا جعی په اثرپه بلغاریاکی‌دخلکو جمهوری حکومت تاسیس شو دنوی اساسی قانون له مخی مقننه قوا په یووا حدمجلس پوری اړه لری داو دبلغاریا په‌باره‌کی لنډ معلومات

ستارگان افسانه ساز

قادر فرخ هنرمند با استعداد که آرزو دارد رژیسور شود

بیست سال عمر ش را درتیاتر سپری کرده‌نقش های زیـاد و رنگار نگ را مو فقانه بـا زی کرده‌همیشه‌طرز کار ش مطلـو ب‌ومورد پسنداست .



نما یشنامه های (ار بـاب پو نتیلا ونوکرش ناتی) (خشـم خلـق) «شبو شـلاق »(ضر به سـوم) را خیلی‌عالی با زی کرده و آرزو دا رد رژیسور خوب شود . در سینمـاو تلو یـز یون نیز حصـه گر فتـه مخصوصا نقش اتللـو را خیبی ماهرا نه تمثیل کره است . قـا در

ازدواج نموده است و پدر دود خترو يك پسـر است و در محیط خا نه وکار مورد احترام همه‌است .

ایرینا کوبچینکو هنرمند بااستعداد و خارق العاده



ایر ینا کو بچینکو



ایریناکو بچینکو یکی از مو فق ترین‌و با استعداد تر ین ستـا ر ه های تیا تروسینما ی اتحاد شوروی است.

ایر ینا هنوز محصل آمو ز شگاه هنری شو کین بود که بـرای ایفای نقشس لیزا از فلم (آشیانه اشراف) دعوت شد این فلـــم بـه اسا س داستان تور گنیف سا خته میشد .

باوجود اینکه ایـر ینا در چند فلـم محدود حصه گرفته امامورد استقبال گرم‌قرار داشته‌و آینده در خشان در انتظار ش است .

ایر ینا هنر مند خیلی سخت گیر است یگانه رژیسور ی‌که میتوانـــد همرای یر ینا مو فقانه کار کنـــد اندری میخا لکوف کا بنچلسو فسکی است این رژیسور توا نااير ینـــارا برای‌اولین بار بروی پرده کشیـــد وبرای تبارز استعداد ش کمك کرد.

ایر ینا به‌این رژیسور عقیده دا رد وعقیده داشتن‌هنر مند به‌رژیسورکار بزرگی‌است.

یر ینا درفلم(ما ماوا نیا)«چخوف» در نقشس سو نیا در خشید .

در فلم(حما سه يك عشق) ایرینا ابتدادخترسا ده، جلف و هـــر زه راخیلی مو فق‌با زی میکند این‌دختر درمقابل عشق او از قهر مـــان فلم خیلی‌عادی جلوه میکند اما بعـــدا این د ختر زند گی وا قعـی را درك میکند زن قهر مان فلم میشودایرینا درزما نیکه مادر میشود عوا طـــف مادری راخیلی طبیعی وزیبا با زی میکند زن قهر مان فلم‌میشود ایرینا زن‌مقدس را در لحظه ایکه کو دك در آغو ششی است هنر مندا نه‌بازی میکند او به مر یم مقـــد س کـه در کلیسا ها وجـــود دارد شبا هت دارد.

چارلز پوکینسکی

چارلز پو کینسکی در سال۱۹۲۲ درامریـکا تو لد یافته والدینش از لتوانی بودندکه بعدا به امر یـکا مهاجرت کردند. خانواده اودرکمال فقر زندگی میکرد چارلز طفل نهم بود هنوز ده‌ساله نشده بـود کـه پدرش به مرض‌سل گرفتارشده‌ومرد

چارلز فقط در روزهای میتوانست مکتب برود که یکی از بـرادرانش بخانه می‌بودند ووی لبا سهای‌آنهارا میپوشید .

چارلز درشانزده سا لگی‌در همان معدن که قبلا پدرش کا ر می کـرد شامل کار شد .

بعد به‌عسکری رفت. بعدازجنگ موبل فروشی میکرد اما بازهم بـه معدن ذغال رفت دو ست ها یـش بخاطر اینکه پول بـدسـت آرد در یکی از تیاتر های دور افتـــاده برایش کار پیدا کردند و خودش توانست رول های درجه سـوم را بازی کند و از همان تیاتر کوچك و دور افتاده توانست برای خود در عالم هنر جای پیدا نماید آهستـه آهسته او را به سینما دعوت کردند و نقش های فرعی را بازی میکرد و بعد از فلم دوازدهم تخلص خود رابرو نسون گذاشت .

چارلز در سال ۱۹۷۱ جایزه اسکار گرفت و در ۱۹۷۲ از طـــرف ژور نالیستان بحیث موفق تریـن اکتور انتخاب شد .

چارلز برونسون حا لا سا لانه فقط دریك‌فلم کار میکند تاوقت‌زیاد برای خانواده بزرگ خود داشتـه باشد . مرد متین و آرام است و هیچ شباهت به کسانی ندارد کـه نقش زنان را بازی کرده است .



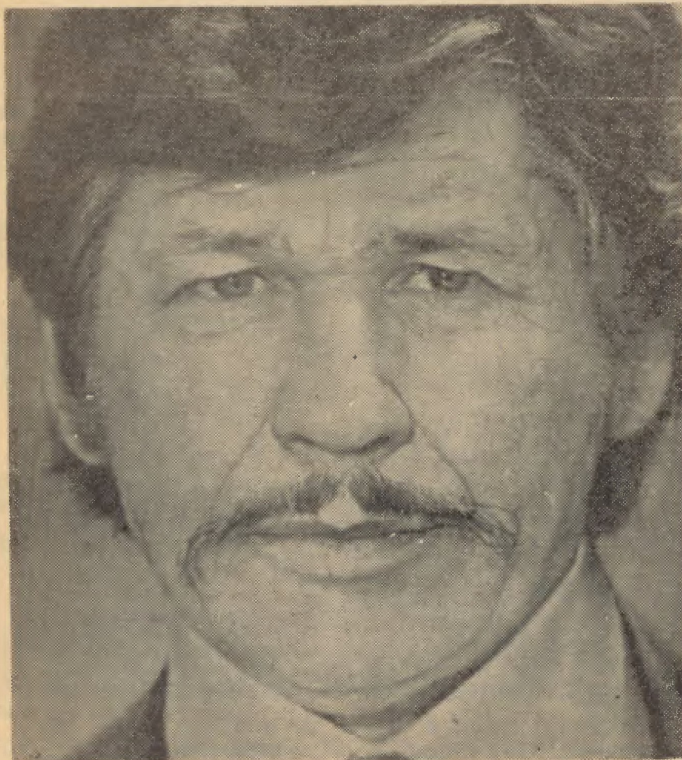
شبانه اعظمی

از : وافی

شبانه اعظمی ستاره تحصیل یافته هنرمند جدی سینمای هندوستان

تلو یز یون جمهوری دموکراتیك افغا نستان فلم های انکور ،سپیده امر ، اکبر ، انتونی را نمایش‌داد. شبانه اعظمی در هر سه فلـم در تیپ های مختلف ظاهر شد .همیشه زن های بی دفاع و مظلوم را کـه شرایط بد اجتماعی آنها را تحت فشار قرار داده توسط این هنـــر پیشه خیلی مو فقانه بازی می شود. در چهره وی مشا هـــده می کنیم که بـا پرابلـم هـــای گو نا گون زندگی مشکلی را سپری می کـند پرابلم عمده حقوق مساوی زن بـا مرد است که در جهان مترقـــی سالهاست حل گردیده است . مگر درمشرق دست نخور ده باقـی‌مانده و این پرابلم ها مورد دلچسپـــی رژ یسوران مترقی سینمای هنـــد است .

شبانه اعظمی اخیرا در یك‌فستیوال در تاشکند دعـو ت گـر دیده‌و سه فلم شبانه اعظمی بنا مهـــای (ریك راسته) ، (فقیرا) و (همرای شما) به نمایش گذاشته شد که این فلم هامورد علاقه تماشاگران واقـــع گردید .



چارلز پوکینسکی

خیرنیار عبدالله «محب حیرت»

از مباحث تحقیقی

عصر طلایی آمار وارقام

افلاتون فیلسوف معروف یونان باستان در کتاب مشهور (جمهوریت) خود (بحدود ۲۳۰۰) سال قبل از ارتباط فزونی نفوس با جنگ و حرب تذکری داده و ارستو در مورد کنترول شدید از دواجهاو تحدید ولادتها و محدودیت اطفال کـه مسایل مذکور باندازهٔ توان مادی (مالکیت) فرد متناسب و هماهنگ باشد واز حدود معین آن تجاوز نکند،اعتقادو توافق باهمی داشته است ۰

بعدا روی این مساله نظرات وعقاید ارائه شده بشکل مختلف تقریباغیرمنسجم وپراگنده بوده است ۰ولی بعداطی قرون بعدی یکتعداد زیاد دانشمندان و متفکران اند وختهای علمی شانرا در موارد ارقام و اعدادی که اساس علم احصائیه را پیریزی می کند بشکل کتب و رسایل تدوین و نشر کردند . مثلا پیر دوی فرانسوی در قرن هفدهم شهکار علمی و اثر ارزنده خود را بنام (تیوری اعداد) تالیف کرد وبدسترس علاقمندان دانش گذارد ۰اسحق- نیوتن بر علاوهٔ کشف قانون جاذبه از سال ۱٦۸٤ تا ۱٦۸٦ کتاب (اصول) را نوشت و روش نوینی رابرای «حساب بینهایت کوچکها» ایجاد نمود ۰لایبنیتس در سال ۱٦۸٤ مقاله مبسوطی را تحت‌عنوان«حساب عناصر بینها- یت کوچکها» منتشر کرد۰

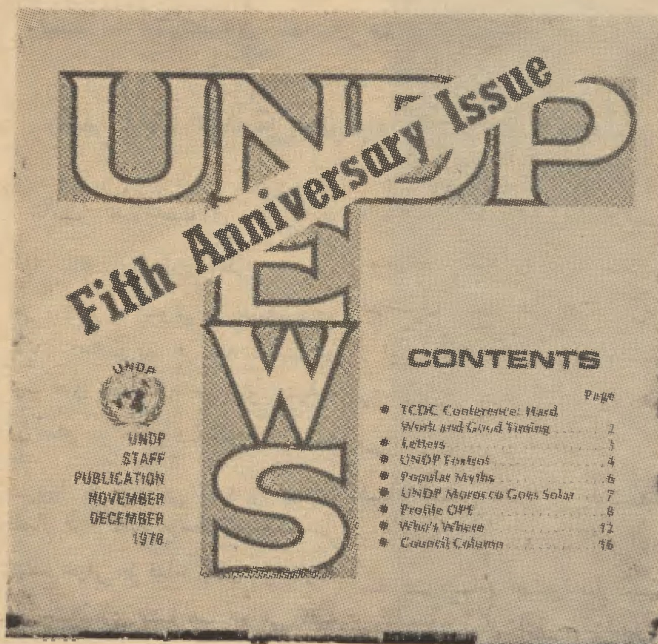
در قرون‌وسطی که انعطاف و التفات بامور احصائیوی کمتر محسوس و مشهود بود ، از یکطرف علم انکشاف علوم و تکنالوژی‌ونا- برابری های سویه فرهنگی و از جانب دیگر علم درك و تشخیص سالم ذهنی افراد جوامع به‌اهمیت احصائیه و ارقام ، ساحه انتشارات احصائیوی را محدود و حتی رجوع و تمایل به‌فعالیت های جمع آوری آمار و احصائیه‌ها رادر حال تذبذب ورکود گذارده بود۰ امابرخی متفکران عقیده دارند که در حقیقت تحـولات واقعی دراین موارد از قرن شانزده بدینطرف شروع شده است ۰ ولی طی قرون بعدی و جدید درموارد مذکور توجه بیشتری درساحه مذکور معطوف و مبذول گردید و با تاسیس سازمان احصائیوی،نشرآثارو کتب‌احصائیوی نیز رونق گرفت و انتشارات آماری توام‌بـــا تحلیل وتجزیه قضایای علمی، بسط وانکشاف یافت ،بنحویکه یکتعداد مراجع علمـــی و دانشمندان ،به مرور سالهای متمادی در راه تعمیم وترویج‌دانش‌احصائیه ،گامهای سنجیده ومتداومی برداشتند بطورمثال: گتفرید اکنوال درسال ۱۷٤۸ میلادی به تدریس احصائیه‌در پوهنتون گوتنگن پرداخت۰

شیرازه های خدمات‌علمی و آشنایی‌ابراهیم دیمویئو (۱٦٦۷-۱۷٥٤)وکارل گاس (۱۷۷٥- ۱۸٥٥) درراه تنظیم‌محتوای احصائیوی‌ومساعی کویت لت (۱۷۹٦-۱۸۷٤) دانشمند معروف‌از نظر تشخیص روش های جمع آوری ارقـــام تثبیت اساسهای نوین آمار ی، در آثاروکتب احصائیوی ذیدخل شناخته شده و ماحصل آن‌در پیریزی نشرات آماری بی تاثیر نبوده است ۰

همچنان در سال۱۷۷۰ ضمن یکی ازکتبیکه توسط (هویر) از لسان آلمانی به انگلیسی ترجمه شده یك فصل محتوای آن راجع بـــه احصائیه بوده است و در سال ۱۷۷٥-ارقام سرشماری چین طور کتبی به امپراتور و قت چین ارائه شده۰ رساله (قواعد نفوس) رابرت مالتوس دانشمند اقتصاد وکشیش قرن‌هژده درسال ۱۷۹۸- انتشار یافت(لاگرانژ)در سال ۱۷۹۹ -اثر پرارزش خودرا تحت عنوان «حل معادلات عددی» انتشار داد ۰



مطالعه وبررسی ونمونه گیریهای متنوع دررشته های مختلف فرا آورده های اقتصـادی‌به شمول چوب وکنده های درختان کـه در اقتصادعمرانی ورفع‌موادسوخت‌برای باشندگان‌کشورهای جهان خاصتاممالك عقب نگهداشته‌شده ارزش حیاتی دارد، ازنظر موسسات‌ملی وبین المللی آماری پوشیده نمی ماند وتهیه‌ارقام کارآمد درآن مورد نیز بنوبه خوددارای‌اهمیت است .



از جمله نشرات اقتصادی وآماری ملل متحدپخش اطلاعات مختص از گوشه های مختلف جهان، بخصوص کشور های عضو ملل متحد،در تنظیم پیامدها وذخایر معلوماتی بـر ا ی علاقمندان آن همیشه موردنظر وعمل است. تابلوی فوق نمونهٔ از نشـــرات اختصاصـی بین المللی است که معرف اسم ومحتوای‌آن‌میباشد .

موسسه دامسدی بـــوك كه بسال ۱۸۰۵ میلادی رویکار آمدبه نشربرخی آثارومعلومات احصائیوی اقدام کرد. همچنان یکـــــی از دانشمندان و محققان احصائیوی موسوم‌بـه «سانسور وینو» در شهـر «وینـز» پیرامون شناسایی وقایع اجتماعی از روی ارقام کتابی را انتشار داد.

در سال ۱۸٤۱ میـلادی (سوسمیخ) نتایج تحقیقات خودرادر باره جمعیت، بشکل رساله منتشر کرد. همگام‌بااین عصر و زمان مساله آمار بیشتر به پوهنتونها راه پیدا کردو مورد تدریس قرار گرفت. در سال ۱۸۵۳ رویداد های کانگرس بین المللی احصائیه منعقـدۀ بروکسل منتشر گردید. باتاسیس انستیتوت بین المللی احصائیه در لندن بسال ۱۸۸۵ مفکوره نشرات احصائیوی تبارز نمودو قوت گرفت ،آوانیکه مطالعات احصائیوی چندان اهمیت نداشت ، یکی از انجمن های علـمی رسالۀ (جانت گرانت) رادر بارۀ مطالعه و بررسی جمیعت انتشار داد ومتعاقـبـاً (پتی) یکی از محققان آنزمان موضوع مذکور رادر کتاب خود دنبال کرد .

دانشمندی گفته است که .

(در ابتدای قرن نزدهم کشور ها عموما نتیجه بررسی اوضاع خویشرا جز اسرار شمرده وهیچگاه مایل نبودند تاکشور دیگری‌ازمیزان نیروی اقتصادی و حیاتی آنان مطلع شوند. ولی امروز مفکوره بر عکس در چنین موارد تحقق پذیر است بطوریکه همگان به این عقیده اندکه دولت باید خود را بشناسد و بشناساندوآمار و احصائیه‌را موثقترین‌وسیلۀ شناخت حقایق بداند. چه تحقیقات وتتبعات علمی در رشته های گوناگون بارقم احصائیه بیشتر مستند و موثق می تواند شد ».

در روشنایی تجسسات علمی وقتی قد می فراتر گذاریم متون‌مأخذ موثق دروارای مطالب مستند که مبین گزارش های مبحث موردنظر است با چنین عباراتی مارا به اصل حقایق میرساند بطور یکه متذکر شده اند: «در قرن نزدۀ میلادی احصائیه‌دانان‌عهد مذکور ،آندوره را«قرن واقعی آمار»مینامند . چنانچه درین عهد نشراتی چند پیرامون سر شمار یهـــا انتشار یافت .ولی باورد قرن بیستم محققان وصاحبنظران آماری‌آنرا«قرن طلایی انتشارات احصائیوی »نامیدند و اکثر دول اروپایی به نشر و پخش نشرات احصائیوی بیشترمتوجه ومنهمك شدند و با طبع و نشر مجلات وحتی سالنامه های احصائیوی دست بکار شدند.»

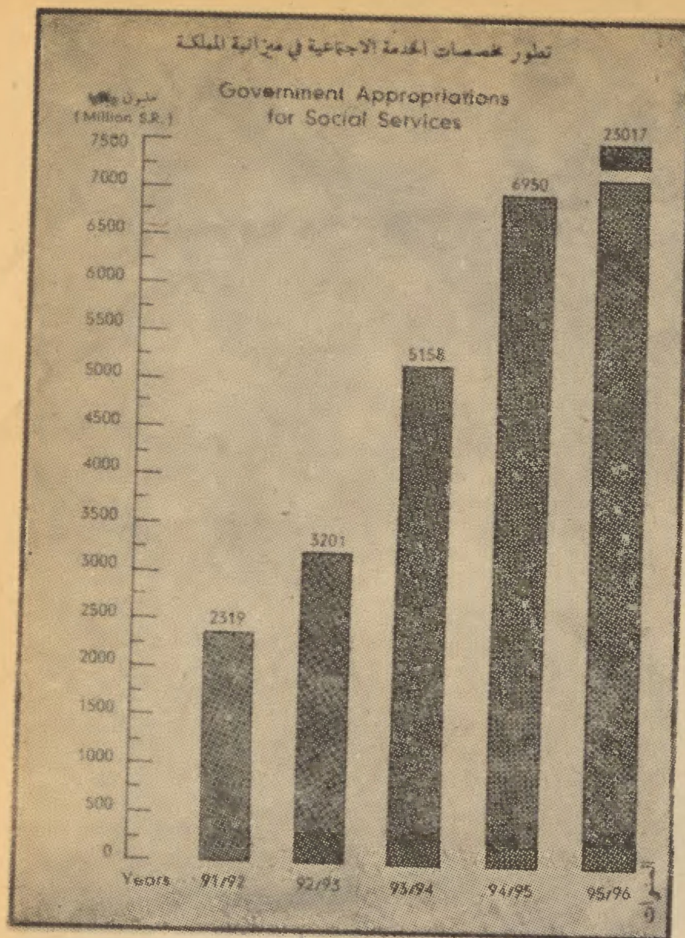
«کارل مارکس» فیلسوفو دانشمند نامدار که‌میتودیها وروشهای علمیش ، در اواخرقرن نزده هواخواهانی پیدا کرد ودر اوایل قرن بیست ارزش های معنوی آن به پدید آیی تحولات بزرگ اقتصادی منتج گردید درکتاب «کاپیتال» خود پیرامون اهمیت آمار اشاراتی کرده است. همچنان «لنین» فقید کـه خـود دانشمند پرنبوغ، فیلسوف مبتکر،سیاستمدار ماهر ومرد متفکری بود، در عین حال اقتصاد- دان و آمارگر ماهری نیز برشمرده میشد و در آثار ش غالباً به ارقام وآمار اتکاء کرده است در عین حال موصوف موسس اکـــثر موسسات احصائیوی در اتحاد شوروی مـی باشد که آثاروتالیفات زیاد اختصاصی‌منتشره آن‌کشور درین رشته روشنگر چنین حقیقتی در قرن معاصر و مبین یك بخش بـــزرگ ابتکاری در عصر طلایی آمار وارقام محسوب می‌گردد .

از مساعی دانشمندان مشهوری چون‌س.ر- فرانسس گالتن(۱۸۲۲-۱۹۱۱)و کارل‌پیرسن (۱۸۵۷- ۱۹۳٦)که تیوریهای شان مندرج کتب وآثار احصائیوی گذشته وحال‌است نمی توان چشمپوشی کرد. کتاب معروف «مبانی علم اقتصاد محض ، نظریه پول، مطالعـات اقتصاد اجتماعی و مطالعا ت اقتصاد تجربی» اثر لئون ماری والراس ۱۸۳٤ -۱۹۱۰ و اثر ارزنده دیگری بنام «اصول روشهای ریاضی وآمار» از جمله آثار بر ارزنده ایست کـــه امروز بر ذخایر علمی کتابخانه هاوآرشیف مأخذ احصائیوی بحیث(اسناد پیشقدم) مورد استفاده قرار دارد.

در قرن (۲۰) سر رونالد فیشر (۱۸۹۰- ۱۹٦۲) باخدمتگزاری هایش بسی خلاهایـی کتب و آثار احصائیوی را پرکرد و کوشش های پیگیرش خاصتاز ۱۹۱۲تا سال ۱۹٦۲ در راه بوجود آوردن نشرات احصائیوی از طریق تالیف وتتبع‌آثار آماری‌که توسط متعدد علمی و دانشمندان احصائیوی تحق پذ یـر شد ،نامش رادر فهرست دانشمندان معاصر احصائیه جاگزین ساخت . همچنان کتـــاب احصائیوی دیگر یکه در سال ۱۹۷۲ بنـــام «رهنمای مجهولات» از طرف (کامبرج ماسا- چوستس »به نشر رسید نکات مبهم وپیچیده احصائیوی راتحت عناوین مختلف برای اهل تحقیق روشن ساخت .

. اما آنچه که بیشتر قابل توجه وتذکراست افزایش تعداد و تیراژ نشرات احصائیـــوی بسویه ملی و بین المللی بعد از پایان‌جنگ عمومی اول است که از آن وقت‌تاحال محققان علوم اجتماعی و اقتصادی در قسمت آمـــار احصائیه ومسایل احصائیـوی بشکل‌نشرات موقوت‌وغیر موقوت توجه عمیق‌و بخصوصی‌را معطوف‌داشته اند.بطوریکه‌تعدادنشرات‌احصائیوی روز افزون شده ودر کلیه کشور های‌مترقی دوایر مخصوص‌آماری‌تاسیس گردیده‌و انتشار اسناد رسمی درین موضوع با سرعت زیادی روبتزاید نهاد. چنانچه سالانه‌موضوع استناد به‌آمارو ارقام بیشتر محتوای‌مجلات و روزنامه هارابصورت روزافزون احتوا می کند منظور مواد آن بیشس از پیش افزایش می یابد. بدینترتیب مـجلات اقتصادی واحصائیوی و نشریه ها متنوع آمار ی‌یکی پی دیگر در پهلوی سایرآثار مطبوع جای‌مخصوص خودرا احراز می کند .

بقیه در صفحه ۵۰



نمونۀ دیگری از گراف های آماری دررشتۀامور خدمات اجتماعی‌که مورد پذیرش وتطبیق موسسات آماری ملـی ،منطقوی وبین المللی‌قرار داد .



گوشه ازآرشیف یابانك ارقام‌که درکشورهای مترقی وروبه انکشاف وحتی درموسسات احصائیوی کشور هـــای مختلف وارکانهای‌بین المللی، مرجع استفادۀ آمارگران، اقتصاد- دانان و متخصصان قرار دارد .



یکی از صحنه های جالب سکی‌روی یخ

راپور از عبدالکریم «پوپل»

مسابقات فتبال زیر نام «جام پیروزی» دایر گردید و تیم آمو به گرفتن آن موفق شد

منسو بین کمیتهٔ ملی المپیک و ریاست عالی ورزش به خاطر سهمگیری شان در اولین سالروز تاریخی مرحلهٔ نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند ثورکه مرحله نجات انقلاب وطن و مردم محسو ب‌می شود به افتخار این روز تاریخی مسا بقات شکو همندی برگزار شد.

درین رخداد تاریخی وطن عزیزما تیم های فتبال پو هنتون کابل قوای مسلح ، پامیر ، میوند ، آمو و کارگر سهم گرفته که روز شنبه ۲۹ قوس تیم های پو هنتون کابل و قوای مسلح آغاز گر این مسا بقات بودند .

هردو تیم جهت جا گیری شان‌از صدر جدول و کسب این جام افتخار آفرین رخداد تاریخی میهن مان افغا نستان قهرمان و انقلابی مسابقهٔ شانرا بایك آمادگی عالی نسبت به دیدار های قبلی شان‌از سر گرفتند طی هشتاد دقیقه‌وقت تثبیت شده بدون نتیجه گیری کار شانرا پایان دادند و آنها حسب مقررات برای بیست دقیقه وقت اضافی بازی را ادامه دادند که‌درین مدت بازی باز هم مساوی خاتمه یافت و حسب قوانین طرح شدهٔ این مسابقات ، سر نوشت آنها با ضربه آزاد پینالتی تعیین شد که تیم پوهنتون کابل با استفاده ازین شانس پیروز گردید .

روز یکشنبه ۳۰ قوس تیم های فتبال کارگر و آمو در برابرهم قرار گرفتند که درین مسابقه تیم فتبال کلپ آمو با تلاش پیگیر و نتیجه سازشان تیم کلپ کارگر را با وارد نمودن سه گول به شکست مواجه ساخت . روز دوشنبه اول جدی‌تیم پامیرمربوطوزارت‌ترانسپوت که از جمله نخبه ترین تیم های فتبال کشور ودارنده لقب قهرمانی چندین ساله تا قبل از مسا بقات امسال است در برابر تیم فتبال کارگر با همه تلا شها و در گیری های شان عاجز مانده نتوانستند درین بازی کاری را به نفع شان پایان دهند و سر انجام تیم کارگر دو بار توپ را به داخل گول تیم پامیر نمود . و شادی کنان میدان مسابقهٔ آنروز را ترك گفتند .

روز سه شنبه دوم جدی تیم پو هنتون کابل و میوند دو مدعی خوب این مسابقات رویا روی هم قرار گرفتند که‌بازی بعد ازتلاشهای اعضای هر دو تیم . بازی سه‌مقابل صفر به نفع تیم پو هنتون کابل

زن و شوهر قهرمان مسابقات سکی روی یخ ، با جهان ورزش وداع نمودند

* * *

در طول تاریخ ورزش کشور اولین دسته دختران ورزشکار ما به خارج کشور سفر نمود

* * *

خاتمه یافت و به این رقم تیم پوهنتون کابل در جریان این مسا بقات به دو مین پیروزی شان دست یافتند.. روز چهار شنبه‌سوم جدی تیم پامیر ٪ جوان وپر تلاش‌با طرح یك پلان عوض نموده نسبت به مسابقه قبلی شان که در برابر تیم کارگر شکست خورده بودند موفق شدند در دیدار ی تیم آمورا با وارد نمودن یك گول به شکست مواجه سازد . که با ختم مسابقه تیم های پامیر و آمو دور اول مسا بقات پایان یافت و نتایج عمو می ارز یابی شد تا تیم صدر نشین جدول هردو گروپ رابه دور دوم معرفی سازند که بعد از ارزیابی نتایج عمو می تیم های پو هنتون و آمو به حیث تیم‌کاندید دور فاینل در هردو تیم شناخته شدند که آنها روز شنبه ششم جدی مسابقه نهایی جام پیروزی قیام ظفر مند شش جدی را ازسر گرفتند که در نتیجه این دیدارتیم فتبال کلپ آمو موفق‌گردید حریف خوبی خود را که در مسابقات‌پیشین ازین رویداد نیز حریف دور فاینل آنها بود شکست بدهد و به دست یابی جام پیروزی ششم جدی‌توفیق یافتند .

* * *

ورزش دو ستان گرامی مابه‌خاطر خواهند داشت که از چندی بدین سو مسا بقات بین المللی ۱۹۸۰ سکی روی یخ در یکی از جمنازیوم های سر پوشیده مسکو با اشتراك تعداد زیاد کشور های مترقی و صلحدوست و کشور های انگلستان و ایتا لیه تحت نظر نما یند گان کمیته بین المللی المپیك و مقامات ورزشی اتحاد شوروی دایر گردید.

مسا بقات دو هفته پیش بعد از یك گزارش مختصر مبنی بر شرکت تیم ها و چهره های برازندهٔ این ورزش قبل ازین مسا بقات . رقابت ها طبق برنامه طرح شدهٔ کشور میز بان و نماینده گان کمیته بین المللی المپیك به صورت‌مشترك و انفرادی در بین ورز شکاران جوانان و دختران شکل گرفت و شام روز شنبه ۲۹ قوس ۱۳۵۹ مطابق به ۲۰ دسمبر ۱۹۸۰ سرانجام خود رسید .

ورزشکاران شرکت کننده حرکات موزون و دیدنی را با آهنگ های مست و دلنشین طرف نظرشان که برای تماشا چیان هم خالی از کیف نبود دنبال می نمودند که در هر قسمت از نما یشات تماشاچیان با شور و شعف خاصی ورز شکاران را با گرمی استقبال می نمودند . حرکات آنها چنان گیرا و دلپسند بود که تما شا گران لحظهٔ از دیدن آن بدور نبودند و هر حرکت آنهارا با علاقمندی زیاد تماشا میکردند .

طوریکه چهره های اشتراك کنند گان این ورزش از طریق پردهٔ تلو یز یون نمایان میگردید در بین شان تفاوت سن زیاد دیده میشد به این معنی که خورد ترین ورزشکار در سنین ١٤ و ١٣ در بین دختران بود و بزر گترین آنها در حدود بیست و چهار سال داشتند که با وجود تفاوت سن ، آنها با چنان در خشش و مهارت نمایشگری‌می نمودند که نمیتوان در موردتمرینات آنها چیزی گفت : و فکر میشد که آنها سالهای زیادی را در فرا گیری مهارت های این ورزش پشت سر نهاده اند و موفق گردیده‌اند مشکل ترین حرکات را به تمایشی بگذارند که این حقیقت آنها نشان دهندهٔ پشت کار متداوم و مو جودیت مربیون ورزیده و آزموده میباشد. مسابقات در چند روز طبق برنامهٔ ترتیب شده پیش برده

بقیه درصفحه ۵۰



حرکات جالب سکی روی یخ واقعاً تماشایی است



ورزشکاران سکی روی یخ‌از مهارت‌های خاصی بر خوردار اند .

ـآخر یکبار گفتم که او نیست.
پسس برو ید پی کار تا ن .
میگو یی اصلا تزار ی و جود ندارد .
سر گرو هبا ن توقف کـــر د دستشس رابالا آورد و گفت :
ـ درگفتن چنین حر فها دقت کن . آ ن وقت با لحن دیگـــر ی تو ضیح داد .
ـاو در شهر نیست .
ا زمیا ن جمعیت کسی باوجواب داد .
ـخیال میکنم هیچ جانباشد .
ـمرده ...
ـ شیطا نها نکند اورا تیرباران کرده باشید ؟
ـخیال داشتید ملت را نابو د کنید ؟
ـملت رانمیکشند، از اواستفاده میکنند .
ـشما تزار را کشته اید مــی فهمید ؟
ـتو کیستی . سر باز . میدانی سرباز یعنی چه ؟
در جا ی دیگر پیر مرد ی که ریشس باریك داشت به حرار ت با سر بازا ن حرف میزد و می گفت:
ـشما آدمید ما هم آدمیم !
امرو ز لباس نظا می تن شماـ ست فردا لباس شخصی ، آنوقت میخوا هید کار ، کنید نان لاز م دارید نه کار پیدا می شود نه نا ن، بچه ها آنو قت تاز ه شما هم‌بهمان درد گر فتار میشو ید که حالامـــا دچار آن هستیم ... خو ب ! اگر شما آنو قت نان و کار بخوا هید باید به شما تیر اندازی کرد؟
و برا ی اینکه شکمتا ن گرسنه است با ید شمار ا کشت ؟ ها ؟
سربازا ن از سرما می لرزید ند پابپا میکردند بو ت ها را به زمین میزدند گوشها را میما لیدند تفنگ ها را از یك دست بدست دیگر می داد ند ، چشما نشا ن با طرا ف حر کت می کرد لبها ی یخ زد هخود را بهم میفشردند بر صور ت آنان که از سرماکبودشده بود آثاریاس و نو مید ی پریشا نی و حما قت خوانده میشد پلکها روی هم میـ افتاد ، چشمها مخفی میشد ، فقط چند نفر آنها که گو یی بچیز ی‌می نگریستند چشمها را تنگ کـرده بودند و دندا نها را بشد ت برهم میفشر دند . چنین‌به نظـرمیرسید که بز حمت میخوا هند آتش کینه و دشمنی خود را نسبت باین توده



پیو سته بگذشته

که برای خاطر آنها سرما می‌خورند فرو نشانند از چهره های افسرده ورقت بار آنها آثار خستگی وانده میبارید . مردم سینه بسینه برابر آنها ایستاده بودند و گاهی دراثر فشاری که از عقب بانها وارد می آمد کمی پیش رفته بسربازان تنه می زدند .

مردی با چهره رنگ پریده آهسته گفت :

ـ آرام !

دیگران دست سربازان را گرفته بودند و با حرارت با آنها سخن میگفتند سربازان همچنانکه چشمك میزدند گوش میدادند صورتهایشان ترکیب نامعینی بخود میگرفت و آثار ترس و خجالت در چهره آنان پدیدار میشد یکی از آنها بجوانکی که کلاه پوستی بسر داشت گفت :

ـ دست بتفنگ نزن .

اما جوانك آهسته با انگشت بسینه او زد و گفت :

ـ تو سربازی یا جلاد ... ترا احضار کرده اند که ازروسیه در برابر دشمن دفاع کنی اما حالا وادارت کرده‌اند که‌بسمت ملت‌تیر‌اندازی کنی میفهمی ؟ ملت یعنی روسیه .

سرباز جواب داد .

ـ ما تیراندازی نمیکنیم .

ـ نگاه کن ! روسیه ، ملت روس آنجا ایستاده است و میخواهد تزار را ببیند ... کسی حرف او را برید و فریاد زد .

خیر ! نمی خواهند !

ـ اگر ملت بخواهد راجع بکارهایش با تزار صحبت کند چه خلافی کرده است ؟ خوب بگو به بینم ها !

سرباز خیره خیره نگریست.

ـ من نمیدانم .

نفری که درکنار او بود گفت :

ـ بما دستور داده اند حرف نزنیم .

آنوقت با یاس و نومیدی آهی کشید و چشمانش را بزیر انداخت .

ناگهان یکی از سربازان از شخصی که مقابلش ایستاده بود با مهربانی پرسید .

ـ همشهری ! اهل (ریازان) هستی .

ـ نه اهل «پاسکو فسکی» ..... تو اهل کجایی ؟ من اهل «ریازان» آنوقت خنده بلندی سر داد و مثل آدمهای یخ کرده‌شانه هایش رابالا انداخت .

مردم در برابر صف تیره‌رنگ و مستقیم سربازان میجنبیدند و چون امواج رودخانه ای که بسنگها میخورد خود را به آن می زدند دور میشدند و دوباره بر می گشتند . بسیاری بزحمت درك میکردند چرا باینجا آمده اند و چه می خواهند و در انتظار چه چیزی هستند . نه مقصود معینی داشتند و نه هدف آشکار که بر آن آگاه باشند فقط حسی رنجش شدید و پریشانی و اضطرابی بر آنها چیره شده بود بسیاری تشنه انتقام بودند و این اشتیاق آنهارا بهم پیوسته درجاده نگهداشته‌بود اما کسی نبود که عقیده دل خود را بر او خالی کنند و از وی انتقام بگیرند ... سربازان کینه آنهارا برنمی انگیختندو آنها راتحریك‌نمی نمودند ،آنها مردمان کندذهن و



بدبختی بودند سرما آنها را ازپای در آورده بود وبسیاری حتی قادر نبودند از لرزه که بر اندامشان مستولی شده بود جلوگیری نمایند ، مثل بید میلرزیدند و دندانهایشان به‌هم میخورد .

آنها میگفتند :

ـ ما از ساعت چهار صبح‌تابحال اینجا ایستاده‌ایم .

مصیبت بزرگی است .

دراز بکش و بمیر ....

ـ اگر شما پراگنده شوید ما هم بسربازخانه بجای گرم می خواهیم رفت .

ـ ساعت چند است ؟

تقریباً ساعت دو بعد از ظهر بود .

سرگروهبان گفت :

ـ برای چه نگران شده ایدمنتظر چه هستید ؟

کلمات او صورت جدی و با وقار و لحن اطمینان بخشش‌صدایش خشم و غضب مردم رافرومینشانید مثل اینکه تمام سخنانیکه اکنون او میگفت از روی عقل و فهم و عمیق تر از کلمات عادی وساده‌اش بود .

چیزی نیست‌که انتظار بکشید... فقط قشون برای خاطر شما رنج میبرد .

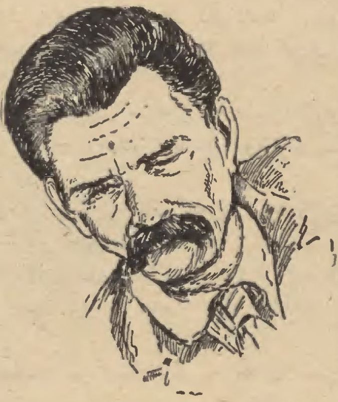
مرد جوانی آنوقت پرسید .

ـ بسمت ما تیراندازی خواهید کرد .

سرگروهبان اندکی خاموش شد و با آرامش جواب داد :

ـ اگر امر کنند تیراندازی می کنیم .

بشنیدن این‌حرف سیل‌سرزنش و ملامت و دشنام و استهزا ازمیان جمعیت بر خاست مرد سرخ رو و دراز اندامی با صدایی رساتر از



دیگران پرسید .

برای چه برای چه تیراندازی میکنید .

سرگروهبان پشت گوشش را خاریده توضیح داد .

ـ پس میگوئید دستورفرمانده را اطاعت نکنیم .

سربازان حرف مردم را می شنیدند و بادلتنگی و افسردگی خاطر چشمها را برهم میبردند .

یکی از آنها آهسته گفت :

ـ خوب بود یك جیرگرم و داغی اینجا بود ! ...

صدای کینه جو و غمناکی پرسید .

ـ خون مرا میخواهی .

سربازدلتنگ شدو باترشرویی گفت :

ـ من حیوان نیستم .

چشمهای بسیاری بصورتهای بزرگ و تخت سربازان که در خط زنجیر طولانی ایستاده بودند با خاموشی و کنجکاوی تحقیرو تنفر مینگریست اما اکثریت کوشش داشت با آتش هیجان خود آنها را گرم کند ، در قلبهای شان که چون سربازخانه ای محکم بسته شده و حس انسانیت را برانگیزد .

اکثریت ، مردم میخواستندکاری انجام دهند و بطریقی احساسات و افکار خویشرا بصورت‌موجود زنده و جانداری مجسم نمایند و خود را لجوجانه باین مجسمه های سرد و خاموش میزدند که تنها یك ارزو داشتند و آن اینکه هر چه زودتر به جای گرمی‌بروند و اعضای یخ زده و کوفته خود را گرم کنند .

حرفها پیوسته گرمتر وواضح تر میشد .

مرد فربهی باریش بلند و چشمان کبود گفت :

ـ سربازان آخر شماکیستید؟ شما فرزندان ملت روس هستید ! ملت از فقر و گرسنگی رنج میکشد به کلی فراموش شده است ،پناهی ندارد ، کار ندارد ، نان ندارد ، و امروز آمده است از تزار طلب یاری و کمك کند . اما تزار بشما دستور داده است بجانب ماتیراندازی کنید سربازان ! ملت از پدران و برادران شما تشکیل‌شده است تلاش و تکاپوی او تنها برای خودش نیست بلکه برای اسایش شما هم هست . شما را بضد ملت بر می انگیزند بپدرکشی و برادر کشی وامیدارند آخر کمی فکر کنید راستی نمی فهمید که بضرر خودتان اقدام میکنید .

بنظر میرسید که صدای آرام و یکنواخت چهره رووف وریشش سپید و ظاهر آراسته این مرد و کلمات ساده و بی ریای او سربازان را بهیجان آورده است .

آنها در برابر نگاه او چشمها را بزیر انداخته بودند و بدقت گوش میدادند . برخی در حالیکه سر تکان میدادند آه میکشیدند . عده دیگر ابروها را در هم کشیده بودند و به اطراف نگاه میکردند.

کسی با صدای آهسته به پیر مرد نصحیت کرد .

بقیه‌درصفحه۴۲

سنگر

اتلان

اتلان نه مري

هغوی همیشني او ژوندي دي.

دهغوی دژوند لادخو نـړ یـوګړ نګو له څنګه دمر ګی دګو مـی په‌خواکی تیره‌شوی ده. له‌ډاراو نـاهیلیو سره‌یی د تل‌له‌پاره مخـــــه ښه کړ یده.

په ټول ژوندانه‌کی درون‌اوانسانی‌هدف په‌سره واټ کی مخ‌په‌وړاندی درومی ا و هیڅکـله نــه تـر شاکیږی .

دنوم ور کو سر تیروپه شان دنوم‌اونښان دګټلو له‌پاره نه جنګیږی‌بلکه دانسان دنیك مرغی اوهمیشنی خلاصون په‌لار کی سر، ما ل اوشتمنی ښیندی .

دانسانی لوړ و هیلو د بـــــری‌او سر ته رسیدو په کږ لیچنه لار او دقربانی په وخت کی دټولو‌په‌مخکی اودامتیازونو‌په‌وخت کی ترټو لوورو-سته او په ورو ستنی‌کرښه کی ځای‌لری اود هیڅ‌امتیاز دتر لاسه کو لو لیوال نه وی ،ځکه چی دامتیازو نولیوا لتیا یی اتلتوب ته کلك ګوزار ورکوی او له تورو خاورو سره‌یی برابروی .

هغوی دباتورانو په‌شان هدفمنـدژوند کوی ، خپله ژ منه ترسره کوی او هن دا چی مړ ینه‌یی عم دژو ند یوله پاره ستر ویاړنه اووبر نه‌پر-یږدی.

هغوی‌دتورتم درناکولو او دورځی‌دبری‌په‌خاطر ځان لکه ډ یـوه ویلی کوی اود هد فوا ل ژونددلاری‌کیږ-لیچو نوپه روښا نه کو ا__وسره خپل خو ږ عمر پای ته‌رسوی . هغوی‌باوری دی‌چی‌دخپل اولس او زیـار ایستو نکو پر ګنو دسو کا لی‌اوخلا-صون دبسیا کیدوله پاره بایدله‌ځانه تیر شی او خپل هوډجن‌سروښندی.

هغوی پر ننګ سرو نه ږدی اودخپلو سر ښیندو نو په اځګا زو خپل خوبوړی او دپیړیوپیړیو په درانده‌خـو ب و یـد ه شو ی خلك‌ر ا-ویښوی چی د خپلی آزا دی ددښمـن‌منګلی‌ماتی‌کړی.

هو!

هغوی له خلکو سره دپیو ستون پت پټا نی او راز مو ندل ی وی‌اوپه دی‌پو هیږی چی دمر ګی‌خونـړی‌منګلی هم ددغه پیو ستون مرغلین پړی شلو لای نه شی یوازی‌اویوازی‌له‌خلکوسره‌په نه شلیدونکی‌پیوستون کی‌پت او ننګ، هوډاو تکل، بری او‌پایښت نغښتی‌دی چی‌پر ته‌له همدی اړ یکی نه ډیرغښتلی قو تو نـــه‌پرز یږی او له منځه ځی.

۱۳۵۹/۷/۲۰ تلو یز یون

خوشحال او پوشکین

خو شحال‌خا ن‌ختك‌زموږ دویاړلی هیواد افغا نستان‌لوی شا عر اود ښتو ژبی پلار اود شو روی اتحاد درو س ستر شا عر پو شکین یو له بل‌سره ډیر ګډ اړ خو نه‌لری‌چی د افغانی او روس‌دنوروشاعرانو‌په‌پرتله یی دادب په لوړ ځای کی ځای تـر لاسه کړیدی .

خوشحال او پوشکین دواړه پـه بډا یو او مخورو کور نیوکی زیږیدلی اودخپلو ژبو دغو ږیدونکی ادب سرغندو یان وو چی دادب او فر هنګ دغوړ یدو او بشپړ تا به‌لهپا ره‌یی دخنډوو نو اوبندیزونولاره‌هواره‌کړله خوشحال او پوشکین د خپلـــو لرغونو ژبو دشعر او ادب د هغـــو ما هرو ختګرا نو حیثیت لری چی‌د ادب دنوونوونښیو دپرتمینو ماڼیـو بنستهو نه یی ایښی اود هستوونکی فر هنګ درا تلو نکو سرغندویانو پرمخ یی دمزله‌وهلولوی‌ورپـــړا - نیستلی دی .

دپو شکین ترزیږ ید نی یو سلو لسس کا له پخوا کله چی خوشحـــال دخپل وخت له‌زړه‌بو ګنوونکی چا-پیریال سره آشنا شو اود پښتـــو دشعر او ادب‌جنډه یی ورپو لــــه په پښتوژبه له در بارو نو ښخــــه یی‌بهر او ډیر لیری په او لس کی شته والی در لود ، خو شحال ختـك په همد غه ځبل شوی او تر تــل شوی‌ژبه کی د هما غه وخت‌دناخرالو سر بیره داسی مر غلری و...ی چی ساری‌یی لږ پیداکیدای اوستری ادبی پانګی‌بلل کیدای شی چی راتلـو نکو ته دستر فر هنګی میراث‌به‌تو ګـــه پاتی‌شوی او پیړی پیړی به خپـــل برلاستوب او اصالت خوندی‌وساتی.

همدا شان دخو شحال تر مړ ینی یوسلولسس‌کا له ورو سته چـــی‌د «روس» سترشاعر داد خپل او لسس رښتیا نی تر جمان خپلی ستر ګی پرا نیستلی درو س‌دتزارانو‌په‌اشرا-فی دربارونو کی‌فرا نسوی ژبـــــی دومره برلاستوب مو ند لی و چی درسمی ژبی په‌تو ګه کارو ل کیده. پوشکین په پور تنیو شرا یطو کی‌ا دادب او شعر دیوه ما هر ختګــــر په‌تو ګه‌دروسی‌ژبی‌بنسټ کښیښنوداو دخپلورا تلو نکو له‌پاره یی اغز نـــه لار هواره کړ له اود اشرا فی دربارد ستاینو پرځا ی یی د خپــل‌او لس ویاړونو او ویرنو بوللی، و بللـــی

خو شحال او پو شکین دوا ړود خپلولرغونواوقهر ما نو او لسو نو اود خلکو دژغور ن ډګرته‌ورو دانګل اودښکیلاك ګرو او زبیښناك ګرو د لوټ اوتالان پر ضد یی خپل انسانی غږ او چت کړا و دخلکو په‌راو یښولو سره‌یی د هغوی دښمنا نو تـــــه‌د سر خوږ پیدا کړ اود را تلو نکوبر-یالیتو بو نو ډیوه یی‌ولګوله . خو-شحال ختك دهند دګور ګیا نـو د ښکیلاك ګری امپرا طوری‌دغیرانسانی چلند پر ضد دژوندا نه تر پا یـــه یوری دخپلو باتورو ملګرو ایمل‌خان اودریاخان په‌ننګه او ملاتـــړ دآزادی بیرغ رپانده وساته اودننګ‌لو ست یی‌دګور ګا نی رنتبور له خو نـړی زندان نه‌ترلاسه کړ.

پو شکین هم د خپل او لس دبز ګرا نو او زیار ایستونکو پر ګنـــو اودروس‌د ستری‌امپراتوری‌تر ښکیلاك لاندی مظلو مو او لسو نو لـــه‌ترخه ژوندانه اوزړه بوګنونکی چا پیر -یال نه انقلابی زده کړه وکړه اود خلکو د خلاصون له ژغو رنده غور ځنګ «دیکا بر یستا نو» سره‌ملګری شو چی دګر یپا ید یف او چا یدایف په ملګر تیا یی د زر غونځرا غ‌ادبی ټولنه لاپیاوړی کـــړ له‌او داولسی ښندرو په‌را مینځ ته ک ولو سره‌یی‌د خلکو په‌راو یښو لو کی لو یـــه‌ونډه وا خیستله .

پوشکین لکه‌خو شحال د خپـــل او لس وېر نو او ویاړ نـــو تو دی او سړی ترا نی و بللی چی لـــه همدی‌کبله یی د هما غه رخت‌دتزاری واکمن کر که وکټله‌او په سا یبر یا اویا سلاو یخکی معبد یعنی‌سړیخورو ځایو نو کی یی دبندی کیدو پریکړه وشوه مګر د هغه دځښنو مخـــو رو خپلو انو په‌شفا عت و ښبـر ...و او دروسیی جنو بی بر خوتـــه‌دلیکوڼکی په‌توګـــه‌وشړل شو.

لکه‌څنګه چی خو شحال ختك‌خیل دشعر او ادب درنګینو مرغلرو ډیره برخه تنبور جیل کی‌وپیپله ، پو -شکن هم دتزا ری‌روسیی دامپر ا -طوری‌په جنو بی سیمو کی چـــــی تبعید شو ولیکلو چی په‌رو سی‌اد-بیاتو کی‌یی دقفقاز اسیر، جګړه مار-ورونه ، دباغچه سرای فواری اونور ډیر نا متو دی .

خوشحال او پو شکین دوا ړه‌تکړه نثر لیکو نکی وو چی دشعر اونثـــر دښکلو مرغلرو په‌پییلو سره یــــی پښتو اوروسی ژبی له غړ ند وا لی‌او مړینی نه وژغو ر لی اود مړژوندتوب له‌منګلو نه‌یی‌له‌ژغورلووروسته دغوړ-یدو اوبشپړ له تابه خواته‌بوتللی.

لکه‌څنګه چی خوشحال خان ختك په خپلو اد بی مر غلرو کی د خپل‌کام او او لسس دژوندا نه تیاره‌ګوټونــه دادبی نقد پوا سطه غند لی‌دی .

پوشکین هم د خپل او لسس دزړه بوګنوو نکی ژوند په بیلا بیلـــــو اړ خو نو رڼا اچو لی او ناوړه‌څیزونه یی‌غندلی‌دی.

پاتی‌په۵۱ مخکی

بقیه صفحه ۷

علل کمبود و گرانی ...

ندارد باز هم اگر وزارت دفاع ملی اقداماتی برای بی امنی های احتمالی در دست اجرا گیرد موتر داران باکمال علاقه وسایل خودرا در کار انتقال چوب میگذارند وازاین اقدام دولت بسیار شادهم میگردند چرا که این وسیله زندگی شان است وبا توقف موترها عاید شان کاهش میابد. ((چنانکه همینشیوه به کار گرفته شد)) در مورد اینکه راه حل عملی وهمیشه گی معضله چه میباشد ،به نظر من باید ارگان هایی مانند وزارت معادن وصنایع ریاست عمومی ترانسپورت زمینی وزارت ترانسپورت وتوریزم، وزارت آب وبرق وشاروالی کابل همه باهم تمام مشکلات محروقاتی

واینکه عدم امنیت شاهراه ها یکی از علل اساسی نرسیدن چوب بکابل وکمبود وگرانی آن در اوایل زمستان محسوب میگردید.

رئیس امور سیاسی در پاسخ به این مسئاله چنین ابراز نظر کرد که تاکنون شاروالی کابل تقاضایی در این زمینه بعمل نیاورده ودرصورتیکه ضرورتی محسوس باشد و پیشنهادی به وزارت دفاع صورت گیرد این وزارت حاضر است هم چنانکه تاکنون بوده هر گونه شرایط تامین امنیت را برای کاروان های حامل چوب درنظر گیرد.

این یاد آوری از آن جهت شد که شاروالی کابل در جریان آن قرار داشته باشد.

که در کار انتقال چوب وظایفی به عهده دارند باآرامش خاطر به ایفای وظایف خود بپردازند واز جهت تامین امنیت کاملا اطمینان داشته باشند.

نماینده وزارت دفاع ملی :

باتوجه به اینکه دراین گردهم آیی تاکنون به وسیله چند گوینده محترم اشاراتی شد به مشکلی که برای چند هفته محدود ازنظر تامین امنیت انتقال چوب به مرکز به وجود آمده بود چند نکته رابرای روشن شدن بیشتر موضوع یاد آوری میکنم.

همانگونه که محترم اورنگ معاون کمیته ولایتی کابل در بخشی از سخنان خود اشاره کردند بعداز پیروزی مرحله نوین انقلاب ثور مرحله نجات انقلاب ومردم ومرحله یی که تمام منافع استثماری محافل ارتجاعی به خطر جدی ازمیان برداشته شدن همیشگی قرار گرفت، این محافل باتمام قدرت کوشیدند و تلاش بخرچ دادند که به زعم

گروپ هاوگروه ها خاتمه دهد و تامین امنیت رادر تمام شاهراه ها تضمین کند.

باند های خرابکار که قدرت مقابله رو در رویی رابا قوای مسلح بیدار وانقلابی کشور مابه هیچوجه در خود نمیدیدند تکتیک مبارزه سیاه خود راعوض کردند ودست به دزدی غارت، چپاول و یرانگری، تخریب حریق وراهگیری و اذیت مردم به اشکال گوناگون شدند که ایجادمانع در انتقال چوب به مرکز در یک مدت کوتاه شیوه یی از این گونه اعمال ضد انسانی محسوب میگردد ودر جریان اقدامات آنان در همین مدت کوتاه بود که شهریان کابل کم وبیش با مشکلاتی در تهیه و خرید مواد محروقاتی و خاصتاچوب مواجه گردیدند، اما موضوع عدم امنیت در شاهراهها کاملادروغو بی اساس است واین شایعات بیشرمانه یی بود که عمال این باندها وگروه هابرای مشوش ساختن



لطفا لحظه‌ای باما درمیز گرد ژوندون بنشنید

را مورد بررسی وارزیابی قرار دهند وبرای آن یك طرح عملیاتی علمی را پیشنهاد کنند که وظایف هر یک از ارگان هارا مشخص سازد وگام های موثر نیز در جهت تعویض انرژی برداشته شود.

رووف راصع :

به ارتباط وتایید گفته های محترم معاون کمیته ولایتی کابل یاد آور میگردم که چند روز پیش به ارتباط یك موضوع به همراهی مدیر ژوندون ملاقاتی داشتم بابریدجنرال گل آقا رئیس عمومی سیاسی وزارت دفاع ملی، ودر جریان همین ملاقات بود که در خلال صحبت اشاره یی رفت به موضوع موردبحث کنونی

معاون کمیته ولایتی کابل :

من باید یك نکته رابه گفته های قبلی ام بیفزایم وآن اینکه عدم تامین امنیت شاهراه ها که قبلا به آن اشاره کردم ومدتی کمی وجود داشت اکنون به صورت قطع ازمیان رفته ووسایل نقلیه حامل چوب با هیچ مشکلی دراین مورد روبرو نمی باشند حزب بادرنظر گیری مشکلاتی که به وجود آمده بود تصامیم قاطع رابه مرحله اجرا قرار داد واکنون تعدادی ازاعضای آن در شاهراه‌ها ونقاطی که بیش از این مواجه با خطر بود موضع گرفته اند.

با این توضیح امید وارم شاروالی کابل ومقامات وارگان های دیگری

خود شان در راه پیروزی قطعی ماسد ایجاد کنند و مشکلاتی رابه وجود آورند وبه همین اساس بود که آنها دست به ایجاد گروه ها و باند های خرابکار زدند و مقاومت های بزرگ راترتیب دادند اماخوش بختانه همانگونه که قوای مسلح با حمایت قاطعانه مردم افغانستان توانست که انقلاب رابه پیروزی رساند دراین مرحله نیز بابرخورداری از حمایت تمام طبقات واقشار زحمت کش ورنجبر وروشنفکران کشور وپشتیبانی فرد فرد مردم نجیب و شریف افغانستان موفق گردید که به تمام اشکال مقاومت ضد ملی وضد انقلابی این باند ها

اذهان مردم شریف ماپخش میکردند.

راحله راسخ :

برای رفع اساسی و یکباره دشواری و مشکل محروقات من فکر میکنم در قدم نخستین باید احصائیه های دقیقی از میزان نیاز مندی کنونی شهر کابل به مقدار انرژی سوختن تهیه گردد وبعد امکانات تعویض انرژی به میان آید چه در شرایط کنونی که شاروالی کابل همانگونه که محترم معاون شاروال در جریان صحبت خود اشاره کردند هیچ احصائیه یی در این مورد نداردطرح هرگونه پلان اقدامی شتا بزده است که موثریت در حد توقع نخواهد داشت.

ناتمام

نگرشی به‌سینمای‌شوروی این‌سینمای انسانی

های تاریخی سینما ی شوروی در چندین رده مجزا قـابل بر ر سی ا ست فیلم ها ی تاریخی انقلا بی‌در را بطه با جنبش انقلابی تاریـخ

حزب‌کمو نیست ، انقلاب کبیـــر سو سیا لیستی اکتبر و جنگ‌دا‌ـ خلی فیلم ها یی پیرا مو ن دوره های اخیر ز ند گی خلق رو س

وسا یرخلق‌های اتحاد شوروی‌فیلم های زند گی نا مه ا ی که زندگی نمایندگان بلند پایه دانش، فر ـ هنگ و چهره ها ی‌درخشان تاریـخ

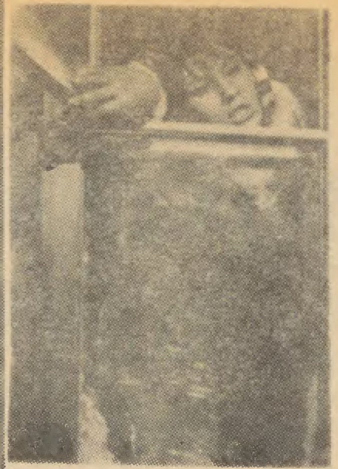


هیروئین سینمای اتحاد شوروی تصویر راستین وزنده ای ازمـردم ورویداد های زمان های گذشته‌رابه خوبی روی‌پرده‌سینما نمایش‌میدهند

ملی ونظامی خلق ها ی اتحادجماهیر شوروی سو سیا لیستی را تصویر می کنند در سا ل ها ی ا خیـر نیز فیلم ها یی در باره تا ریـخ ملی جنگ جها نی دو م تهیه‌شده است این رد ه بند ی ما نند هر مبحثی در تا ریخی هنر قا بـــل بحث و بررسی است ر ده هـــای گو نا گو ن نقا ط مشترك بسیـار دارند و گاه بر هم منطبق می شوند اما پذیرفتن آن، برخورد با فیلـم ها ی تاریخی شوروی را آسا ن می سا زد .

در کشور شوروی در تما م‌مرا‌ـ حل تکامل سینما وحتی در خـلال دورا ن پیش از انقلاب فیلم ها یـی برپا یه سوژه ها ی تا ریخـــی تهیه شد ه‌ا ست نخستین فیلـم عمده سینما ی رو س ما نـنـــد ((ستکار ازین))«بوریس گودونف » «یك‌عروسی روسی قرن شانزد هم» ((او ازکلاشنیکوف بـارز گـان)) که‌در سال های (۱۹۵۷) تا(۱۹۵۹) سا خته شد ه ا ند به گذ شتـه دور می پر دا ز ند . امااین‌فیلـم ها به جای آ ن که رو ح ز مـان های گذ شته را منتقل کنند د ر حقیقت تنها نما یش ها یی بورژ‌ـ وایی بود ند که در لبا س هـــای تا ریخی با زی می شد نـــد نخستین تلا ش اصیل بـــرا ی

ترسیم سر شت یك حاد ثه‌تاریخی در فیلم د فا ع از سوا ستو پو ل (۱۹۱۱) دید ه می شد این فیلـم که محور آ ن میدا ن نبرد بود تر‌ـ کیب پیچید ه ای ازو یژ کی هـای سلطنت طلبا ن ار تجا عی واحسا‌ـ سات دمو کرا تیك میهن پر ستانه را نشا ن می داد .فیلم ها ی بعدی ما نند (۱۸۱۲ ۱۹۱۲) ((وسیصد



صحنه‌یی ازفلم «چهل ویکم»

سال سلسله روما نو ف (۱۹۱۳)) گر چه مد عی نما یش حواد ث تار یخی عظیم بود ند در وا قـــع کیفیت پا یین تری دا شتند. فیلم را می توا ن تا ریخی شمرد. بیشتر این فیلم ها از آثار ادبیا ت کلاسیك رو س اقتبا س شد ه بود نـــد (بی بی بیك از پو شکین بویاراورشا از ار مو نتو ف جنگ و صلـــح از تو لستو ی و غیره) . تما م این فیلم ها عمد تا برپایه منا سبا ت رو ما نتیك قهرما ن داستان ها ا ستوار بود ند .









صحنه یی ازفلم «زندگی‌زیباست»

انقلاب وسینما ـ دورهٔ سینمای صامت :

انقلاب کبیر سو سیا لیستـــی اکتبر و ظا یف و سر شت سوژه ها و سبك سینما ی تا ریخـــی را از بنیاد د گر گو ن سا خت بر جسته تر ین و هو شمند تر ین فیلم‌سازا ن و ظیفه د شوار بزرگد اشت رشا د ت ها ی انقلا بی مردم و ثبت مبارزه انقلا بی را بـــه عهده گر فتند . سر گی ایزنشتین وسه و لود پو دو فکین الکساندر داوژ نکو و معا صر ین‌شان نخستین فیلم های انقلا بی تا ریخی شوروی را عر ضه کردند .

یکی از اولین آثار این مجمو عه فیلم (اعـتصاب) (۱۹۲٤) اثـر سر گی ایز نشتین بود ا ثـــر ی که بر تا فته از شور سیا ســـی تصو یر معتبری از نبرد انقلا بـــی پرو لتا ریا ی روس علیه رژیـــم تزا ری ارا ئه می کرد قهر مانا ن فیلم برا ی نخستین بار در تا ریخ سینما کار گرا ن انقلا بی بو د ند که به عنوا ن ساز ند گا ن تاریخ به نما یش در آمد ند .

رزمناوپو تیو مکین واکتبر : اصول تازه ای که در فیلـــــم (اعتصا ب) ابدا ع شد ه بود در فیلم بعد ی ایز نشتین به نـــام (رزمنا وپوتیو مکین (۱۹۲۵) بـــه طرز در خشا نی تکا مل یا فت .

مقصود ا صلی ایزنشتین اگادژ انوو (فیلم نامه‌نـویس) وادوار ـ دتیسه (فلم بـردار) در ا یـــن فیلم نشا ن داد ن مهم تر یــــن رویداد هـــای سال (۱۹۰۵) بـــود یك شنبه خو نین ، اعتصا بـــا ت با کوو ا یو انوو و آشو ب ها ی ماه‌دسا مبر در مسکو اما و قتـــی کار بر روی فیلم آ غاز شد د ر یا فتند که گنجا ند ن آ ن همـــه رو یداد دریك فیلم نا ممکنا ست

(نا تمام)



صحنه‌یی ازفلم «آسمان صاف»

وظایف سازمان دموکراتیک زنان افغانستان

سازمان دمو کرا تیک زنان افغا نستان بمثابه مشعلدار نهضت انقلا بی زنان میهن چون سایر ساز ما نهای متر قی قبل ازجر خش پیروز مند ششم جدی در برابر دیو سیهکار ارتجاع و جنا یات د هشت اوررژیم امین و باند سیاه اش شجا عانه رزمیده اند ودر کنار رفقای رزمنده حزب دمو کراتیک‌خلق افغانستان در بدترین لحظات ، مشکل ترین کار ها را انجام داده اندودر جریان این‌پیکار شجاعانه تعقیب، تهدید ، برکناری از کار، زندان وشکنجه را متحمل شده اند .

باید گفت که با بمیان آمدن تحول شش‌جدی زمینه های گسترده برای سهم گیر ی زنان در همه سا حات زندگی اعم از سیا سی‌اقتصادی و اجتماعی فرا هم گردیده و زنا ن وا نسته اند که حتی در سنگر های داغ‌پیکاردر کنار دیگر رزمند گان سهم خود را درسر کوبی دشمنان وطن وانقلاب فعالانه وشجاعانه‌ایفا نمایند که البته در اثر فعا لیت ها ی زیاد در ین اواخر سازمان دمو کرا تیک زنان‌افغا نستان جهت وسعت هر چه بیشترصفوف خود جلب و جذب وسیعی را در بین اقشارمختلف زنان آغاز نموده‌و توانسته که درمدت کو تا هی صفوف رزمنده سازمان دموکراتیک‌زنان افغا نستان را گستر ش دهد .

سازمان دمو کرا تیک زنان افغا نستان‌جهت تشکل زنان و بخا طر بر آورده شد ن ارما نهای سیاسی اجتماعی و اقتصادی زنان‌کشور ما ایجاد گردیده و در طی این پانزده سال با صراحت میتوان گفت که از هیچگونه‌تلاش برای بر آورده شدن آرمانهای بزرگ زنان دریغ نکرده و در مختنق ترین ودشوارترین شرایط هم شجا عانه در کنار سایر نیروهای وطنپرست رزمیده است . زنان صلحدو ست جهان اینکه تا چه حدودی در کار مو فق بوده سوا لیست که نباید با آن‌بر خورد ذهنیگرانه نمود

وظایف سازمان‌دمو کراتیك زنان افغانستان‌از بدو تاسیس محدود در سا حه ملی نبوده بلکه در کنار سایر نیرو های متر قی و وطن‌پر ست در بزر گداشت از منا سبت های‌مهم بین المللی و همبستگی با نیرو های متر قی‌جهان بخصوص زنان پیشرو اقدام نموده است .

باید متذکر شد که‌سازمان دمو کرا تیك‌زنان افغا نستان افتخار عضو یت فدرا سیون دمو کرا تیك بین المللی زنان را نیز کسب‌نموده و میکو شد روز تا روز روابط صمیمانه تری را بین زنان‌افغا نستان و همه زنان صلح‌دوست جهان بر قرار نماید که این خود گام بزر گیست جهت تحکیم و تقو یه روابط نیك‌زنان میهن ما با همه سازما نهای متر قی در جهان .

درلحظات حساس که میهن مان ـ پیروزمندانه بسوی نور بسوی آینده شکو فان به پیش میرود نباید اینرا فراموش کرد که‌عناصر ضد انقلاب این خفا شان شب پرست در لبه گور میخواهند بطول عمر خود بیفزایندهمه‌زنان آگاه و با احساس وطن را در سنگر گرم مبارزه سازمان دموکراتیك زنان افغانستان فرا میخوا نیم تا در جهت دفاع از دست آورد های انقلاب در صفوف ساز ما ن‌دموکراتیك زنان متشکل شوند .

سپری نمودن اوقات فراغت فرزندان درخانه

اطفال همیشه احتیا ج‌به تفریح واستراحت دارند و از اینکه درین سن و سال ببازی بیر دازند از آن لذت میبرند مادران عزیز

بگو شید که این تو قع را در فر زندان خود کمتر کنید که تمام او قات بعد ازمکتب را به نوشتن و خواندن درس بگذرانند روز چند

سا عت که در مکتب کار جدی میکنند برای آنها کا فی است بهتر است آنها را تحت مرا قبت خود تان به بازی سر گرم کنند ـ

وادارکنید تامجبورنشوندکه به‌سراغ خراب‌کردن وسایل‌خانه‌بروند، وخرابکاری رابارآورند یك بازی یا سر گرمی جدید برای مدت زیا دی

اطفال راسرگرم نگاه میکند و مادران نیز باخیال راحت می توانند به کار های منزل رسیدگی نمایند .

که خارج شدن اطفال از خانه کارمشکلی‌است ودرضمن ضامن راحتی‌اعصاب شماهم میباشد پیشنهاد می کنیم :

۱ـ قصه گفتن وبازی هوش:

به اطفال یاد بد هید که باهم مسابقه بیست سوالی بد هند یا اینکه یکی از بچه ها شخص معر و فی را انتخاب کند و از دیگران بخواهد با سوال کردن وایما و اشاره اسم آن را تشخیص وپیدا کنند. یك جایزه کو چك و کم قیمت برای برندهٔ این مسابقه، مدت زیادی اطفال را وادار خواهد کرد که با دقت و علا قه با این بازی ادامه دهند .

۲ـ مرتب کردن عکس:

از مجلات‌و کتابهای کهنه عکس های حیوانات افراد مشهور یا منظره های جا لب را ببرید هر عکس را مدت یك دقیقه در مقابل آنها بگذارید تا خوب تماشا کنند بعد با قیچی عکس را به هفت یا هشت قسمت نا مرتب تقسیم کنید و از آنها بخواهید قسمت ها ی بریده و مجزا را دو باره با هم مر تب کنند و روی یك کاغذ بچسپانند . برای هر بچه یك عکس جداگانه را انتخاب کنید تاهرکس بکار خودش مشغول شود .

۳ـ کار دستی :

از آ نها بخوا هید بر ا یتا ن قاب عکس و اشیایی امثال آنرا بسازند ، بهتر است درین مورد خود تان هم کمك کنید مثلا ساختن گیلاس از کاغذ وغیره .



جدایی پدر و مادر و سرنوشت اطفال

بعضی زنان و شوهران که دارای خاصیت و وجوه مشترك نیستند و اخلاق شان سازگار نیست خود را خوشبخت احساس نکرده تصور می کنند که جدایی وطلاق بهترین راه حل مشکل آنها ست در حالیکه چند طفل قد و نیم قد هم دارند اقدام به طلاق و جدایی می کنند که به یقین با انجام این کار اشتباه بزرگی را مرتکب می شوند.

این‌چنین زن وشوهرها بعد از تب و تلاش زیاد و گرفتن یك وکیل و با مصرف یك مقدار پول، و وقتی به هدف خویش نایل شدند و با رضایت خاطر محکمه را ترك نمودند تازه متوجه می گردند که واقعا دست به‌جرم وجنایت زده اند جنایتی که اصلا قابل عفو و بخشش نیست وبا دیدن ثمره های ناميمون از دواج این ناراحتی ها بیشتر شده که به یقین این عذاب وجدان تا ابد با این پدران و مادران خواهد بود.

معمولا درین نوع جدایی‌ها طبق توافق یکی از طرفین از گرفتن اطفال محروم می شود و سرپرستی اطفال رایکی از آنها قبول می کند و طرف مقابل هر هفته ویا هر ماه بدیدن اطفال پر عقده و رنجدیده میرود و اطفال معصوم و بی گناه بدیدن‌پدر ویا مادر چشمش روشن می شود مثلا اگر پدر است اطفال میدانند که برخورد این پدر مانند پدران دیگر گرم ومحبت‌آمیز نیست و سوالاتی نزد ایشان خلق می شود، مثلا اگر آن مرد پدر شان است چرا به خانهٔ آنها بود و باش ندارد؟ و با آنها ومادر شان زندگی نمی کند؟ چرا مانند پدران دیگر به آنها شرینی ،لباس وغیره سامان و لوازم زندگی را تهیه نمی کند؟

بالاخره این چراها در ذهن اطفال ترا کم‌نموده گذشته از آنکه روح طفل را متاثر می سازد و مانند موریانه او را میخورد عقده های را نیز برای اطفال خلق می کند که یك عمر با آنها خواهد بود که به یقین عواقب آن ناگوار و دردناك‌است.

اگر پدرو مادری با یك احساس انسانی در برابر اطفال خویش، این غنچه های باز نشده و این موجودات که دست های ضعیف و کوچك شان آینده‌ساز است آینده که به یقین شکوفان است و فارغ از همه ستم ها و مظالم حیوانی، برخورد درست نمایند وبگو و مگوی های فامیلی را نا دیده بگیرند و حتی بخاطر داشتن فرزند خود راوقف نمایند جا دارد تا بنام یك پدر و مادر مهربان و با وفا بخود ببالند وافتخار نمایند.

قبلا متذکر شدیم که وقتی زن و شوهر از هم فاصله می گیرند معمولا اطفال نزده یکی از آنها مخصوصا مادر می ماند که همهٔ مسئولیت آن ها را مادر بدوش‌می‌گیرد وپدر گاه گاهی بسراغ آنها می آید که متاسفانه باآمدن خود مشکلی را بر مشکلات قبلی می افزاید مثلا وقتی اطفال چند ساعتیٰ را با پدرسپری می کنند از او حرف های نو و وعده ای چوب و نرم می شنوند آنها با تمام وجود و با احساس طفلانهٔ شان تسلیم خواست های پدر می شوند و از مادر شکوه و شکویت می نمایند وقتی دو باره نزد مادر بر می گردند بهانه گیری و پرخاش گری‌را شعار ساخته و طرز معاشرت و برخورد آنها بکلی عوض می شود مثلا غذا های را که قبلا به اشتها و میل صرف می نمودند با کمال بی میلی و بی اشتهای آنرا میخورند و از بی مزه بودن آن شکایت می نمایند و غذای را تعریف می نمایند که با پدرشان در یکی از رستورانت ها صرف نموده اند و از مادر میخواهند که همان غذا را باهمان لذت و طعم طبخ نماید از ینکه اطفال بیشتر از بزرگان زیرك وکنجکاو اند پیوسته از پدر می پرسند که چرا روابط شما با مادر ما برهم خورده؟ چرا به منزل نمی آئید و چرا از مادرم جدا شده اید؟

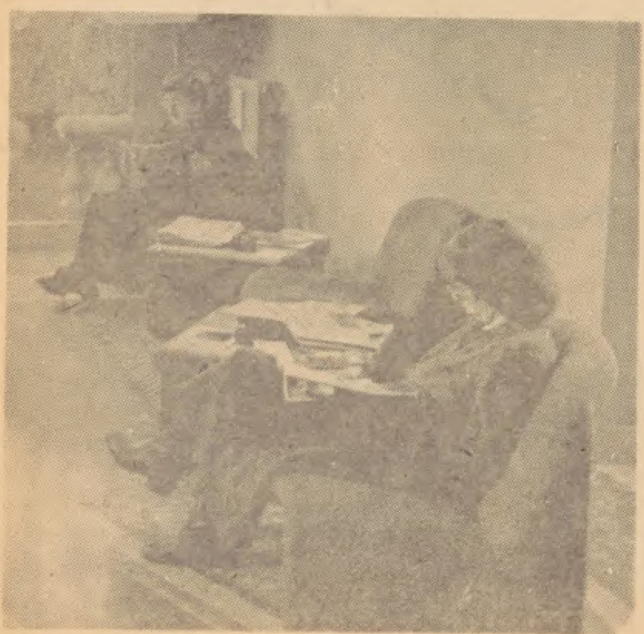
که پدر برای اینکه خودش را بی گناه نشان دهد و برائت حاصل‌نمایدهمه گناه را بدوش‌مادر می اندازد و برای اینکه در ذهن اطفال کوبیده نشود خودش را شخص مهربان و پدر روف جلوه میدهد.

بدین ترتیب با صحبت های میان تهی میخواهد ذهن اطفال را که چون آئینه صفا و روشن است غبار آلود ومکدر سازد.

گاهی اتفاق می افتد که اولاد ها در بازگشت خیلی عصبانی و خورده گیرد می شوند و زمانی هم تب و شدید دامنگیر شان می گردد.

روی این ملحوظ گاهی گاهی تصمیم می گیرد که از رفتن آنها نزد پدر شان جلو گیری کند و نگذارد بیشتر ازین برای اطفالم، برای جگر گوشه هایش عقده تولید شود و سوال های گنگ‌و طفلانه ذهن شانرا موریانه وار بخورد.

اما وقتی متوجه می شودکه اطفال به‌پدر شان به آن مرد قصیرا لقلب علاقه ومحبت فراوان دارند و نشود با این عمل بیشتر از پیشتر به عقیده های روحی شان افزوده گردد نهذا با قبول همه دشوری ها ومشکلات زانوی غم را در بغل گرفته وبا همه ناراحتی هادرفکر آینده می‌افتد آینده که جگر گوشه هایش دارای تربیت سالم دارای روحیه وطن دوستی ووطن پرستی وغیره شجایای انسانی بار آیند تا بتواند از داشتن نام مادر بخود ببالد وافتخار کند.



چه‌بهتر که زن وشوهر رفیق‌زندگی هم‌باشند تارقیب زندگی

ترانه‌برای گفتن

ببین حقیقت مردن را ، ببین
فسردن وپژمردن را ، هر گل
ببین شکوه شگفتن را ، در غنچه
وازدیار کدامین تبار میایی
بخوان ترانه گفتن را !

شمع

پرېږده چې دنیا په توده غېږه کې
دا د مرګ دوړې شپه سبا کړمه
پرېږده چې د مینې په مستیو کې
دا د غمونو ورکه لا پیدا کړمه

سرغندوی شاعر ته

گرانه زړ گی ته‌را نیږ دی‌آشنا
زموږ دلاری عقیدی آشنا
له‌تاسره یو څو خبری لرم
سړی ، تودی ، خوږی ،ترخی آشنا

* * *

ته دغمو نو او ویرو نو شاعر
زه دبیو زلو در نځو نو شاعر
ته دزیار کښو در بړو نو شاعر
زه‌یی دکړ یکوفریادو نوشا عر
ته‌داولس دسرو ننگو نو شاعر
زه‌یی دشخړو اورزمو نوشاعر
ته‌یی دماتو او بر یو شاعر
زه‌یی دبرم او پرتمو نوشاعر
زه او ته دواړه‌بید یا نی بوتی‌یوو
اغزی‌پرست یوو، گل‌لمانځوو نکی
نه‌یوو
له هر یو ځلی نه‌بت مه جوړ وه
موږ بت‌شکن، بت‌جوړوونکی‌نه‌یوو

* * *

ته‌دسړی څمکی په زړه کی کره
دراروان ژوند ون تاوده‌تخمو نه
زه‌به دی شا ړو ته او به‌سیځوم
چی‌را زرغو ن شی په‌کی‌سره‌گلو نه

* * *

لاره او ږده ده کږ لیچو نه لری
شاعره‌واوره چی‌ستو مان نه‌شی
داخو لاپیل دی‌تر پای ډیر واټن‌شته
په‌وړاندی ځه چی پښیمان نه شـی

* * *

د خو نړی لار هر یو گام و تړه
دهر کږ لیچ لنډول زغم غواړی
دمر گی کو می‌کی‌دلاری مزل
پهلوان‌زړه‌غواړی لوی غم‌غواړی
وا وره زما د ننگ خبره واوره
پردغی لارچی ځوو تول‌عمر به‌ځوو
که‌په لیمو او په خاپو ړو تگ‌شی
ځان په منزل ته‌رسوو رسو و

* * *

په‌وړا ندی درومه‌چی‌راستون‌نه‌شی
څه د هد ف په لور مخ‌مه‌گر ځوه
دسر بښند نی وخت کی جگی‌جگی
داپه تاپوردی چی ما مه هیروه
دلړم ۱۹ـ۱۳۵۶ کا ل
کابل ـسمنت خانه

سرشك

پرسیدم ازسرشك، كه سرچشمه
ات كجاست ؟
نالید وگفت: «سر» زكجا«چشمه»
ازكجاست
لبخند لب‌ندیده‌ی قلبم‌كـــه پیش
عشق:
هروقت دم زخنده زدم، گفـــت:
نابجاست !

(قصاب)

وصف عشق

در عشق جنو نیست که تد بیر ندارد
دیوانه این بادیه زنجیر ندا رد
مجنون منشانرا بخرا بیست تمایل
ویرانه دل حا جت تعمیر ندارد
نا صح منم آن سو خته عشـق که هرگز
درمن سخن سرد تو تا ثیر ندارد
بی سوز محبت نشوی محرم اسرار
داغیکه مراسوخته تفسیر ندارد
ازمن مگذر شو خ شکار افگنم ، اینجا :
چون من نگه ناز تو نخجیر ندارد
وصفت چه نو یسم که ملا مـت نکند عشق
حسن تو خیا لیست که تصو یـر ندارد
در حلقه آنان که محبت نشناسند .
بارق به جز از عشق تو تقصیـر ندارد .

روان خلق
روان خلق جهان زندگانیست
توان از توان زندگانیست
جهان از جهان زندگانیست

آرزو

همی خواهم که چون مرغان دریا
به پهنای طرب ها پرگشایم
زنم پهلو به امواج خروشان
سرود مست دریا ها سرایم

* * *

همی خواهم که چون پیک طرب ها
به هر جامزدهٔ عشرت رسانم
جهان لبریز سازم از خوشی‌ها
نشان غم درین عالم نمانم



د ښکلا دنیا کې

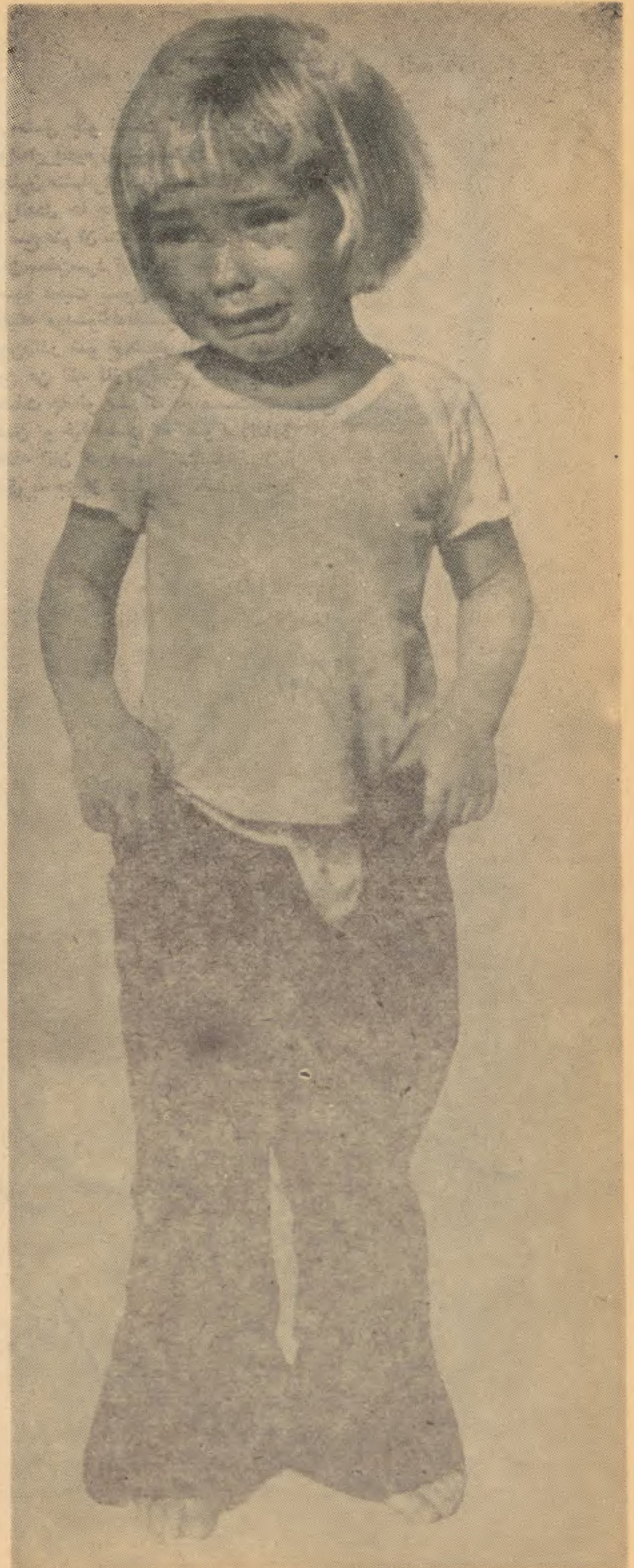
زلفی مـاران مـاران شونډې خندان خندان
سترگې پیا لی پیالی رخسار گلان گلان
باڼه دې غشی غشی وریځی کمان کمان
موسکادې اور بلوی اوښکې باران باران
ژوند مې له تانه زار شه سرمې قربان قربان
زما دزړه تود جهان په تاودان ودان
راوړه درمان درمان د ساحلی دردو ته
صبور ساحلی

آرامگاه عشق

جانم بلب رسید ، بگو قبر کیست این ؟
یکقطره خون چکید ، بدامان من ز دست
چون جرعه ای شراب غم ، از دید گان
مست ! ...

فریاد بر کشید : که ای مرد تیره بخت !
برسنگ سخت گور نوشته است ، هرچه
هست ...
بر سنگ سخت گور
از بیکران دور
با جوهر سرشک
دستی نوشته بود :
«آرامگاه عشق»

اثرات خشونت خانواده بر کودکان



امروز کلیه دانشمندان ومحققان متفق‌القولند که خانواده یکی از موثر ترین محیطی است که بخوبی قادرست بالای اعضای خود اثرات مطلوب یانا مطلوب را بگذارد ورفتار وکردار آنها را پایه گذاری‌نماید ودر نتیجه از آنها انسانهایی خوب یابا لعکس منحرف وتباه شده بیافریند وتحویل اجتماع دهد .

جامعه شناسان خانواده را یکی از شالوده های اساسی حیات اجتماعی بشمار میاورند وآنرا آئینه تمام نمای اجتماع میدانند بهمین جهت‌وظایفی راکه بعهده دارند بسیار سنگین ودر خور اهمیت فراوان میدانند .

یکی ازروانشناسان نیزدرتعقیب همین‌نظریات مینویسدکه اثرات بد ونا مطلوب شرایط نادرست وزیان آور خانوادگی برروی اعضای خانواده حتمی ومسلم میباشد خانواده نقش بسیار اساسی وبا اهمیتی را در نحوه رفتار واعمال خودایفامیکندومخصوصا اثرات بسیار قطعی برروی‌اطفال داردخانواده تنهامحیطی است که به طفل تعمیل شده است . او درینجا متولد شده است وبادامه زندگی در همین محیط مجبور میباشد یالااقل میتوان‌گفت که اولین سالهای عمرش رابایددراینجابگذراند بهمین جهت به‌آن نام (محیط بی‌چون وچرا) یا (اجتناب ناپذیر) داده اند . یك طفل ازاولین سالهای زندگیش باید تمام شرایطی که باو اجازه دخول در اجتماع را میدهد ازاین محیط کسب نماید .

باتوجه بانچه که گفته شد میتوان باهمیت خارق العاده خانواده پی برد بالا خص که‌مساله انعطاف پذیری اطفال وشکل گیری آنان‌مطرح است. بادرنظر گرفتن این موضوع مسوولیتی که متوجه خانواده است بزرگترو بیشترجلوه‌گرمیشود . بدلیل همین‌قدرت واهمیت است.

بنابر این کودك در اجتماع دارای همان رفتار وکرداری خواهد بود که آنها را در خانواده خود مشاهده می‌کند .

بهر حال در محیط خانوادگی است که باید اصول اخلاقی کودکان را جستجو نمود.خانواده است‌که روی شخصیت اعضا تاثیر می‌گذارد وبالاخره روی رشد طبیعیشان اثر میگذارد .

یك محیط زیان‌اور، استعداد های اخلاقی جرم راپرورش میدهد وبرشدت‌گسترش آنها میا فزاید در حالیکه محیطی که‌از تربیت خوب وکامل بر خورداری دارد آنها راaز میان میبرد وخصوصیات صحیح ورفتار های عاقلانه را جانشین میسازد . روی این اصل بقول شازال (یك محیط پر مهر وصفا وسر شار از محبت خانوادگی، آرامش میدهد وراحت ایجادمیکند مشوق استو اعتماد بوجو دمیاورد) تربیت قدیم‌که نیاکان واجداد وپدران ماسخت بسان اعتقاد داشتند وآنرا رکن اصلی نظم وتربیت وپرورش بشمار میاورند متاسفانه مجازات‌بوده است . بدین طریـــق که اگر کودکی مرتکب ناهنجاری یاعملی زشت میشدکه طرف علاقه پدر و مادر قرار نمیگرفت رفتار خشونت‌آمیزو تنبیهات بدنی رامهمترین وبهترین‌روش تربیت میدانستند وباین وسیله ، عمل زیان بخش متوسل میشدند تا کودك راکه برخلاف خواسته آنان یامغایر ادب ونزاکت رفتار کرده مرتکب عملی نادرست وناشایست شده است براه راست هدایت کنند وبدینطریـــق بزشتی عمل ارتکابیش واقف سازند . این روش ناهنجار وتربیت که گزند ها یش بیشماراست متاسفانه علیرغم پیشرفتهای فراوانی که در زمینه‌وقوف بر زیان بخشی واسیب رسانی آن بدست آمده هنوزهم در برخی از خانواده هابالاخص‌خانواده های سنت طلب ومعتقد برسوم‌واداب گذشتگان متداول است و هنوز هم اقدام باعمال خشونت

امیز بهترین وسیله آگاه ساختن کودك باعمال زشت در رفتار های نا هنجار ارتکابش میباشد .

در باره اثرات شوم ومنحوس اینطریقه عملکرد واعمال خشونت بار کتابها و نوشته های فراوان وجود دارد ودانشمندان مختلف در اطراف این روش نا پسند و نا هنجار بحث های بسیارکرده وصدمات آنراکه گاهی به صورت جبران ناپذیری تظاهر پیدا میکند بوجه گسترده ای باز گو کرده اند .

ازدید روان شناسی اثرات نامطلوب این رفتار هارا میتوان بطریق ذیل خلاصه کردوبدینوسیله هشداری بوالدین سنت گرا داد تا در رفتار خود تجدید نظر بعمل آورندو تربیت رابراصول عاطفی بنا نهند نه برخشونت وسختگیریهای نادرست ونفرت آفرین .

معمولا هرخطاکاری که مرتکب عمل ناهنجاری شود چنانچه بطریقه صحیحی باو فهمانده شود که دست بعمل اشتباه آمیزی زده که بخودو جامعه زیان واسیب وارد کرده است بدون شك از کرده خود پشیمان میشود واحساس شدید ندامت وناراحتی میکندزیرا خودراگناهکار میداند . در حالیکه تنبیه وستیزه گری ومجازات بکلی این روح واین اندیشهٔ سازنده رااز وجود خطا کارزایل میسازد زیرا بخوبی مشاهده میکند بهمین جهت دیگر دلیلی وجود نداردکه از رفتار ناشایسته خود احساس گناه وپشیمانی کند .

این امر در نزد کودکان بمراتب قویتر از بزرگسالان است.چون اگر بزرگسالان مجازات راقبول کنند وان راعاقبت نافرجام ارتکاب عمل زشت محسوب کنند که لازم است هر خطاکاری طعم آنرا بچشد تادیگر گرد اعمال ناپسند نگردد واز کرده خویش پشیمان شود در نزد کودکان بهیچوجه قابل قبول نیست زیرا بعلت عدم گسترش ذهنی وشکل گیری لازم آموزش تنبیه را پاداش عمل محسوب میکنند وبخوبی پی میبرند که گنهکار نیستند بنا بر ایـــن ندامت مفهومی ندارد .

در نزدکودکانیکه برسر جزیی ترین اشتباهات ویاحتی خطاهای بزرگ مورد خشونت تنبیه بدنی وبد رفتاری تند قرار میگیرند بخوبی میتوان فقدان احساس گناه و تکرار عمل نانجار را مشاهده نمود که بدون هیچگونه شرمساری واحساس ناراحتی مرتکب میشوند .

یکی دیگر از معایب بد رفتار ومخصوصا خشونت وتنبیهات بدنی تحکیم روش نانجاری است .

بدینصورت که درخطاکار اعتقاد بعمل ارتکابی راراسخ ترو استوار ترمیسازد ونوعی حالت لجبازی وواکنش شدید دراو بوجود میاورد .

زیرا اوباخود این سوال را مطرح میسازد که چرابدون آنکه ازعلت ارتکاب ناهنجاری سوال شود ویا تنبیه کننده باصل واقعیت آگاهی حاصل کند باید اورا مورد مجازات سختی قرار دهد .

این حالت زمانی بیشتر شکل میگیرد که طفل اشتباه کننده واقعا زیر فشار های مختلف ویادر اثر شرایط انی وبر خورد های لحظه ای ویابا لاخره بعلت تسامح ناشی از برخی موقعیت هاو مقتضیات مرتکب اشتباهی شده باشد .

لت و کوب کودکان و خشونت نسبت بانها روح تمر دوبد کاری را بیشتر در آنان تشدید میکندو آنان رادر اعمال ورفتار انحرافی بیشتر وراسخ میسازد . زیرا همه خود رابیگناه میدانندو کمترکودکی ممکنست زشتی عمل خودرا درك نماید تابوسیله مجازاتیکه نسبت باواعمال میشود از دست زدن مجدد بان عمل خود داری ورزد بنابر این تنبیه رانوعی بیعدالیی محض بشمار میاورد ودر نتیجه حالت عصیانگری بیشتر دراوشکل وقوت میگیرد .

یکی دیگر از بزرگترین صدمات و آسیبهای که خشونت وتنبیهات بدنی بطفل وارد میسازد تضعیف قدرت اخلاقی اوست که بخوبی درهمه احوال قادرست سد بسیار بزرگی درراه خطاهاو لغزشهای او شود .

امروز روان شناسان در اثر بررسی ها باثبات رسانده اندکه مجازات حتی در بزرگ سالان قدرت اخلاقی راتضعیف وبسادگی نابود میسازد بدیهیست که این امردرکودکان بیشتر صادق است زیرا این قدرت هنوز در آنها شکل واقعی خودرا نگرفته وبخشی لازم رابدست نیاورده است.

بنابر این توسل به مجازات مستقیما میتواند ایـــن قدرت را که در حال شکل گیری است بکلی از بین ببردیا لااقل جلوی گسترش آنرا بگیرد وبدینوسیله طفل رااز داشتن یك پدیده نیرومندبازدارد وازارتکاب اعمال زشت محروم سازد .

معمولا هرعملی ترسناك که نسبت بانسان صورت میگیرد ترس وواهمه بوجود میآورد . چون انسان در ذهن وتصور خود از آن عمل ترسیمی ایجاد میکند که بمراتب بزرگتر وغول پیکر تر از خود آنست مثلا اگر بکسی گفته شود که اگر فلان عمل را مرتکب شوی بزندان محکوم خواهی شداثرش بمراتب شدیدتراز خود زندان میباشدزیرا بمحض آنکه روانه زندان شد غولی را که از زندان در ذهن خود ساخته است بکلی تصنعی وشکننده وبی مقدارمییابد وناگهان احساس آرامش میکند . بهمین جهت غالبا مشاهده شده است که زندانی پس از خروج از زندان آن ترس واضطراب ورعب سابق راکه در نهاد خود اززندانی شد ن پرورش میداد دیگر ندارد وتهدید بزندان هیچگونه نگرانی در او بوجود نمیاورد .

این امر در مورد اطفال بیشتر صادق است زیرا تاهنگامیکه کودکی مورد خشونت وتنبیه



قرارنگرفته است تهدیدبه آنها دچار هـراس میشود . چون هنوز او نمیداند که خشونت یعنی چه؟ واین غول بزرگی که اودرذهن خود ساخته است تاچه حد میتواند باو صدمه وزیان وارد سازد . ولی بمحض آنکه یکدفعه تنبیه شد ناگهان متوجه میشودکه عملکرد علیه اوبمراتب کوچکتراز آن چیزی است که اودر ذهن وتصور خود شکل داده است بهمین جهت دیگر ترس ورعبی از اینکه مجددا مورد مجازات قرار گیرد ولت وکوب خوداحساس نمیکند. چون هراس بوسیله آن ازبین میرود .

مرحله دیگر که خطرناك تراز کلیه مراحل بیشگفت میباشد زمانی است که حالت اعتیاد از خشونت در کودکی حاصل شود . بدین معنی اگر بکودکی متوالیا خشونت ومجازات اعمال گردد بتدریج روحش بانها خومیگیرد. و

بقیه در صفحه ۵۱

آی‌خانم »یکی از شهرهای بی نظیر باستانی

نگار ش: نظر محمد عز یزی

پیوسته بگذشته

باشندگان قدیم شهر معروف ای‌خانم

طور یکه در اسناد ملاحظه نمودیم آوانیکه سکندر مقدونی حملات نظامی اش رادرباختر به‌انجام میرسا نـــد اعمار ساختمانهای تیپ یونا نی را آغاز میتماید.

ازبا شند گان این‌شهر میتوا ن‌دو طایفه رامورد تذکرقرارداد یکی کو- چی هاویا باد یه نشینان کـه در پنجاه الی یکصدو سی قبل از میلاد درباختر وبخصو ص درا ی‌خا نـــم مستقر شدند وبه نحو یکه یونانیان زندگی خودرا پیش میبردند آنهـا نیز ادامه حیات میدادند ، و دیگـر باشند گان قدیم باختر بخصو صـ آی خانم بایونا نیانی که باسکنـــدر یکجا در این جا ممتر کزشدند .

بعد ها بادیه نشینان در ایـــن تنکنای مهم‌استرا تیژیکی بین امپر- اتوری چین‌و آسیای میانه زند گی مینمودند به گمان اغلب‌همانا بو می هاوشاید‌هم‌ساکه هایاوسون‌های‌شمال آمودریا وسر زمین وسیعی و خش بوده باشند .بهر صورت آی خا نم درواقع مر کزیت عمو می‌سا حات قدیم شهر های‌یونانی ویا هزارشهر بوده‌واکنون مردمان این منطقه‌هما- نطوراز میراث های فر هنگـــــی وکلتوری‌آنز مان مباهات‌زیادی‌دارند.

ساختمانهای مهم دیگری که در واقع‌قصرحکمروای سلسله‌یونا باختری راتشکیل میدهد همان قسمت‌مرکزی یاوسطی‌شهراست که در حـــدود



قاب رب‌النوع سیبل مکشوفه‌ای‌خانم



پای چپ یکی از الهه های شهر ای‌خانم که در آن صاعقه زوس تمثیل شده است .

قرار اسناد دست داشته بـــا سکندر مقدو نی‌در حدو د بیش از سیزده هزاروپنجصد سربازومردمان دیگریونانی سفر نمودند که عده در آی‌خانم درسه احات دیگر باختـــر مستقر شدند وبا مردم بو می منطفه بعداز رفتن سکندردر با ختر با قی ماندند ودیگری همراه باسکندر سفر جنوب‌را درپیش گرفتند،ولی سلو- سی‌هامخصو صا سلو کو س او ل وانتیو کو س اول وقتی با ختر را متصرف میشوند ، اسا س وبنیـاد ساختما نهای تیپ معما ری یونانی رادر باخترمرو ج میسازند .

سیصد در سیصد متر مسا حت دارد درساختمانهای مد خل‌هاو دروا زه های‌تالار های این سا ختمان عمو ما چوب وعاج بکار رفته بود . اکثـــر قسمت‌های سا ختمان‌بشمو ل‌دهلیز هاوبعضا لبه‌های برنده هاشبا هت بسا ختما نهای جز یره رو دی یـــا رودو س یونا نی داشته ودر ضمن میتوان‌گفت که‌تا یك قسمتی از این ساختمانها بصورت سچه یونا نـــی میباشد.

رویهمر فته سا ختمانهاو معماری این‌دوره آی خانم کمتر از قصرتخت جمشید نبوده ومیتوا ن بعضی پلا ن های آنرا با تخت جمشید مقا یسه کرد.دانشمندا ن‌نظریه دار ند کـه

بعضی ساختما نها از قبیل دیوا رها، سیستم وتاکتیك چو بکاری وعا ج کاری مشابه دوره هخامنشی های فارس‌وپارت هابوده‌ونزد یکی زیادبا معابد ارتیسس ، اتر کاتیس ،واو ـ ینیسس دارد.

اعمار معابد نیزیکی از دسا تیر عمده یو نا نیان بوده چنا نچه دریکی ازمعابد یکه شکل کنگره یی زادارا ـ ست،از آن بعضی پار چه‌های وجود الهه‌باپنجه های پای رب النو ع‌یو نا ـ نی‌وعلاماتی بگمان اغلب مر بوط بـه یکی‌از ارباب الانواع مانند ز و س بوده‌باشد که‌تاکنون بصورت مشخص فهمیده‌نشده‌که آیامر بوط بکدام الهه شهر بوده ویاکدام رب‌النوع‌یو نا نی ولی درهر صورت تسمه پای چـپ که‌با گلهای مقد س،معمولاآنر اصاعقه زوس گفته اند » کار یست هنر ـ مندانه وخیلی ظریف .

درهنر مجسمه سازی آی خا نم‌می توان بر جستگی های مهم‌وطرازیت هنر مندان یونانی ویونانو باختری راملاحظه‌کرد. بخصو ص ترا ش مجسمه مردی کهن سا ل ایکه‌قسمتی ازسر آن توسط فیته احتوا گردیده ویلان‌آن تما می وجود آنرا پوشانیده است ،همین طور مجسمه دیگر یکه درواقع مر بوطبیك مرد جـوا ن برهنه است «غالبا یکی ازقهر ما نان اولمپیك باید باشد» بصورت نامکمل بدست آمده است این شیوه مجسمه سازی مشا بهت تام به‌قوا نین‌مجسمه سازی یونانی دارد .درحا لیکه تجسم هرا کلس روی تختی با موجودیت گزگوی به‌آن‌زیبایی‌که سایرمجسمه های هراکلس از آن بر خورد دار است درآن ملاحظه نمیشود،مجسمه هاعموما از سنگ‌نرم بعضا سنگـ چونه بوده ومعمولا از قسمت هـای جمناز یوم بدست آمده، جاییکه‌درآن تربیت وتنظیم فکری‌و جسمی مـی شدند.

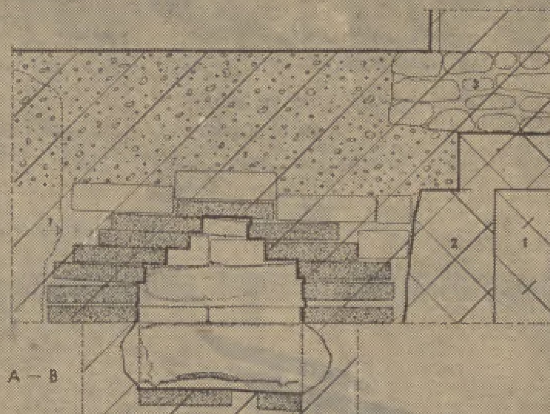
چهره خانم جوا نیکه تو نیك‌موی بکلی بامجسمه های خا دمین دربار امپراتوران یونان راتمثیل میکندوبا اینکه معمولا در صحنه های ودا عیه های‌سر بازان به‌شکل‌فر شتکان و یابه‌شکل ند یمه هاظا هر میشد ه مهارت آرتیست راتو جیه‌میکند این مجسمه هاوبعضا به‌رسم الهه هـا مربوط بکار قالبگری ایست که درآن میتوان خطو طاولیه چهره‌انسا نی‌را توسط همین قالب هامشاهده کرد، گذشته ازهمه طرح ودیزا ین‌مجسمه هاومحل نصب آن‌میباشد. چه بسی مجسمه هادر این شهر بصـورت علیحده ساخته شده‌و بعدا درجای معین شده آن‌نصب میگردید .

درنتیجه طور یکه قبلا گفتیم آی خانم از چند ین دوره مد نی، قبا یل واقوام مختلف‌داخل‌باختر،خا ر ج آن«منظور از سرحدات» متا ثـر شده‌واز نظرشواهد ومدار کـی از دوره های اخیر حفر یات‌شهر آی ـ خانم بدست آمدومیتوان گفت کـه مهمتر ین دوره آبا دی شکوه وجلال آن‌دردوره‌یونانیان بخصو ص ایـوا ـ کراتیدو س‌وهمچنان سا یرحکمروا ـ یان‌دیگر است .

تاجاییکه ازکتیبه ه ها ورو شـس مهندسی این شهر بر میا ید واقعا دروقت وزما نش خیلی عا لـی بوده ونظیر آنرا کم میتوان دریافت.

از مطالعات ارکیا لوجی با ستا ـ نشاسان چنین نتیجه بدست میا ید که‌بعد از بین‌رفتن یونانیان ،باد یـه نشینان وکوچیانیکه در اثر حمله و هجوم سلسله باختری هارا منقر ض میسازند، دراین محل زیست نموده انداین هادر اول کوچی های‌بود نـد که‌بنا مهای مختلف چون یو چی ها وتایوچی ها،تخاری ها،سا که روکا ـ هاویاطایفه مختلط وسو ن هـا ی

بقیه‌درصفحه۵۱



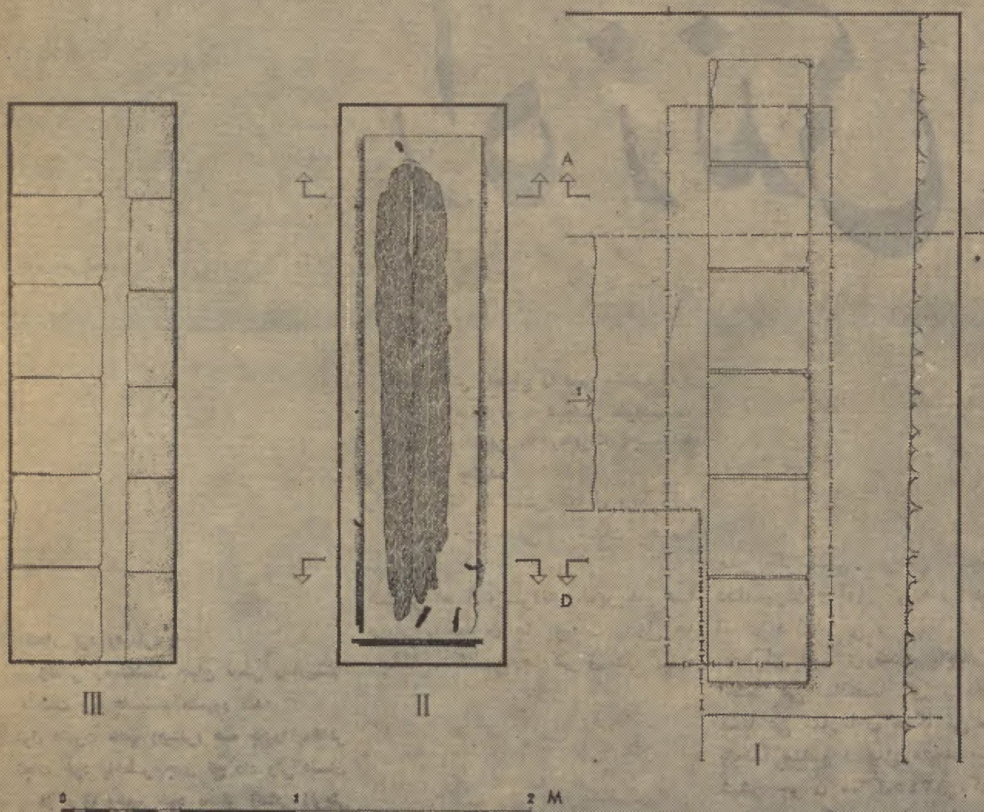


Planche 17
Hérôn de Kineas : tombe 4.

ساختمان قبر بانی شهر یعنی‌کی ـنی ـ آس

راه زندگی

غفار «عریف»

پیوسته بگذشته

واین همه دفاع از راهٔ زندگی یاسطی بودویا ریاکارانه ویابنا برعدم‌شرایط نامساعدبناکامی گرائید .

با استفاده ازین شرایط ، دیومنحوس دیگر بالای زندگی جهان سایه ناگوار انداخت.(به قدرت رسیدن هیتلر وموسولینی) .

وآن یکی (موسولینی) بیهوده حرافی‌میکرد که :

«بیرون ازدولت ارزش های انسانی ومعنوی دیگر وجود ندارد ».

وعدهٔ هم بیشرمانه بدون داشتن‌ماهیت دموکراتیك ، القاب دموکراتیك‌بخود زدند (امریکا، انگلیس ، فرانس).

زمانی قریب شدزندگی‌جهان درحلقوم‌نهنگ نازی فرورود ....

لاجرم عقب نشینی کرد ،

باچشمان خون بار در کنار معشوقهٔ زیبایش

شکستش طنین انداخت ،

زندگی جهان را غریو آمیخته از شور وشعف پیچاند .

فریاد انسانی فضای ملکوتی رادرخشید زندگی یی (۲۰) میلون انسان کشته داد. ...زندگی یی (۸) میلون ...ویا بعضی‌بیشتر ازآن ویاکمتر از آن داد .

انسان زحمتکش شادی زمزمه میکرد، جهان غارتگر را می لرزاند ....

دورا دور حلقهٔ زندگی بعدا در آمد،

سرك و خطوط آهن مقطوع ... ، و «زندگی هیرو شیمادر (۱۹۴۵) تحت ضربت انفجار (بیست) هزار تن قوه واقع شد ...

(شصت‌و شش) هزار انسان کشته داد و (هفتاد) هزار انسان دیگر مجروح ، ($\frac{1}{2}$) حصه مرد م‌خانه بدوش شدند و (چهار) میل مربع سر زمین خاکدان ، مر تکب جرم «ترو من» شد .

همچنان :

راه زندگی باششش مقصد ، هفت قاعده و شش دفتر اساسی دفاع میکند .

اهداف دفاعی از راه‌زندگی :

«بر قراری امنیت و صلـــــح بین المللی توسعه‌روابطه‌دوستانه‌بین ملل‌جهان‌اشتراك‌مساعی وروحیه‌تساند برای محو هر چه بیشتر فقر ،مرض جهل ، بیسوادی بسویه جهانی و تشویق با حترام حقوق وآزادی های همدیگر ، داشتن مرکزیت برای رسیدن به مقاصد» .

انتحار کرد (هیتلر) .

زندگی زحمتکشان جهان نامش رانازیسم گذاشت وبه فاشیسم مشهور شد.

غول عشرت طلب (هیتلر) همه چیزرا به‌خاطر نجات خود باخطر جدی تج داد ولی انسان از عرق وخون خود بخاطر زندگی آفرینی مقابله کرد .

جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹- ۱۹۴۵) زندگی را آتش زد .

گاهی هم‌براین حماقت‌اوخندیدندکه بیهوده خیال تباهی در سرمی پروزانید ، آنگاه کـــه

ماهمه هستی واحتیاج را تهیه میکنیم، آنرا هیچ گاه ـ هیچگونه به هیچکس نخواهیم‌داد.

انسان شورآفرین ،ناچارماهرانه وجسورانه برای زندگی جنگیده

ولی متاسفا نه شش سال ویکروز، خسارات ناشی از جنگ بجــا ماند .

شـــهر هـــا ویـــرانه ،فابریکه هـــا برباد ، معدن ها پر آب ، پل ها ریخته ، کشتی ها غرق در آب ،

فقر ،گرسنگی ،مرض ،بـــدبختی دفلسیون و آوارگی همراه‌داشت.

اما راه زندگی ،

برای احیای صلح پایدار ،ترقی اجتماعی ـاقتصادی ، باتشریك مساعی سازمان همگانی ساخت (امضا منشور ملل متحد بیست و شش جون سال۱۳۴۵ ،کنفرانس سانفرانسکو) و از جمله اعلامیه حقوق بشر :

روح زندگی را تازگی بخشید، زندگی آفت زده پر از صدمات و تلفات را موسسه ملل متحد از

ارگان های دفاعی از راه زندگی :

«اسامبله عمومی ، مجلســـــس امنیت ، مجلس اقتصـــــادی و اجتماعی ، مجلس قیمومیت ، دارالانشا دیوان بین المللی‌عدالت »

قواعد دفاع از راه زندگی :

«تساوی ملل عضو ، بجـــــا آوردن تعهدات و عملی کردن آن حل منازعات بشیوه مسالمت آمیز ، عدم استعمال قوه ،معاونت به موسسه در هراقدام‌آن ، رهبری ملل غیر عضو مطابق قواعد ، عدم مداخلت در امور داخلی یك دیگر .»

و تصاویب اسامبله عمومی عمده تر :

اعلامیه حقوق بشر سال۱۹۴۸ خلع سلاح عمومی و کامل ســـــال

۱۹۵۹ ـ اعطای آزادی مر دمان و ممالك ، خا تمه داد ن سر یع به تحت استعمار آورد ن بدو ن شرط استعما ر گر بهر شکل و نو عی که تظا هر کند ، تصو یب استعمال نیرو ی ذرو ی بمقا صد صلح آمیز و خیر بشر ، اتحاد برای تامین صلح دروقایع تجاوز یاخطر مسلح ، استقلال لیبیا ، آزادی صوما لی سا ل ۱۹۶۰ ، اریتر یا برای اتحاد با حبشه خود مختار ی حا صل کرد ، قو ه اضطرار ی برای آرا مش و صلح در نوا حی آسیب دیده ه.....

امنیت بین المللی :

هالند یان و اندونیز یا یی ها اهداف صلح جویانه را باخطرجدی روبرو کردند که در نتیجه ا ضلاع متحده اند ونیزی تشکیل گردید و درسا ل (۱۹۴۷) بین این د و کشور آتشی جنگ خا مو ش شدو صلح استقرار یافت .

همچنا ن در قسمت امنیت بین المللی کار ها ی زیر نیـ انجام یافت :

متار که و قطع جنگ بالا ی قصیه فلسطین درسا ل (۱۹۴۸) بین اعرا ب و یهودیا ن ـ درسا ل (۱۹۵۰) بالای مسأ له کور یا تصا میم لازم اتخاذ گردید سا ل (۱۹۶۰) حما یه از کا نگو «لیویولا-ویل» در برابر خطر ، برا ی یك مدت زندگی آوار گان از لحاظ اقتصاد ی و اجتما عی بوا سطهٔ کمشنر عا لی ملل متحد تا مین شد (۱۹۵۰ ـ ۱۹۶۴)، در(هشت) دسا مبر (۱۹۴۹) موسسه کار و رفاه برای آوار گان فلسطین که در جنگ (۱۹۴۸) سر پنا ه و وسایل معیشت خو یشی را از دست داده بودند تاسیس شد .

و به همین تر تیب :

مو سسه بین المللی نیرو ی اتومی بتاریخ (بیست و نه) جولای (۱۹۷۵) جهت تسریع و تحریك جهشی ـ اشتر اك و سهمگیر ی نیرو ی اتو می برا ی صلح ، صحت رفا ه همگا نی و تا مین این معاو نت بخا طر جلو گیر ی از استفاد ه نیرو ی اتو می در مقا صد نظا می ، تاسیس شد .

همچنا ن در چوکا ت فعالیت خانه ملل مو سسا ت زیر همه منحیث مدا فع راستین را ه زند گی تاسیس گردیدند :

«موسسه بین المللی کار ، مو سسه غذا وزار عت ، موسسه عر فا نی علمی و فر هنگی ،موسسه صحی جها ن ، بانك بین المللی برای تعمیر و تو سعه مو سسه بین المللی مالی، صندوق اسعار بین المللی ، موسسه بین المللی هوا نورد ی کشور ، اتحاد یه جها نی پستی ، اتحاد یه موا صلت بین المللی مو سسه هوا شنا سی ، موسسه بین الحکو ما تی مشور تی دریا ـ نوردی ، مو سسه تجارت بین ـ المللی ، موا فقه عمو می بر تعرفه و تجار ت .

و همه این تاسیسا ت .

برای صلح و امنیت بین المللی برای پیشر فت اقتصاد ی و ترقی اجتما عی ، برای احیا ی حقو ق بشری ، برای تامین آزادی و عدا لت ، برا ی حما یت حقو ق انسا نی علیه مظا لم ، برا ی دفا ع از شرا فت خلق ها ی ملل جهان است.

ولی متاسفا نه .

اصو ل اسا سی این تصاو یب از جانب بعضی کشور ها ی که از منافع عنا صر ارتجا عی و درحا ل زوا ل دفاع میکنند ودارا ی رژیم های راست گرا و فاقد ما هیت دمو کرا تیك اند ، نقص میشود .

همچنا ن :

در ار تبا ط به تصاو یب خانه ملل ابتکار صدر اعظما ن ملل آسیا یی و افر یقا یی بخا طر تا مین مشترك و احترا م بعدا لت و مکلفیت ها ی بین المللی با طرح ها و تصاو یب ده گا نه دررا ه زندگی نقش اساسی ایفا کرد .

«کنفرا نس باندو نگ ما ه اپریل سا ل ۱۹۵۵ »

و باز هم منا فع خلق ها ی زحمتکش جها ن ، خواست توده های تحت اسار ت وستم ،تقاضای مردما ن ستمدید ه و در حا ل رشد یکبار دیگر تو جه جد ی جها ن متر قی را بخود جلب کرد .

راه رسید ن به خو شبختی ، سعاد ت ، رفا ه عدا لت ، برابری واقعی حقو ق را ه غلبه بر تجاوزات غا تگر ی ، را ه نجا ت بشر از تسلط استعمار کهن ، جلو گیر ی ا زرا ه نفو ذ استعمار نوین ، طرح شد .

«همز یستی مسا لمت آمیز»

و را ه زندگی دیگر :

زندگی جها نی ، زیست با همی و صلح جهانی را مجدداً با خطر رو برو میجنگا ند .

«جنگ سرد »

اهداف و نیات شوم (جنگ سرد):

ایجاد پایگا ه ها و موسسا ت ار تجا عی ، عقد پیمان های نظا می و تجاوز کار بخاطر خفقا ن روحیه آزاد ی خوا هی و منا فع استقلال طلبا نه ، تشدید فعالیت استثماری بخاطر نرسیدن ملل عقب نگهداشته شده و به جا معه سعاد ت و خو شبختی سازما ن داد ن و سبع شبکه های مجزب جا سو سی ، ایجاد موا نع برا ی رشد سر یع کشور های کمر شد آسیا ،افریقا و امریکای لاتین عامل عمده جنگ و خونریزی بین ملتها ، بدنام کردن خانه ملل روا داری اتها مات بی ا ساس علیه اند یشه های رهایی بخش عصر ماوبلاك سوسیا لیسم..

خلاصه اینکه :

در گوشه از جها ن زندگی انسا نی دستخو ش اشکا ل وحشیا نه نا برابر ی و تبعیض شده و جبرا انسان به زور سر نیزه از کلیه حقو ق سیاسی و داشتن حق تحصیل و کسب دانش و سایر پیشر فت های جا معه بشری محرو میت حاصل میکند .

در افریقا ی جنو بی «سیاهپو-ستان بو می و هند یان »

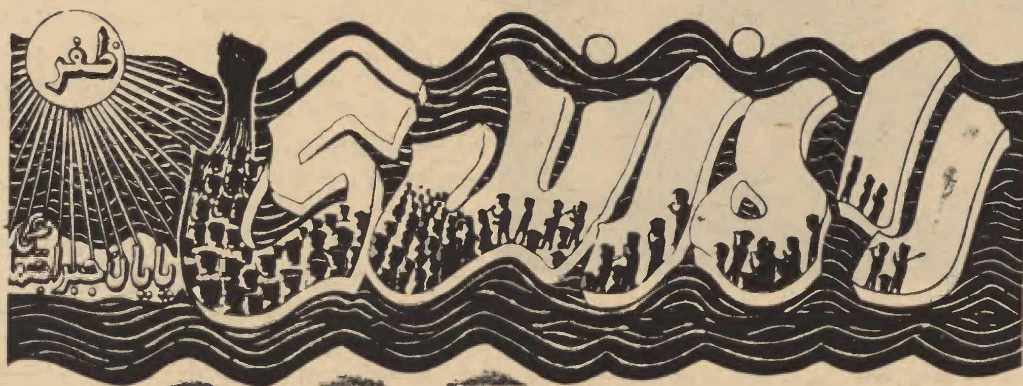
در جای دیگر ،

محافل و گرو ه های راست گرا و ارتجا عی بر تر ی نژاد ی را پیشه میکنند ، با نشخار این کلمه که میا ن انسا ن ها با درنظرداشت خصو صیت نژادی ازلحا ظ استعداد قدرت فکر ی ،عدم تساو ی کا مل مو جود است . باتکیه روی این مطلب که میا ن انسا ن ها از مبد ا زندگی طبیعت یکی را عا لی مقا م صا حب همه امتیازا ت ، دیگر ی را پاسبا ن عا لی مقا م فا قدابتدایی ترین حقوق انسا نی خلق کرد ه است و بدین شکل مر تکب صدها فجایع و اعمال ضد کرا مت انسانی در سر زمین های مستعمر ه می شو ند .

در امریکا «علیه سیا هپوستا ن و بو میا ن سر خ پوست »

اعمال جا نفسو تر علیه خلق های زحمتکش (ر و د یشیا) و صد ها شا هد زند ه دیگر .

(ناتما م)





تنظیم وترجمه: میر حسام الدین برومند

عرصه زندگی روز بروز بر مردمان السلوادور تنگترشده میرود

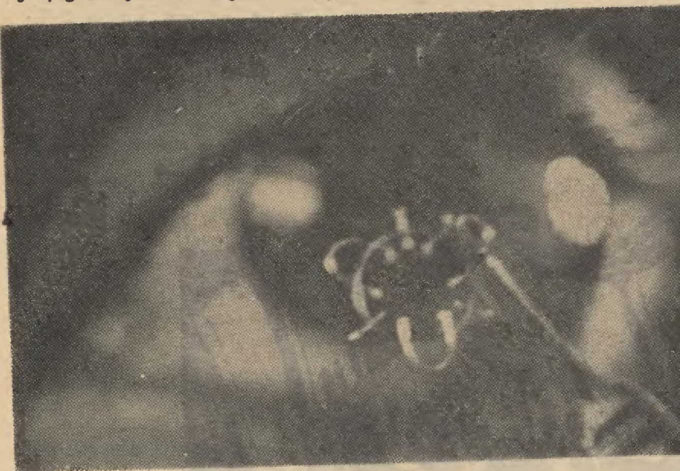
«شفیگ یور گی‌هاندا ل «سکر تر جنرا ل کمیته مر کز ی حزب کمو نست السا لوادو ر در مور د اوضا ع متشنج در السا لوادو ر که ناشی از دخا لت خا ئنا نه امپر یا لیزم میباشد طی گزارشی‌می نو یسد :

پرو سه و حدت جنبشس ها ی انقلابی السا لوادو ر در یك مرحلهٔ قا طع و مصمم خود رسید ه است . از طریق تشکل یك رهبری واحد جمیع جنبشس های انقلابی ، کنون دیگر میشود علیه دستگا ه فاصد دو لت بمبارز ه جدی بر خاست . بدون شك پروسه انقلابی می تواند در السالوادور وبر بسیا ری موا نع و سد ها غلبه حا صل‌بدارد زیرا ما به پیروز ی مرد م‌السالوادور مطمئن و متقین هستیم ، بخا طرآنکه نیرو های انقلابی و دمو کراتیك السالوادور با کسب اخبار متعدد چنین استباط مینمایند که امید واری به پیروز ی مرد م السا لوادور و کسب شد ت قدر ت آن ها در حال فزونی و گسترش است و این پروسه انقلابی بشکل فعال آن‌عرض وجود کرد ه است جنبشس ها ی آزاد یخوا هی بیشتر رشد یا فته و جبهه دمو کرا تیك انقلابی بیشتر خو یشس را متکی به نیرو ی مرد م میدا ند ارتجا ع در السا لوادو ر و سایر نقاط امریکای مرکز ی را فرو خته شده و حسد و خشمش علیه نیرو های انقلاب کسب شد ت نمود ه است چه ار تجا ع بخوبی دریا فته است که پسس از انقلاب در نیکارا گوا پیروز ی‌نیرو های انقلا بی در السا لوادو رمسلماً دیگر برا ی آنا ن حکم شکست و مغلوبیت قطعی را دارد از ینرو به حیل ونیرنگ های مختلف بر ای سد سا ختن چنین یك پیرو زی که بسر خواهد رسید ، میباشد اضلاع متحد ه امریکا بدو ن شك یك‌روش ما جرا جو یا نه را در سیاست جها نی تعقیب میدارد اکنو ن امریکا میخوا هد سلطه جو یی خود را در امریکا ی مر کز ی تحمیل و آنرا در تحت تهدید خود قرا ر بد هد از ینرو حلقه های نظا می امریکا با دخا لت مستقیم در امور مر بو ط به‌السلوادور خواهان سد سا ختن جنبشس ها ی انقلا بی و دموکراتیك در امریکا ی مر کز ی میباشد غافل از ینکه جنبشس های انقلابی و دمو کرا تیك تحکیم هر چه بیشتر یا فته است .

چند ی قبل نیکارا گوا او لین سالرو ز انقلا بشس را جشن گرفت کنو ن این کشور دیگر به‌نیرو ی مستحکم مبد ل گردید ه است . جنبش های ترقیخواهی گواتیما لما نیز تقو یت یا فته است ما متقین هستیم که مردما ن هاندورا سس و گوا تیمالا هر گز به پلان های میحلانه و میانجگیرانه امریکا فریب نمیخور ند در السا لواد و ر دیگر با یست بشکل متحد و یکپا رچه به چنا ن نیرو یی مبد ل گردیم که امریکا به شکست سنگین سیاسی خود ش را رو برو بیا بد اطمینا ن ما به پیروز ی رو ی اصل مصمم بودن خلق السالو ادور بنا یافته است وحد ت همه نیرو ی های دمو کرا تیك و انقلابی السا لوادو ر که از حما یت و پشتیبا نی برادرانه تمام مردما ن امریکا ی مر کز ی و خا صتاً همبستگی بین المللی بر خور دار میباشد ، ما را در مبارزه ما تا پیروزی کامل بر امپر یالیزم یار ی می بخشد ما مرد م نیکاراگوا همنوا با هم صدا میز نیم که نیرو ها ی متر قی جها ن بیشتر از پیش همبستگی تانرا با خلق المسالوادور اعلام دارید تا باشد که به اسرع وقت سیاست محیلانه اضلاع متحده امریکا را خنثی نما ییم این امریکاست که با دست اندازی مستقیم عر صه زند گی را برمردمان السا لوادو ر تنگترسا خته است و بازهم این امریکاست که خونریزی و کشتا ر را در السالوادو ر دامن میز ند و میخوا هد نهضت ها ی مترقی را بزعم خود ش درین نقطه ای ا زجها ن خفه سازد و به قتل زنا ن پیر مردا ن و اطفا ل معصوم السالوا دور میپر دازد دیگر مو صو م میپر دازد دیگر امپر یالیست ها بیشس از ین با پرو پاگند نمیتوا نند باز هم رو ی اعما ل ننگین خود در السا لوادو ر پرد ه بکشمند چه عصر ما عصر بیدار ی ملت ها ست و دیگر نیرو ها ی اهر یمنی امپر یالیستی و ارتجا عی نمیتوا ند سد ی در برابر تر قی و بیداری ملت ها ایجاد کند دیر یازود جهان شاهد پیروزی های زحمتکشا ن و رنجدیدگا ن در السالوادو ر نیز خواهند بود .

جابجاساختن عدسیه‌های مصنوعی بجای عدسیه‌های طبیعی چشم‌نوید مسرتبار برای کوران

امروز انسان با دستان توانای خود قادر به ساختن عدسیه هایی گردیده که باساختن آن، لابراتوارهای جهانی شهرت فراوان یافته است. عدسیه‌های متذکره نازك بوده وعدسیه که اخیرا ساخته شده دارای قطر پنج ملی متر بوده و در لابراتوار متعلق به پدروف ، جاییکه سالانه هزاران مریض بوسیله‌عملیات معالجه میگردند، بکارافتاده است. که‌باساختن وجابجا کردن این عدسیه درچشم ، میتوان به انکشافجدیدی را این وسیله درامورعملیاتی بازکرد هر چه سریعتر تکنالوژی مدرن معتقد گردید. به اساس پلان های مطروحهٔ علمی «پدروف» ظرفیت ساختن عدسیه بطور سرسام آوری‌بالا رفته وسالانه از (۵۰۰۰) تاسی الی چهل هزار بالا خواهد رفت‌که اینخوددر توسعه‌و انکشاف تحقیقات علمی گامی گسترده میتواند بحساب آید. چندسال قبل به اساس انکشافات طبی (کرونا) های مصنوعی ساخته شده بودکه راه



۱. عدسیهٔ مصنوعی که جدیداً ساخته ، شده پس اعملیات درچشم معیوبی بدینسان جابجا گردیده .

لاکن همچو(کرونا) هاکه بوسیله اپتالمالوجستان غربی ساخته شده بودطرف قناعت پدروف واقع نشده چونکه ارگانیزم وجودانسان باآن بهیچوجه مطابقت نداشت بااین وصف پدروف وهمکاران توانستند فیصدی توافق کرونارابا وجودانسانی بالا ببرند • نظر به تحقیقات وبررسی هاییکه در مورد کرونای مذکور صورتگرفت این توافق تانود فیصد نیز افزایش پیدا کرد . درانحاد شوروی اولین ویتروم (دستگاه موادسازی شبیه شیشه) دریکی از لابراتوار های آنجا انکشاف یافت وبرای درمان چشم های صدمه یافته بگونه که آله جدید جانشین چشمان اصلی گردد ونور وانعکاس بدهد طرف استفاده قرار گرفت .

در لابراتوار اخیر الذکر مجادله علیه چشمان نزدیك بین صورتگرفت وبااستفاده ویتروم هایی حاصله درآن لابراتوارتکلیف نزدیك بینی مریضان چشم باتجویزعینك های یترومی صددرصد مرفوع گردید• درآن تجارب وتحقیقاتیکه دانشمندان بالای چشمان حیوانات انجام دادهاند چون نتیجه گرفته اندکه دراثر عملیات جراحی میتوان بخوبی این نقیصه رامرفوع ساخت • نظربه ۱۵۰۰ عملیاتیکه انجام یافته ، پدروف وانمود ساخت که تمام طرق درمانی وعملیاتی بشردراین راه به پیروزی رسیده است و همچنان از خطرات احتمالی مریضان چشم جلو گیری نموده است• (پدروف)که درعین حال ازجمله پروفیسوران



پروفیسوری که عملیات جراحی چشم وهمچنان سازنده عدسیه جدید میباشد در کناریکی از مشتریانش دیده میشود•

ورزیده کشورش است بازحمات پیگیر و بشر دوستانه خویش اینك باساختن عدسیه های جدیدمصنوعی برای چشم وتعویض عدسیه های مذکور ونصب آن به عوض عدسیه های اصلی چشم، مایه شگفت درمیان حلقه های طبی ومایهٔ مسرت وامیدواری برای آنانیکه عدسیه های چشمان شان ازکار مانده است، گردیده درلابراتواروی روزانه تعداد زیادمعیوبین چشم درمان شده وعملیات موفقانه روی چشمان شان صورت میگیرد •

رژیم اپرتاید در افریقای جنوبی از حمایت کامل امپریالیزم امریکا برخوردار است

درحصص مختلف افریقای جنوبی صدها زن وطفل قربانی تبعیض طلبان افریقای جنوبی میگردند . در «سان سالوادور» قتل وکشتار وترور مسلط است • درچیلی از هفت سال به اینطرف ترورفضای وحشتناك و سال های خطـــر راببار آورده است . باندهای قاتل و آدمکش در برازیل وترکیه به کشتار های خونین میپردازند . روزبروز اخباری ازین قبیل پخش میگردد • مردم پیوسته بههمچو نیروهای ارتجاعی ، امپریالیستی وهژمونیستی نفرین میفرستند. امروزپلان های زیادی تنظیم وعملی میگردد که باتطبیق آن هستی وزندگی وموجودیت انسان ها رابا مرگ ونابودی روبرو میسازد واین پلان ها ،پلان های امپریالیزم است• در جائیکه امپریالیزم نفوذ ش را قایم ساخته آنجا تهدید وحشیانه ، توسل به قدرت ،تطبیق مفکوره های نیوکلونیالیستی ، استعمار جویی لجام گیسخته وحمایت فعال از رژیـــم هـــای راستی همه و همه را با خود همـــراه دارد بشریت دریافته است که سیستم امپریالیستی حقوق ابتدایی انسان هارا زیر پا گذاشته و لگدمال نمودهاند اززمان جنگ جهانی دوم اضلاع متحدهٔ امریکا که خودش را ژاندارم جهانی میخواند تااکنون پیوسته به تهدید متوسل ودر طول این سی وپنج سال چه از طریق عمال خود وچه شخصا ۱۲۶ جنگ نظامی که بطور نسبی سال ۱۳ جنگ میشود که ٥٤ حمله در آسیا ، ٤٨ حملـــه در افریقا و بیست حمله در امریکا لاتین را مرتکب گشته است • اینهمه حملات مسلحانه راکه امریکا از ۱۹٤٥ آغاز کرده است از اثر آن بیست میلیون انسا ن زندگی شانرا در طی این سی وپنج سال از دست دادهاند •شصت میلیون انسان بی سرپناه وخانه بدوش گردیدهاند• امریکابه ظاهـــر میخواهد خودش راحافظ حقوق انسانی جامزند در واقع چهره اصلی اشرا توانسته باقیافه هاوماسك های دروغین بپوشاند• ازجمله ۲۲ قرار داد بین المللی و کنـــونسیون هـــا که محافظت وحمایت ازحقوق انسانی را متضمن بوده، فقط به چهار آن، آنهم بجهت آنکـــه منافع خودش بیشتر در آن ذیدخل بـــوده عمل کرده •

کـــو نـــو نسیـــو ن در باره منع اسارت منعقده ۲٥دستمبر۱۹۲٥،کونونسیون بین المللی درمورد برطرفی همه فورم های نژاد پرستی (منعقده ۷ مارچ ۱۹٦٦)، (کونو نسیون بین-المللی منعقدهٔ ۱۹ دسمبر ۱۹٦٦) در مورد حقوق اقتصادی اجتماعی وکلتوری، کونونسیون درمورد حقوق مدنی وسیاسی (منعقدهٔ ۱۹ دسمبر ۱۹٦٦)، کونو نسیون در مورد منع جنایات علیه انسانیت(منعقدهٔ ۲٦ نومبر۱۹٦۸)

هوچنین کونونسیون بین المللی درمورد مبارزه علیه جنایات اپرتاید که بتاریخ (۳۰ نوامبر ۱۹۷۳) عقد گردید •اضلاح متحدهٔ امریکا

باوصف تعهد کونوسیون ها دلچسپی نشان نداد وبخاطر تحقق آن هیچگونه سعی ننمود، برخلاف دیده میشود که مستقیم یا غیرمستقیم به کشتار وقتل مردم در آسیای جنو بشرقی درتحت بردهگی و بهاسارت نگهداشتن مردمان وملیت های اقلیت کشور هاییکه باقایم نمودن نفوذ شان آنجا شیوه های گک شرتیر وردریز نمودهاند،درنتیجه منجربهمحروم ساختن ابتدایی ترین حقوق میلیون ها نفر از اهالی کشور های دربند کشیده گردیده وبسطح بین المللی جنایاتی راکهمرتکب میگردند ومیخواهندجنایاتی راکه قبلا درویتنام مرتکب شده بودند درسایر نقاط جهان تمرین نمایند• رژیم اپرتایدافریقای جنوبی ازحمایه کامل اضلاع متحدهٔ امریکا و متحدین وشرکایش برخوردار میباشد و خطر رابدینسان بیشازپیش دامن میزنند،خطریکه تهدید یست به صلح برای تمام بشریت، چه صلح بنوبه خود عمده ترین خواست انسانی است• بوضاحت دیدهمیشود آنجاییکهامپریالیزم نفوذ پیدا کرده ،از آنجا آزادی ودموکراسی رخت بر بسته ، ترور را آنجا پایانی نیست وقتل وآدمکشی طرزالعمل روز است، برخلاف در جاییکه امپریـــالیزم نتوانسته سیطره اش را قایـــم سازد و همچنان سایر منابـــع ارتجاعی و هژمونیستی آنجاراه نیافته اند، آنجا شرایط برای انسانیت ، برای احترام به حقوق انسانی وصلح فراوانست وبران عمل میشود •



صحنه ترور وآدمکشی در افریـــقای جنوبی •

هنرمند پولندی وتیاتر تصویری اش

«آدام کلیان هنرمند یست که با اجرای پروگرام های تصویری روی ستیژ، شهرت بسزایی کسب نموده•زندگی هنری این هنرمند پولندی از تیاتر گدی ها آغاز یافت • عامل بزرگ پیروزی موصوف باکار همرای (جان ویلکوفسکی) بستگی دارد چه ویلکوفسکی خود از رژیسوران شناخته شده تیاتر گدی هادر پولند بود • «کلیان»با اجرای پارچـــهٔ نمایشی «یك افسانه گورالی» که حکایت از زندگی اقوام گورال داشت، توانست بر سکوی شهرت ومحبوبیت تکیه بزند ،وی این پیروزی را خاصتا بخاطر تمیثل موفقانه زندگی دهقانان ناحیهٔ «سوپرتالا» دریافت داشت«کتماتر» شاعر ونویسنده چیره دست پولند فلکلور مردم را برشتهٔ تحریر کشید ویکی ازقصه های مردمی متذکره ویلکوفسکی را به صحنه آورد کلیان درین زمینه نیز باوی از همکاری دریـــــغ

بقیه در صفحه ٤۸

برگزیده هایی از میان فرستاده های شما

شعر وشاعر

چه بود گر زندگی هر روزشعری بود
ومن هم شاعر بی همتای دو را نها
که بهر سخن
کوته ترین و بهترین حرف بشر
که میشد قطعهٔ شعر کو تاه‌تاریخ انسان
شعری چون حیا شیرین و چون وجدان گرامی
میشدم پیدا

...

ولی از شعر می‌بستم ، میگشتم میگشتم
درون سینه ها و مغز ها را خوب میکا فتم
به هر سر : گرم سو دایی
به هر سینه : تمنایی
نمی‌یافتم ، میگشتم ، میگشتم
که من شاعرم ، شعر میگویم
چه یکتا شاعری ، چه شعریکتا یی
که من در حسرتش چون شعلهٔ گرم محبت تاب میخوردم
دلم از گر می سو زنده ، یک سبد پر از شگو فه بود ، پر از جنبش
زخود میرفتم و در بینهایت می سرودم :
جهان بشریت میشنود آنرا و میمردم
«آزادی»
جهان بشر یت میشنود آ نرا و میمردم

غلام حیدر یگانه

رحیم الله جرمی

بازتاب واقعیت در ضرب المثل های عامیانه مردم

ضرب المثل های عامیانه مردم که یکی ازبخشهای عمده فرهنگ غنی جامعهٔ مارا تشکیل می دهند ازدیرینه زمانی بدین سودر میان‌توده های مردم ما رواج داشته و تا قبل از ایجادخط وکتابت‌به‌شکل‌علایم، اشارات وجملات‌کوتاه وپرمعنی در افکار مردم وجود داشتند و با ایجاد تحریر و کتابت از افکار و مغزانسان به صفحات کاغذ انتقال نموده ازآسیب فراموشی و نیستی در امان ماندند .

ضرب المثل‌های عامیانه که‌مردم ما در گفتارو تکلم روز مره خویش آن ها را بحیث نغز ترین و جالب ترین کلمات و جملات بکار می‌براند زادهٔ افکار و اندیشه های یك ویاچند شخص نبوده بلکه همه از میان توده های‌عظیم مردم بمیان آمده‌اند وبه توده ها تعلق می گیرند .

هما نطوریکه توده های ملیو نی کار گران،دهقانان ، و پیشه وران و سایر اقشار زحمت کش جوامع اند که تاریخ می سازند و آن‌را تکامل می دهند بهمین منوال توده های وسیعی زحمتکشان جهان اند که فر هنگ‌را میسازند و تمدن ها را ببار می آورند وآن ها را رشد می دهند و تکامل می بخشند . ازاین جهت میتوان ادعا کرد که ضرب المثل های عامیانه مروجه امروزی در کشور ما که‌بخش بزرگی از فر هنگ و کلتور بومی سر زمین ما را تشکیل می دهند از آن توده ها‌بوده بهترین و عا لیترین مفاهیم و اندیشه های انسانی رادر خود نهفته دارند و ازاجداد وپدران فرهنگ ساز مابه ارث مانده اند .

طوریکه گفتیم هر یك از این گفته های‌نغز و دلکش که ما آن ها را ضرب المثل می خوانیم مفاهیم و معانی نهایت ارزنده و عالی‌رابیان داشته‌که ازپرمحتوا ترین نوع کلمات و جملاتی بحساب می روند که در جریان‌پروسه تکامل تاریخ و آزمون زمان پیروز-مندانه از بوته آزمایش بدر آمده اند و درمیان خلقهای تاریخ ساز و دورانساز مارایج گردیده اند .

ضرب المثل های عامیانه که اساس ایجادآن ها را درك ، تجربه و بر داشت مردم از کنش ها و واکنش های روزانهٔ ایشان تشکیل‌می دهد . بحیث بهترین رهنما و یاری رسان ما در اجرای امور زنده گی روزانه بحساب می‌آیند ، چه آن ها ما را بیشتر قادر میسازند تا با درك همه جانبه حقایق به اجرای امورسود مند و ثمر بخش بخود و دیگران متوصل گردیم و از کنش های خالی از مفاد و بی‌جهت‌اجتناب ورزیم .

همین ضرب المثل های عامیانه مردم اند که‌پهلو های مثبت و منفی بسا از واقعیت ها و اعمال مثبت و منفی ما را بخوبی ایضاح‌می نمایند .

بطور مثال در میان مردم معروف است که‌میگویند : «قمار باز شریك دزد است» این گفتهٔ خیلی هاارزنده وبجا است که از زمان‌های بسیار قدیم در میان توده های وسیع مردم کشور ما رواج داشته ما را از توصل‌به قمارکه یك عمل ناجایز وناپسندیده است باز می دارد و قباحت های این عمل را بر مابیان می دارد و یا این مثل دیگر که‌میگوید : «قماربازیکروزپاك میخورد ویکروز خاك» یعنی‌اگر شخصی که به عمل قمار بازی عادت دارد یکروز دارا باشد و صد روز دیگر را با دست‌تهی می گذراند که این هم پهلوی منفی دیگری از عادی شدن به عمل‌قمار و قمار بازی‌می باشد .

ویا این مثل دیگر که میگوید : «وقت ازدست رفته باز نیاید» و یا «وقت برابر طلا است» .

همه می دانیم که وقت بزرگترین گوهری‌است ناب و نایاب که اگر بیهوده از دست برود به گفته مثل فوق دو باره باز نیاید .اگر به مفهوم اساسی این مثل پر محتوا به دیده غور و تعمق بنگریم در می یابیم که‌حقیقت بزرگی را در خود نهفته دارد و آ ن اینکه مارابه کار وپیکار روزانه دعوت مـی‌نماید و بما می آموزد که حتی لحظه‌یی ازوقت

بقیه در صفحه ۴۸

حفظ وطن

این نسل دلیر آریایی زاده
دایم به عدو درس شجاعت‌داده
بازی نبود همرهٔ ایشان ساده
در حفظ وطن همه به‌پا استاده

میرمحمد کاظم‌هاشمی

سکوت

گفت : از تو ام !
گفتم : اغواست .
گفت : باور کن !
گفتم : نه .
گفت : ترا اشتباه است !
گفتم : از من دستگیر .
گفت : کار دلست .
گفتم : خوبرویی .
گفت : تسلیم !
گفتم : مکر است .
گفت : مرانم !
گفتم : راستی ؟
گفت : آری !
گفتم : وای عاشق شدی ؟
گفت : چرا نمی دانی ؟
گفتم : از چه ؟
گفت : طفلی ؟
گفتم : نه ، میدانم
گفت : بیا ، آری بیا !
گفتم: سکوت کن ! سکوت!

ممتاز

از عبد الرشید (رشید)

روانشناسی استعمار

برگزیده‌های ازمیان فرستاده‌های‌شما

واقعیت استعمار بر دنیا ی مستعمره نه تنها مفهوم غا رت منابع عظیم مواد خام وچپاول قوای بشری فراوان ورسو خ اسار ت و انقیادرا درتمام شئون‌زندگی مردمان مستعمره تبین مینماید بلکه حاوی مفهو م تحقیر شخصیت ا نسان استعمار زده وتسلط وگسترش انقیاد درروح ومعنویا ت اونیز میباشد .

نظر مختصر ی به سیر چگونگی استعمار کهن در جها ن مستعمره این حقیقت رابیان میداردکه‌علی‌الرغم احساسات آزادیخواهی انسان بومی‌وتنفر وانزجار عمیق اواز وضع مستعمرا تی‌خویش ومبارزه‌ومجادله پایان ناپذیر او علیه استعمارومظاهر آن ارزش های فر هنگی استعمار باشیوه‌های ماهرا نه واز مجرای‌روان شناسی استعمار ی به صور ت مسخ شده براو تحمیل میگردد .

کلو نیا لیزم کلاسیك درسیمای بشر دوستانه وظاهر متمد ن وبیش رفتهٔ خود هماهنگ باچور و چپا ول منابع مادی وغار ت مواد خام سر زمین های نامنکشف شنیع تر ین طرق وشیوه هارا در کشتن رو ح شخصیت و هویت انسان استعمار زده به کار برده ،عظیم ترین جنایات رادر زمینهٔ رسوخ حقار ت مینماید.

آنچه روانشنا سی استعمار رابه مثابهٔ میراث شوم‌کلو نیالیزم کلاسیك درسیر تاریخ تبین‌میداردبقایای احساس‌حقارت وخود کوچك‌بینی است.

شکستن ز نجیر مستعمر ا تی و حصو ل ا ستقلا ل سیاسی از کشور مادر(مترپول) در روح وذهن انسا ن استعمار زده‌محسوس بوده لزوم مبارزه ومجادلهٔ اورا در پهلوی تلاش وغلبه به‌عقب مانده گی های اقتصادی واجتما عی و تو صل به استقلال اقتصادی احترا ز ناپذیر مینماید .

پروسهٔ گسترش حقار ت ونزول گرایی شخصیت انسان مستعمره به وسیلهٔ استعمار گر در سیر توسعهٔ استعمار کهن نه تنها در مضمو ن فکتور های اقتصادی‌ومالی استعماری و تجهیز تاسیسا ت به اصطلاح متمد ن کلونیا لیزم میتوا ن سرا غ کرد، بلکه جریا ن تحقیر هو یت انسان مستعمره رادر مضمون‌استعمار کلاسیك در مکتب کاملا جدا گا نه و حساب شده که هد ف آن تسجیل وضع برترانه انسا ن استعمار گرو توجیه وضع‌مستعمرا تی استعمارزده بر بنیاد برتر ی های نژادی ،خونی وپیشرفت وتمدن استعمار ی‌باشد. ملاحظه کرد .

باتوجه به تاثیرات کیفی مضمون روانشنا سی استعمار ی درساحات مختلفهٔ شئون حیاتی دنیا ی نا منکشف ،انسا ن بومی وضع تحقیر آمیز خویشرا درتما س با تما می واقعیت‌های اجتماعی واقتصاد ی که اکنون رنگ استعمار ی دارد وسا یهٔ غول استعمار برآن حکو مت میکند، درك نموده ودر ضمیر نیمه آگاه‌خود از اینگونه برخورد ها که برمبنای عدم تساوی وبر بنیان بر تر ی و برجستگی به اصطلاح ذاتی انسا ن استعمار گر استوار است بدیدهٔ انزجار مینگرد .

انسان استعمار زده در عین حا ل که‌از وضع مستعمرا تی خویشس به شدت بیزار است وجمیع مو سسات استعماری رابه زعم ظاهر متمدن و عوام فریبانهٔ آن مورد تردید قرار میدهد در معر ض حملهٔ جریا ن‌ناخود آگاهی استعمار فر هنگی قرارداشته که بارز ترین مظاهر ونتایج استعمار فرهنگی رادر واقعیت احسا س حقار ت که در بین مردما ن‌مستعمره شیوع یافته وبه سر عت تو سعه میابد سرا غ نمود .

احساس حقار ت و خفت درانسان استعمار زده که هد ف روانشناسی استعمار ی را بیان میدارد از نفوذ فرهنگی دنیا ی استعمار ی و تظا هر پدیده های پرزرق وبرق واغواکننده تمدن بورژوایی آب خورده مظهر واقعیت وضع مستعمرا تی درسیمای استعمار فرهنگی می‌باشد.

جریا ن ناخود آگا هی استعمار کلتور ی که از طریق روانشناسی استعمار ی اعمار میگردد بیشتر از همه جوانان ونو جوانا ن بو می را مورد حمله قرار داده وبا استفاده سوء از عد م آگاهی آنا ن از وضع مستعمراتی احساس از خود بیگانگی وتردید ارزش ها واساسا ت‌فرهنگی اصیل بومی را تقو یت می بخشد .

در واقعیت امر استعمار فر هنگی که هدفی جز تخر یب و تخر یشس ارزش ها و واقعیت ها ی فر هنگی .درسر زمین های نا منکشف ندارد قیافهٔ استعمار کهن رادر چهره تقدس معنو یا ت انسا نی درجهان مستعمره بیان میدارد .

غول‌استعمار بعد ازتسلط وارعاب سرزمین های نا منکشف و بسط‌نظام استعمار ی به منظور تحکیم نظم استعمار ی توده های استعمار زده رابه انواع مختلف تحت انقیاد در آورده وبا استفاده از تکتیك ها و شیوه های متنو ع روا ن و معنویات توده های مستعمره را در زنجیر کشیده‌است .

ماشین‌استعمار ی کلاسیك بعداز تجهیز پایه های اجتما عی واقتصادی استعمار ی وایجاد وضع مستعمراتی درسر زمین های مستعمره جر یا ن احساس حقار ت وخفت رادرفرهنگ ورسوم بومی احاطه کرده وبر تو ده هاچنین تلقین نمود که گویا کلتورو فرهنگ آبایی واصیل آنها عقب‌مانده وازتمدن وتجدد بدور می باشد لهذا ارزش های کلتور ی موجود و مسلط بربومیان مستعمره قابل تر دیدبوده واین فرهنگ وارزش ها ی متجدد استعمار ی است که مظهر تمد نو تجدد وسمبو ل پیشر فت وتر قی میباشد .

به این ترتیب استعمار کهن با تلقین غلط ونا جایز توده ها درجهت تردید ارزش‌های فر هنگی بو می و تحمیل کلتور استعماری در پهلو ی غار ت منابع وبیداوار مواد خا م مناطق تحت استعمار ، به کشتن و مسخ‌نمودن دست داشته‌های کلتوری وتمدن اصیل مردما ن سر زمین های مستعمره نیز پرداخت .

سیر روانشنا سی استعمار کلاسیك که با بسیار زیر کی ومهار ت موازی باایجاد تاسیسا ت استعمار ی در د نیا ی نا منکشف پیش می ر فت هدف آن شیو ع احساس حقار ت و خفت‌دربین مردما ن بومی مناطق‌تحت استعمار وتوجیه وضع عقب ماندگی وکم رشد ی این سر زمین هابربنیان به اصطلاح عقب ماندگی های ذا تی ونژادی مرد ما ن مستعمره وتسجیل فرهنگ‌مسخ شدهٔ استعمار ی بعنوان کلتور اعلی واصیل بوده است .

جریان خود زدایی(تردید و تحقیر ارزش هاودست داشته های فرهنگی وتاریخی مناطق نا منکشف بوسیلهٔ متجدد ین باشند گا ن اصلی‌مستعمره براثر تلقین استعمار) که ار مان اساسی روانشناسی استعمار رامعین میدارد بیشترازهمه‌توسط متجددین‌به اصطلاح تحصیل کرده در کشور مادر (متروپول) ودر موقع بازگشت به‌سر زمین آبایی تحقق میگردد :

جوان بومی بعد از چند سا ل دوری از وطن آبایی وکسب تحصیل درکشور مادر بمد لول عدم خود آگاهی تحت تاثیر سریع وفور ی مظاهر پرزرق وبر ق وتجمل کشور استعمار گر قرار گرفته و چنین می پذیرد که فرا گرفتن و آمو زش تمامی عادات واخلاق تمد ن بورژوایی به منزلهٔ توصل به مدار عالی‌تمد ن می‌باشد . این وضع در واقع نتیجه مستقیم وغیر قابل تردید جر یا ن ذهنی وسایکلوژی استعمار بردنیای مستعمره‌می باشد که جوا ن بو می برمبنا ی تداعی سوابق ذهنی به تحقیر وتخفیف ارزش ها و واقعیت های کلتور ی خود وپذیرش ار زش های فرهنگی استعمار گر به عنوا ن ارزش های عالی ووسیلهٔ رسید ن درقالب انسا ن متمد ن القا ء می گردد.

استعمار باشیوه ها و تکتیك‌های رذیلانه ونا جوا نمردانه به بو می های مستعمره چنین تلقین مینمود که گویا آنان بالذات عقب مانده و حقیر اند وبه منظور اثبات شخصیت وهویت فردی واجتماعی خود فقط یك راه دارند وآن این است که‌تمام نیرو وتلاش خویشرا درجهت همانندی وهمسانی انسان استعما ر گر صرف نماید . که در این همانند گرایی نه تنها اینکه عاد ات،اخلا ق وزبان خودرا تغیر بدهد و هو یت

بقیه در صفحه ۴۸



هیله

پیوسته بگذشته

از تاریخ باید آموخت

جوانان بالنده و پیکارگر! درین شماره قبل از آنکه ادامهٔ نبرد قهرمانانهٔ خلق خود را علیه امپریالیزم متجاوز انگریز بنگاریم لازم است تا به یك وعدهٔ دیگر خود که معرفی کتاب معروف تاریخی افغانستان باستان یعنی اویستا است، بپردازیم و بعداً بررسی خویش را در مورد نبرد های قهرمانانه افغان و انگلیس ادامه خواهیم داد. حال برمی گردیم بر سوابق تاریخی کتاب اوستا: قبلاً نوشتم که کتاب اوستا توسط) (زرتشت یا «زرتشترا») که اهل بلخ نامدار بود بوجود آمد این کتاب که در حدود سه هزار سال قبل از امروز تالیف شده بود البته باید گفته شود که این کتاب در طول چند هزار سال در زیر حوادث مختلف تاریخی نمی توانست شکل خالص و کامل و همانطور یکه در اول تدوین شده بود باقی بماند اویستا بعد از تحمل حوادث و دگرگونی های زیاد در قرن سوم میلادی (۱۷۰۰ سال پیش از امروز) در الفبای پهلوی ساسانی جمع و تدوین گردید. تفسیر یکه به لسان پهلوی بر اوستا تحریر گردید ((زند)) نامیده می شود و تفسیر بعدی را که برتفسیر اولی نوشته شده بود ((پازند)) نامیده شد. امروزه تنها یك بخش کوچك از این کتاب معروف تاریخی که بیشتر آن حاوی سرود های مذهبی است باقی مانده است. یك نسخه خطی دیگر اویستا برسم الخط ((دین بیره)) در مرکز دنمارك شهر کوپنهاگن موجود است که تاریخ کتابت آن قرن چاردهم میلادی میباشد. رسم الخط فوق الذکر در قرن ششم میلادی جهت تحریر کتاب اویستا عهد ساسانی بوجود آمد از گاتهای (گات‌ها یعنی ستون) اوستا معلوم می شود که دین زردشتی بر اساس توحید ویگانه پرستی قرار دارد. این دین ازجنت، دوزخ، برزخ صراط، میزان و حساب سخن می زند. هم چنان بر ضد دروغ، قربانی وکشتن گاو، رهزنی، بیابان گردی، چپاول وشر شعار میدهد و به شهر نشینی، زراعت، مالداری، راستی، راستکاری انسانها را تشویق می نماید عالی ترین اوامر اویستا، در چند کلمه خلاصه شده است: پندار نیك گفتار نیك، کردار نیك رویهمرفته می توان گفت که دیانت زردشتی تنها دین معنوی نی، بلکه یك دیانت اقتصادی نیز بود و این کیفیت به دین زردشتی ارزش اجتماعی هم میدهد و در عین زمان نمایانگر ارتقائی خلقی است که کتاب اوستا در بین آنها به میان آمده است. اوستا از نگاه تاریخ افغانستان کیفیت و ارزش زیاد تری دارد، چه اوستا بعد از سرود های «ریگوید» که نشان دهندهٔ حیات ما لداری و نیمه زراعتی و نظام طایفه ای آریائی است: هم چنان مهم ترین منبع و ماخذ تاریخ باستانی افغانستان نیزاست. اویستا افغانستان قدیم را از نظر باستانی جغرافیائی حاوی شانزده منطقهٔ در دور و پیش سلسله جبال هندوکش معرفی می کند، این مناطق عبارتند از بخدی (بلخ)، راغا (بدخشان)، مورو (مرو)، هریو (هرات)، هراویستی (حوزهٔ هلمند)، هیتومنت (ارغنداب)، هپته هندو (حوزهٔ سند) وماورا النهر (سغدیان) وغیره او ستا مردمان این مناطق آریائی ووطن شانرا آریانا می نامد.

— ادامه دارد —

جوانان و تعطیلات زمستانی

در این روز ها که تعطیلات زمستانی آغاز می یابد جوانان ما چه باید بکنند تا از یکطرف ازادامه تحصیل باز نمانند و از جانبی برای خویش پروگرام های تفریحی داشته باشند.

در این روز گار یکه کشور ما بیش از هر وقت دیگر به قدرت و خلاقیت نیروی جوانان ما نیاز دارد باید جوانان ما خود را با شرایط زندگی آینده آماده سازند این آمادگی از همین حالا باید آغاز یابد و با پشتکار تعقیب شود، تا باشد که آیندهٔ آنان تضمین گردد. شاید بپرسید که چطور: خدمت این عده جوانان باید عرض شود که: اولتر از همه به صحت وسلامت خود فکر نمایند و بعداً به کسب دانش وتحصیل. در این روز ها که رخصتی عمومی شاگردان معارف است بدنیست که هر شاگرد چیز فهم در پهلوی کار خانه یك کتاب بدست داشته باشند، کتابیکه به ذوق و علاقه آنان باشد، کتابیکه بتوانند به آنان چیزی بیاموزاند.

بهترین سرگرمی و تفریح درشرایط حاضر مطالعه وکتاب است، البته در پهلوی آن استراحت و گردش نباید فراموش گردد شنیدن موسیقی خستگی را می زداید، به انسان قدرت وانرژی بیشتری می دهد اشتراك نمودن در کار های منزل وهمکاری با پدر ومادر در امور خانه یکی از مصروفیت های خوبی خواهد بود که جوانان ماکمتر احساس دلتنگی نمایند.

در فواصل بیکاری بهترین تفریح مطالعه است جوانانیکه زندگی نسبتاً مرفه تری دارند میتوانند بزرگترین خدمتی به میهن و کشور و مردم خویش در این روز های رخصتی وتعطیل نمایند. میدانید که این خدمت بزرگ و مقدس مبارزه با بیسوادی این دشمن مشترك همه بشر میباشد. شما که وقت این‌را دارید چه میشود که با چند ساعتی انسان بیسوادی را که محروم از بزرگترین نعمت‌زندگی است با سواد سازید و با آنها در این باره کمك کنید سهم و کمتر از آن مدتی نسبتاً زیادی است که انسان میتواند در این راه خدمتی انجام دهد.

پس بهترین مصروفیت برای جوانان با درد یکی هم اینستکه دست مظلومی‌را بگیرید و او رادر راه با سواد شدن کمك نمائید چشم او را به خط و کتابت آشنا سازید، ودل او را به نور علم روشن نمائید. بگذارید آنان که سالها از این نعمت محروم بودند با کمك شما جوانان باد رد ووطن پرست برخوردار از سواد گردند تا باشد که آنان نیز در آینده موجود مفیدی برای اجتماع ووطن خویش گردند.

من از شما نمی خواهم که مرا تبرعه کنید و یا به من دل‌بسوزانید اما می خواهم و توقع نیز دارم که عادلانه قضاوت کنید و ببینید که کی مقصر است وعلت اختلاف ،میان ما چیست .

وچه بوده و کدام یك بیشتر مقصریم. ولی قبل ازهمه باید به گذشته بر گردیم تا بیشتر موضوع ومطلب برایتان واضحتر گردد .

ما از کودکی با هم آشنابودیم، رفت و آمد فامیلی داشتیم ووقتیکه بزرگ شدیم و مکتب را تمام کردیم وشامل فاکولته نیز شدیم این رفت‌و آمد و این آشنایی ما ننند گذشته دوام داشت و هر گزاین ارتباطات فامیلی ما از میان نه رفت . تا اینکه در اثر موافقه طرفین و فامیلی ما با هم نامزد شدیم ، این دوره که از بهترین ایام زندگی دو جوان محسوب میشود مدتی گذشت ما در این ایام برای آیندهٔ خویش نقشه ها ی می کشیدیم و بخاطر زندگی بهتر آینده طرح ها ی بوجود می آوردیم و کوشش میکردیم که این طرح ها را درعمل پیاده کنیم . مدتی تقریبا شش ماه ازنامزدی ما گذشت ومادا شتیم مقدمات عروسی را میگرفتیم، ولی آرام آرام متوجه شدم که‌آن علاقه و حرارتیکه نامزدم در گذشته داشت حالاندارد علت را ندانستم تا اینکه ازخودش پرسیدم ولی او انکار کرد وگفت که چیزی نیست شاید مرا خیال بر داشته باشد وازاینطور گپ ها . بهر حال پس از رفت وآمد زیاد پدرو مادرم به منزل نامزدم تاریخ ازدواج تعین شد و به همین مناسبت مقدمات که برای ازدواج ضروری و لازم بود تهیه دیده شد اما هر قدر روز تاریخ ازدواج نزدیکتر میگردید نامزدم بیشتر ناراحت تر ودلواپستر میگردید باز هم برایش گفتم که چه شده ، چرا ناراحت هستی ، آیا خوش نیستی که در این روز ها با هم ازدواج میکنیم و تمام روز ها ی گذشته مان به تحقق میپیوندد ؟ سکوت میکند و چیزی نمیگوید ولی از حرکات که می نماید بخوبی معلوم میشد که سخت نگران است و دایم در حالت یکنوع انتظار بسر می برد

این وضع نامزدم باعث ناراحتی من نیز گردید و هزاران سوال را برایم خلق می نمود ، فکر میکردم رازی در میان است که نامزدم نمی خواهد من از آن مطلع گردم . به هر ترتیب بود بالاخره و ادارش ساختم که اصل حقیقت را بگوید واو برایم چنین گفت : میدانی احمد من ترا بسیار دوست دارم ، اما نمی خواهم زن تو باشم ترا بحیث یك‌برادر بسیار محترم دوست دارم ولی فکر میکنم که اگر ما با هم ازدواج کنیم زندگی بدی خواهیم داشت و هر گز خوشبخت نخواهیم بود این سخنان نامزدم آنقدر برایم غیر مترقبه بود که انتظار هر چه را داشتیم غیر

جوانان وروابط خانوادگی

شنیدن این مطلب را شما فکر کنید یك عمر با هم بودن، یك عمر برای آینده نقشه کشیدن و بالاخره این طور سخن را شنیدن آن لحظات هر گز در زندگی‌فراموشم نمیگردد اگر هر کسی بجای من نیز می بود هیچگاه‌این واقعه را فراموش نمیکرد .

خوب شما را چه درد سر بدهم که از نامزدم خواستم تا بیشتر برایم تشریح نماید وموضوع را برایم روشن سازد ، او درابتدا راضی نمیشد که‌اصل حقیقت را برایم بگوید ولی واداررش ساختم‌که حقیقت با اینکه تلخ وطاقت فرسا می بود برایم بگوید او ابتدا زیر بار نمی رفت وی‌بالاخره گفت و چنین گفت : احمد در این شکی نیست که ابتدا می خواستم با تو ازدواج کنم و تا همین چند ماه قبل به‌همین تصمیم بودم ، اما وقتیکه از نزدیک به زندگی فامیلیت اشنا گشتم ، دیدم که اگر این وصلت صورت نگیرد بهتر خواهد بود هم تو خوشبخت خواهی بود و هم من .

چه چیز زندگی فامیلی ام‌ترا ناراحت ساخته که به پیمان خود پشت پا زنی ؟ سکوت میکند ،چیزی نمیگوید ، اما مثل اینکه تصمیم خود را گرفته باشد ناگهان لب به سخن میگشاید و میگوید : یگانه عاملی که مرا از این ازدواج باز داشت وضع نامساعد اقتصادی است و بس.

آن پلان ها و نقشه ها ی که من و تو برای آینده مان کشیده بودیم هر گز نمیتواند با این وضع اقتصاد جامه عمل بپوشد شاید که تصور کنی من دختری مادی پرست و پول دوست هستیم . اما من می خواهم که در آینده خوشبخت باشم، میخواهم چیزی را که آرزو می برم آنراداشته باشم بیادداری که من و تو همیشه از زندگی مستقلی حرف میزدیم، ولی کو آن زندگی مستقل؟ آیا تو با این معاش خود میتوانی آن زندگی ایده آل را که هردوی ما خواهان آن بودیم بسازیم ؟ فکر نمیکنی که هر دوی ما تا به امروز اشتباه نموده ‌ایم وتمام آن نقشه ها جز رویا ی بچگانه چیزی دیگری نبوده ،

زیرا این امکان را ندارد که آن زندگی ایده آل را بسازی.احمد این را باید قبول کنی که بجای من هر دختری دیگری باشد چنین می خواهد . شاید من نتوانم صاحب همسری مانند تو گردم ولی نمی خواهم که همین حالا چانس زندگی خود را از دست بدهم از این‌روازت خواهش میکنم که دیگر روی از دواج بامن فکر نکنی و از همین حالا تصمیم خود را بگیر برایش گفتم تو که مرا از خیلی قدیم میشناختی ، به زندگی خانوادگی مان آشنا بودی ، و تا اندازه زیاد از وضع اقتصاد ما با خبر بودی چرا آن وقتیکه نامزد میشدیم این فکر را نکردی که حالا میگویی ؟

با ناراحتی میگوید : درست است که ما از کودکی با هم آشنا بودیم ولی این دلیل نمیشود که حتما از تمام جزئیات زندگیتان با خبر باشیم دیدم جرو بحث دیگر فایدهٔ ندارد او تصمیم خود را گرفته است ، برایش گفتم که من باید این موضوع‌را با پدر و مادرت در میان بگذارم ببینم آنها چه نظر دارند میگوید این زندگی خود من است ، واین منم که باید تصمیم بگیرم نه پدر ومادرم، شوهر من میکنم نه پدرم، این من هستم که آینده من باید خوب شود یا خراب ، پس تصمیم، تصمیم من است با این هم برای اینکه رضایتت فراهم شود هیچ مانع ندارد میتوانی با پدر و مادرم صحبت کنی و لی بدان که من تصمیم خود را گرفته‌ام گفتم خوب ببینم چه میشود این را گفتم وازش جدا شدم ، روز دیگر به دیدن پدرو مادرش رفتم ، دیدم وضع و پیش آمد آنان نیز طور دیگر است ، پیش خود فکر کردم که اگر زیاد در این مورد پافشاری نمایم شاید بیهوده باشد و قتیکه دختر نخواست با من زندگی نماید چه ضرور که این سخنان را به پدر و مادرش بگویم ، و اگر احیانا برای آنان نیز بگویم آنها چه خواهند گفت ، صرف همینقدر خواهند گفت که :

پسرم ، چه باید کرد ، امروز نمیتوان کسی را به زور و جبر وادار به ازدواج کرد ، امروز خوشی دختر و پسر شرطاست‌و...

واگر هر طرف داد وفریاد راه بیاندازم فایدهٔ نخواهد داشت به همین منظور بدون اینکه زیاد خود را ناراحت نشان داده با شما برای پدر و مادر دختر

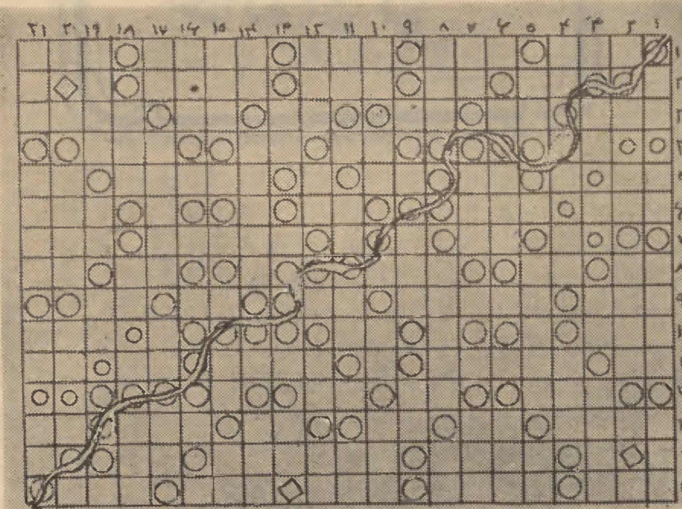
بقیه در صفحه ۴۹



سرگرمی ها و مسابقات

تهیه وتنظیم از : صالح محمد
کهسار

جدول کلمات متقاطع



افقی :-

۱- در قفس سینه آنرامیتوانید پیدا کنید - از ولایا ت باستا نی کشو ر ما - یکنو ع با سیل (میکروب) را بنامش مسما سا خته اند - آنرا میپر ستیم - فلمی‌است از کشور هندوستا ن -۲- یك حرف را در دوخانه بگنجانید - در رو ی میروید-مناره های این شهرباستانی ما شهرت جهانی دارد -۳- درهمین فصل زیادتر استفاده میشود- حرف نفی عربی-کانال‌خون- عکس زیا د- ردیف گوهر- گهوارهٔ انقلاب آسیا -۴- د و پا نز د ه- در بین بلبل - معد ن -۵- عددی است - باعلاوه (یاد) اسم یکی از فلمها ی هندی - از امراض ساری - قا یل شدن -نمیتواند راه برود -۶- از آلات‌صیادی -ماشین آنرا موراختراع کرد- ازماه های سال به پشتو -سه خانه ویك حر ف -۷-گدا ی پابریده فلمی به اشترا ك سایره بانو - در پیشانی یار میز ببد -۸- نصف نشان - رطوبت - در روزهای‌بارانی زیادمی آید- ازدانه های شطرنج - دیروز -۹- منظم آن ادا میشود-از آلات محاربوی - عد د ی است به پشتو - کبل کوتاه - ردیف جذر- ۱۰- گناه ناتمام - رفیق پر ی -حیوانات راچنین سازند - ۱۱ - حر ف نفی - اشك‌ابرها- ازکشور های‌افریقایی- عطر مید هد -بو مدم بریده ۱۲- ضد جدید است - قلب عوا م -جبل کوتاه -۱۳- وسیله پوشیدن دربدن - ردیف خاشا ك - حیوا ن باربر - طول بدن - خشت وچونه رادر آن پخته میسازند - جا م آن شهرت دارد -۱۴- ردیف‌غله‌می‌آید یکی از آبشار ها ی مشهور کشور ما - کارنا تمام-۱۵-بزرگ‌به‌پشتو- ازغله جات -دول پرا گنده - آنرا نگهدار ید - از و لسوا لی ها ی سمت شمال کشور ما -

عمودی :

۱ - از حیوانا ت جنگی - درنده- از فلمهای هندی - دربجلك پا جا دارد -۲- نصف جاوا - با آن‌مو ها رامرتب کنند -۳ - حرف ر بط این به پشتو - ازپرند گان خوش خوان -۴- خنك نشده-میوه‌یی است خزانی -۵- یك نوع پر نده خوش خوان-به‌خانه هر شخص می رود - دگر ناتمام - ٦ - در یمن فصل در درخت ها نمیبا شد-دوران اوگذشت -۷- لوده بود د هش راگذاشتند - عددی است - درمقابل فروش زمین وخانه داده میشود-۸- خواهر به پشتو - سا زنده نشده - کلمه ربط ۹ - از آلات محاربوی - آنرادرپستان بجویید - ۱۰-نمیشنود عددی به پشتو -از اسباب خانه - عاشق ژو لیت است - ۱۱- ضمیر اشاره -موی برسر ندارد- ریگذار الف کوتاه -۱۲- تازه نیست - حاصل آکسیجن و هایدرو جن- محبت -به هده نرسید ه -۱۳ - ضمیمه به پشتو - در موقع تسممات غذایی پیدا میشود - ۱٤ - ماه کوچك- باران در گذشته به زمین آمده - منظم آن پدر است -۱۵- معکوس آن از لسانها ی رسمی مااست -حرف ربط -راه‌کوتاه-۱٦- گردنبند -۱۷-رفیق‌بولت-پروگرامی است هفتهٔ یکبار در تلویز یو ن به نشر میرسد - سیب میا ن تهی - کاکا ی بی پادر پشتو -۱۸-وظیفه کار گر - اگرآنرا بازرگریکجاسازند نام یکی از مناطق کشور ما می-شود -گوزن در آن شهرت دارد -۱۹- پیر نیست -زمان آن است - درد ناتمام -۲۰- دشمنان مردم ما آن طور هستند - ماده‌حیاتی -۲۱- در بد خشا ن‌شهر ت‌جها نی دارد - معشوقه مجنون - سمبو ل باریکی - خودم

این دختر کیست؟



این چهره زیبا یکی از ستارگان غرب است ماآنرا برای شما چا پ نمودیم تا اگر بتوانید بگو یید که‌این ستاره سینما رادر کدام یك از فلمها دیده اید اگر به‌شناختن او مو فق شدید اسم اورا و فلمی را که به اشتراك اودیده اید برای مابنویسید.

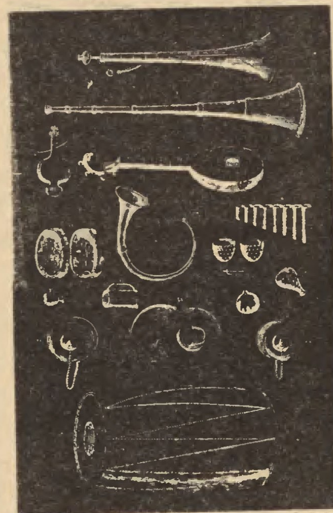
تست جالب خود شناسی ؟



این تست مخصو ص د ختران میباشند آری بسیار ی از دخترا ن مغرور ویا اینکه در زندگی خوش بخت نمیبا شند مابرای اینکه‌دختران خودرا بشنا سند نه شکل را برای شان چاپ نمودیم برای مابنو یسید که از کدام تیپ د ختران هستید مابرای شان بنویسیم که‌چه عادات را دارا می باشیدفراموش‌نفر مایید که باانتخاب یکی از اشکا ل فوتوی خویش رانیز ارسال دارید .

کدام آلات مو سیقی ؟

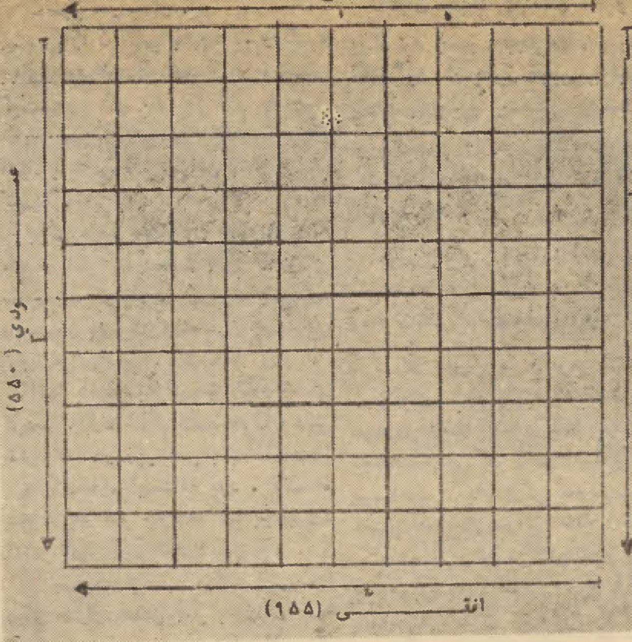
درجهان امرو زی شا ید هزا ـ ران نوع از آلات مو سیقی را دیده ایدوشا ید هم به آنها آشنایی داشته باشید ما درین جاچند نو ع آلات مو سیقی را چاپ مینمائیم اولا اسمای این آلات رامنظما بنویسیدو بعدا بگو ـ ئید که این آلات مو سیقی به کدام دوره وزمان تعلق دا رد . و هم بنو یسید که از این آلات فعلا کدامش مورد استفا ده قراردا رد.



کدام جایزه وکدام ستاره؟

درین تا بلو سه ستا ره مشهور سینمای غرب، رامشاهده میکنید که باچهره های شادديده میشو ند شاید این ستاره هارا درفلمها دیده باشید مامیخوا هیم که اولا اسما ی این سه ستاره رابا جایزه که یکی ازآنها برنده گردیده است بنو یسید برای اینکه زودتر اسم این جایزه رابدانید این جا یزه بز رگترین جایزه سینمایی جهان بشمار میرود.





جدول جدید

خوانند گان محترم!
این بار جدو ل جد یدی رابخا طر سر گرمی هر چه بیشتر ومصرو فیت شماو همچنان جهت به کار افتادن استعداد حسابی تان طر ح نمود یم امیدواریم که بذو ق و علا قه شما بوده باشد طور یکه جدو ل را مشاهده می نمایید همه خا نه های آن خالی بوده و با اعداد حسابی خا نه پری میگردد.

البته غرض آسانی کار شما بعضی ازمشخصات ودستور العمل حل جدول فوق را ذیلا تشریح می‌کنیم زیرا نظیر چنین جدا ول در کشور ما کمتر بنشر رسیده ولا بد به آن کمتر آشنایی خوا هید داشت :

۱ـ حاصل جمع اعداد ستون اول افقی به ۵۵ میرسد

۲ـ حاصل جمع اعدا د ستون دهم افقی به ۹۵۵ میرسد .

۳ـ حاصل مجع اعداد ستون اول عمو دی ۴۶۰ میرسد .

۴ـ حاصل جمع اعداد ستون اول عمودی به ۵۵۰ میرسد .

۵ـ باید اعدا دی که در خا نه های خالی گنجا نیده میشود عین عدنباشند بعباره دیگر در تما م خا نه هـای جد ول عین عدد تکـرار نگردد.

اگرهمه اعداد در ج شده ستون های اول ودهم افقی وعمو دی جمع شوند حاصل شا ن ۲۰۲۰ میگردد.

نوت: جهت معلو مات مز یـد خوانند گان وحل کنند گان محترم اینقدر نقل هم میدهیم که:

در ستون های افقی اعداد درخانه های خالی تسلسل داشته وار قام پهلوی هم یك یك فرق دارند در حالیکه ار قام بصو رت عمو دی یعنی اعداد بالاتر ازاعداد پائین خود ده ده تفاوت مینمایند . اسم حل کنندگان واز جمله فو توی یکی از آنها که اولتر بدفتر مجله برسد در همین صفحه به چاپ میرسد .





صحنه کدام فلم؟

این صحنه از فلمی است که در هندو ستان بمعر ض نمایش قرارداده شده است وشا ید این فلم را دیده باشید بهر صو رت اگر با سینما علاقه دا شته باشید میتوا نید اسم این ستاره واسم فلم مذکور را برای ما بنویسید.

بقیه صفحه ۱۹

نهم ژانویه

ـ دور شو افسر می شنوند!

افسر بلند قد و موبوری با سبیلهای دراز آهسته در امتداد صنف سربازان راه میرفت و همچنان که دستکش را بدست راستش میکرد از میان دندانها میگفت:

ـ پراگنده شوید. دور شوید. چطور؟

حرف میزنی. من بتو میگویم!

صورتش چاق و قرمز، چشمانش گرد و براق ولی بیفروغ بود، او باتانی راه میرفت پاهایش را بزمین میکوفت. اما بارسیدن او زمان سریعتر میگذشت گویی هرثانیه از ترس اینکه مبادا بایک چیز وهم آور و نفرت‌انگیزی برخورد کند شتاب میکرد تا خود رازودتر مخفی‌سازد.

پشت سر او سربازان درخط زنجیر مستقیم که چون خط کشی نامریی بنظر میرسید بحالت خبردار ایستاده بودند. شکمها را بعقب و سینه ها را پیش میدادند و بنوك پنجه چکمه هایشان نگاه میکردند بعضی ازسربازان با چشم، افسر را به مردم نشان میدادند و باچهره های وحشتزده شکلك میساختند.

افسر در یکی از جناحها توقف کرد و فریاد زد.

ـ خبر ـ ر ـ دار.

سربازان کمی جنبیدند و آنگاه بجای خود خشك شدند افسر گفت:

امر می کنم پر ـ ر ـ آگنده شوید. آنگاه باتانی قداره اش را از نیام کشید.

برای مردم عملا غیر مقدور بود که متفرق شوند، جمعیت متراکمی تمام میان کوچه را پر کرده بود و پیوسته ازخیابان عده ی تازه بانها می‌پیوست.

آنها باتنفر به افسر نگاه میکردند. او دشنام و تمسخر را میشنید اما در زیر ضربات آنها پایدار و محکم ایستاده بود. نگاه بیفروغ او متوجه دهانها بود ابروانش آرام آرام تکان میخورد.

جمعیت ها یهو میکرد زیرا سکوت آرامش سربازان که کاملا غیر انسانی و در اینموقع بیجا و بی مورد بود مردم را آزار و شکنجه میداد.

از یکدیگر میپرسیدند.

ـ فرمان دار اینکار را بکند.

ـ او بدون فرمان هم برای کشتن آماده است ...

می بینی قداره اش رابیرون کشیده.

ـ اهای! ارباب برای آدم کشی حاضری؟

غیرت و حرارت مردم شدید تر میشد حس شجاعتی که با بی فکری و یاس و نومیدی آمیخته بود در آنها آشکار میگردید. فریاد هارساتر و تمسخر و استهزا کمتر میشد.

سر گروهبان با فسر نگاه کرد تکانی خورد رنگش پرید و او هم بسرعت شمشیرش را بیرون کشید.

ناگهان آهنگ زننده ی شیپوری بلند شد جمعیت بجانب شیپورچی نگاه کرد. او بطرز عجیبی به لبهایش باد انداخته بود و چشمش چشمك میزد شیپور در میان دستهای او میلرزید و صدایش زیاد از حد کشیده بود.

مردم باسوتهای رسا عربده، ضجه‌صداهای لعن و نفرین، دشنام و سرزنش ناله های، عجز و لابه فریادهای یاس و نومیدی، رجزهای شجاعانه که حس امکان مردن در لحظه بعد و عدم امکان اجتناب از مرگ را در آنها بیدار میساخت. باو ازگریه و نفرت‌انگیز شیپور پاسخ‌دادند و آنرا خفه و خاموش ساختند فرار از مرگ مقدور نبود. چندهیکل سیاه خود را بروی زمین انداختند و بدن خویش را به زمین فشردند عده ای هم صورت شانرا بادستها پوشانیدند. اما آنمرد ریشدار از دکمه های بالاپوش راگشوده و پیشاپیش همه ایستاده بود و با چشمهای کبودش بسربازان نگاه میکرد، او پیوسته باسربازان حرف میزد و با آنان چیزی میگفت که در میان هیاهو و هرج و مرج شنیده نمیشد.

سربازان تفنگها را بالا آوردند همه آنها در وضع یکنواختی سر نیزه‌ها را بجانب جمعیت دراز کرده بودند.

بخوبی نمایان بود که خط سر نیزه در هوا آرام و بیحرکت موازی و هموار نیست، بعضی از آنها بالا رفته و برخی پائین افتاده بود فقط عده‌کمی از آنها مستقیما متوجه سینه مردم بود.

چنین بنظر میامد که سر نیزه‌ها ازماده نرمی ساخته شده است همه آنها میلرزید گویی مانند موم در مقابل آتش رفته و آتش میرفت و خم میشد.

کسی باوحشت و نفرت فریاد زد.

ـ آدم کشها، چه میکنید؟

سرنیزه ها بشدت و نامنظم لرزید صدای رگبار گلوله بلند شد مردم که ازشدت صدای ضربه گلوله ها، افتادن کشتگان و زخمی ها بعقب رانده شده بودند، تلو تلو میخوردند و عده‌ای آرام و ساکت از روی نرده بامن میپریدند.

باز هم صدای رگبار گلوله بلند شد در گبار دیگری هم بگوش رسید.

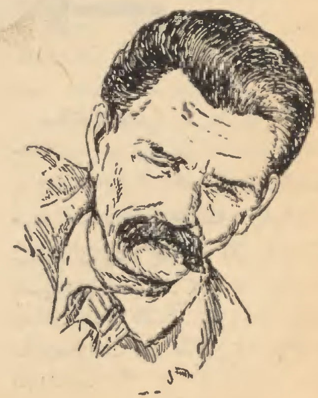
کودکی که روی نرده بامن ایستاده بود هدف گلوله قرار گرفت افتاد و از پای روی نرده آویزان شد.

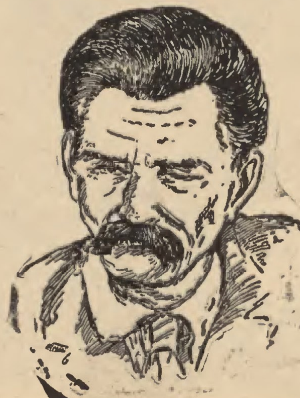
زنی بلند قد و خوش ترکیبی با گیسوان انبوه آهسته آهی کشید و آرام کنار او افتاد. کسی فریاد زد.

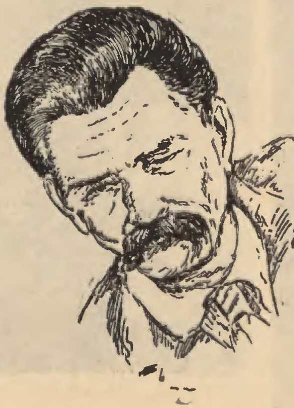
ـ ملعونها .....

میدان خلوت تر و آرامتر شد، آنها که درصفوف عقب خیابانها بودند به‌درون خانه ها گریختند جمعیت تسلیم ضربه های نامریی میشد و آهسته عقب می نشست بین آنها و سربازان یك فضای چند متری ایجاد شده بود که با انبوه اجساد پربود برخی ازافتادگان بر می خاستند و با شتاب به سوی مردم میدویدند دیگران با زحمت بسیار خود را بلند میکردند و در پی خویش لکه های خونین بجا میگذاشتند.

باقیدارد







دداکتر لطیف ژباړه

د کارییبین سمندرګی اوسنی سیاسی او اقتصادی حالات

دوهمه برخه

ت . کله چی نوی پارلمانی انتخابات وشول پاتریک جان چی نه غوښتل ماتی ته غاړه کیږدی دی دواشنګټن دمرستی په هیله یی په انتخاباتو کی دبرخی اخیستو اعلان وکړ او په خپله انتخاباتی اعلامیه کی یی وویل چی په دومینیکا کی دی دامریکا تحت البحری اډه جوړه شی . دی موضوع یو ځل بیا دهیواد د خلکو داعتراضونو ښی راوپارولی.

همدا رنګه په یو بل نوی جوړ شوی جمهوریت کی چی پخوا هالیند مستعمره وه او دسورینام په نوم یادیږی سیاسی طوفان پیښ شو. د۱۹۸۰ کال په فبروری کی یوی ډلی سربازانو او افسرانو دهنګ آران حکومت دفساد او «غیر مسولانه سیاست» په اتهام چی د خلکو دژوندد شرایطو دخرابوالی سبب شوی وو راوپرزوه. یوه ملی ږوځی «شورایی جوړه شوه او چین ای بیین یی دصدر اعظم په توګه وټاکه.

دکیوبا دپرنسالاتینا خبری آژانس سره په مرکه کی چین ای بیین وویل چی دده حکومت غواړی چی د خلکو په مرسته او برخه اخیستو سره دهیواد ټولنیزه او اقتصادی پرمختیا چټکه کړی او په نړیوالو چارو کی به سورینام دداسی سیاست څخه پیروی وکړی چی د هغه دملی ګټو سره توافق ولری.

دواشنګټن ترشا دجبهی لیکه:

دکارییبین دسیمی د هیوادو خپلواکی، اکثرو برخه اخیستل ناپیلتوب په جنبش کی ، دامپریالیزم پرضد یووالی دپاره ددوی هڅی ، سوسیالیستی جهت ته د ځینو تګ اودکیوبا ددوی اړیکو زیاتوالی او پراختیا دواشنګټن ډیر رنځ او نا آرامی سبب شویدی . دامریکی متحدوایالاتو حاکمه محافل ددی انکشافاتو راتګ خپلو ګټو ته خطر بولی .

لویدیځ خبری مفسرین دکارییبین سیمه یوګرام ټکی دامریکی دمتحدو ایالاتو تودریم سرحد او دواشنګټن تر شاجبهی دلیکی په نامه یادوی.دامریکا حکومت هڅه کوی چی د خپلواکی بخښونکو جنبشونو په مقابل کی موانع ایجاد کړی. په عین زمان کی واشنګټن هیله لری چی دکارییبین دسیمی نوی خپلواک شوی هیوادونه دخپل تاثیر ساحی لاندی راولی .د ملت په نامه دنیوریاک یوه مجله لیکی چی دسیمی ماتی دکارییبین سیاست که څه هم ظاهرا ریفورمیستی جامه لری خو په واقعیت کی لاس وهونکی «مداخله ګرانه» او ضد انقلابی دی .

لدی ویری چی دنیکاراګوا دولسی انقلاب او بریالیتوب ګریناداد دیکتاتوری پرزوال به دکارییبین دسیمی پر حالاتو انقلابی تاثیر واچوی . دامریکی جمهور رئیس کارټر په تیرمنی کی دمرکزی امریکی اودکارییبین دسیمی ددوستو هیوادو ته داقتصادی مرستو زیاتوالی او دپوځی تجهیزاتو لیږلو امر ورکړ . تقریبا په همدی وخت کی دامریکی دجمهوریت دملی امنیت سلاکار دیو یادداشت په ترڅ کی په لویدیځه نیمه کره کی د کمونیستی ضد رژیمونو دټینګوالی غوښتنه وکړه.

په تیر کال کی دامریکی دمتحدو ایالاتو مرستی ددی سیمی ارتجاعی هیوادو ته د۱۹۷۶ کال په پرتله دوه واره زیاتی وی. پراختیا او بیاودانولو دپاره نړیوال بانک او نوروپانګوالو مالی سازمانونو دکارییبین دسیمی ارتجاعی دولتونه ستر پورونه ورکړل .پدی هیوادو کی بهرنی خصوصی پانګه اچونی هم مسخ پرزیاتیدو دی، دځینو بهرنیو منابعو په حواله دا پانګی تر دری میلیارده ډالروزیاتی دی. دامریکایی خصوصی پانګو دجلبلو دپاره سیمه ماهی دکارییبین په سیمه کی هر کال سوداګری او انکشاف په باره کی کنفرانسونه جوړوی چی وروستنی کنفرانس یی د۱۹۷۲ کال دنوامبر په میاشت کی جوړ شو چی په هغه کی ددی سیمی دهیوادو رسمی مامورینو اودامریکی متحدو ایالاتو سوداګرو برخه اخیستی وه. دلاتینی امریکی دمطبوعاتو په حواله متحدو یالاتو یوعالی رتبه مامور فیلیپ حبیب ددی هیوادو ددولتی دجلبولو په ترڅ کی هڅه وکړه چی دشوروی اوکیوبا له خوا دیو موهوم خطر په اختراع کولو سره دسیمی هیوادونه وبیروی د مفسرینو په نظر دامریکی دمتحدو ایالاتو ټولی هڅی پدی هکله عبث او بی ګټی ثابتی شوی .

دامریکی متحدو ایالاتو د هغو هیوادو پر ضد چی دبنیادی بدلونونو پرلاره روان دی په لوی بریدلاسوری کړی اودزور آزمولو تاکتیک څخه کار اخلی .

کله چی دګرینادا جمهوریت دواشنګټن دی غوښتنی ته چی دکیوبا سره اړیکی وشلوی رد ځواب ورکړ دامریکا مطبوعاتو او دسیمی ارتجاعی هیوادو په یوه لوی تبلیغاتی برید پیل وکړ .تردی اندازی چی دګرینادا پرشاوخوا یی دیو محافظوی دیوال جوړولو غوښتنه مینځ ته کړه .

په همدی وخت کی پراخوا لی حکمران ایریک ګیر دسی . آی. ای په مرسته پرګرینادا باندی د تیری لپاره دکیوبا دانقلابی ضدعناصرو، دچیلی فاشیستانو او نورو اوباشو اوارذالو څخه چی په امریکا کی یی ژوند کاوه داوطلبو اجیرو ډلو په جوړولو پیل وکړ. دا ډول هڅی دتیر کال دنوامبر په میاشت کی وشوی خود هغو کورنیو توطیو په شان چی دموریس بیشاپ دحکومت پرضد وشوی داهم دبنه مرغه شنډی شوی .دجون دمیاشتی په نولسمه دانقلابی ضد عناصرو له خوا یو بل جنایتکارانه او په وینو لړلی عمل وشو.

دګرینادا په مرکز سنت جورج کی دیوی عمومی مظاهری په وخت کی په هغه ځای کی چی موریس بیشاپ اونور دولتی رهبران ولاړو ددینامیټو یو بم وچاودید ، دبنه مرغه رهبرانو ته هیڅ زیان ونه رسیده مګر ځینی نور خلک مړه او ټپیان شول.موریس بیشاپ ددی ترور پسنی عمل ملامتیا دامریکی پرمتحدو ایالاتو واچوله.

دواشنګټن یو اخبار لیکی چی دکارټر اداری کینی خوا ته دجامائیکا دحکومت دسخت بدلون په نسبت دهغه پر ضد دتضییقاتو دوضع کولو کوښښ کړی دی.ددی کوښښ یوه نښه داوه چی دامریکا زراعتی مرستی په ډیره اندازه کمی شوی .

دامستردام نیوز په نامه یو اخبار دمی دمیاشتی په یوه ګڼه کی لیکی چی دامریکی دمتحدو ایالاتو دملی امنیت شورا دجامائیکا دصدر اعظم مانلی او دهغه دکابینی دپرزولو دپاره نوی پلانونه طرح کړی او دهغه هیواد دسیاسی حالاتو دخرابیدو او اقتصاد دخرابوالی دپاره هڅی کوی.

دامریکا متحده ایالات په ښکاره ډول دجامائیکا دمخالف کارګر ګوند څخه چی ټولنیزو او اقتصادی اصلاحاتو سره مخالف دی ملاتړ کوی.دجامائیکا ارتجاعیون چی دواشنګټن له خوا تشویقیږی هم په ورانکاره اعمالو بوخت دی. کوښښ کوی ارتجاع دوژنو او نورو جنایاتو په وسیله غواړی چی په هیواد کی حالات ګړکیچن کړی او دخلکو دملی ګوند په نسبت چی حکومت یی په لاس کی دی. نا باوری پیدا او داکتوبر دمیاشتی په انتخاباتو کی ورته ماتی ورکړی. د جون په میاشت کی امنیتی قواوو یوه کودتا کشف او شنډه کړه. پدی ارتباط صدر اعظم مایکل مانلی دخلکو څخه وغوښتل چی دجامائیکا دقانونی رژیم دساتلو دپاره سره یو موټی شی .

دامریکی متحده ایالاتو ددفاع وزارت «پنتاګون» پدی وروستیو وختو کی دکارییبین په سیمه کی په سختو پوځی هلوځلو لاس پوری کړیدی .د ویکس په ټاپو کی دامریکا یی راکټونو او توپونو آزمایښتونه کیږی، سمندری او هوایی جهازونه دبیلابیلو امریکایی سمندری او هوایی اډوڅخه د«قوی وښودلو» په مقصد په حرکت راوستل کیږی یوه مجله لیکی چی امریکا غواړی پدی سیمه کی خپلو پوځی فعالیتونو ته دوام ورکړی .

پاتی په ۴۸ مخ کی

اشعه های رنگارنگ بهمن

داکتر وترنر فضل الر حــــمن ((اظهر))

مسمومیت با کار بن دای آ کساید

مسمومیت باکار بن دای اوکسا ید درنتیجه میل ترکیبی زیاد این گازبا همو گلوبین خون صورت میگیــرد واقعات تسمم‌آن درفصل سرما زیاد متصور بوده و عواقب دلخرا شی را از خود بجا می گذارد .

مسمومیت با این گاز اتفا قی یا قصدی می‌باشد که اتفاقی‌آن ازسبب عدم توجه در امور منزل در حیــن سوختاندن زغال سنگ ، یا نیمــه روشن شدن ذغال چو ب استعمال انواع واقسا م گاز های مختلف‌جهت تنویر امور منزل، حریق ها، انفجا۔ رات، صنایع کوره های ذوب فلزات موتور های وسایل نقلیه ، سیلو ها سوخت پطرول دربخاری های نفتی وغیره می‌باشد .

علاوه از مسمو میت اتفاقـــی مسمو میــت هـــا ی جنایــی نیز وا قــع مــی شود و غا لب اوقـات قاتل ومقتول هردو باهم میمیر نـد ولی مسمو میت به منظور خود کشی خیلی ها شایع است خصو صـــا درممالك اروپایی (فرانسه)این نو ع خودکشی فوق العاده فراوان است و غالبا زنها بدان متوسل می شونـد.

کار بن دای اوکساید به علــت احتراق ناقص زغال ایجاد شده ودر اثر ترکیب شدن با همو گلو بیــن خون مرکب جدید بنا م کار بو کسس همو گلوبین به وجود می آید .

کار بوکسی همو گلو بین ازهوا سبکتر بوده وبه سرعت منتشرمی گردد .

عوارض ناشی از کار بن دای او۔ کساید به علت خفگی یامسمو میت به‌وجودمی‌آید . مرگ در سر حــد بین خفگی‌بامسمومیت در اثراختلال تنفس نسو ج رخ می دهد .

بخارا ت ناشی از احترا ق ناقص گازطبیعی یا گاز نفت ونفت سوخت ممکن‌است پنج‌در صد کار بن دای۔ اوکساید را دارا باشد .

احترا ق یك بخاری در هر دقیقه به‌اندازه یك فوت مکعب گازاکسیدو کاربن ایجاد می‌نماید وبدین ترتیب هوای اطاقی کوچکی رادر ظر ف‌چند دقیقه الوده وخطر نا ك می‌سازد .

دودی که از موتور ماشین موتر هاخار ج می‌شود حاوی ۳۔۷درصد کاربن می‌باشد.

یك موتر باسر عت یك میل در سا عــت دو صد فــو ت مکعــب گاز کاربن دای اوکساید به هـــوا تحویل می دهد .

جذب‌واثرات حاصله ازتسمم کار بن بستگی تام به تراکم آن ۔ مد ت تماس وچگونگی حالت فعالیت‌شخص دارد .

تماس باکار بن دای اوکسا ید تا هشت‌ساعت در صور تیکه ترا کم آن (۱.ر.) فیصد باشد کدام علایم‌از مسمومیت ایجاد نه می کند درصو۔ رتیکه اندازه تراکم کار بن(/۵.ر.) برسد بروز علایم نظیر سر درد و کوتاه نفسی ایجاد می‌گردداگر قدرت آن با این تراکم زیاد شود بیقراری افزایش تعر یق در قفس صــدری از دست دادن قوه قضاوت ،وبنفش شدن لب ها وپوست‌پدیدارمی‌گردد.

در زمانیکه تراکم آن به ۱۰ فیصد برسد از دست رفتن هوشیار ی ، نارسایی تنفسی ودر صور ت تما س بیشس ازیك ساعت مرگ به سراغ شخص مسموم می آید .

دوجه اشبا ع خون در ین‌صورت از کربو کسی همو گلوبین ۶۰۔۹۰ درصد است .

مرحله هجوم :

در غالب اوقا ت این مر حله‌دارا ی علایم زیر می باشد : احسا ســـس ناراحتی توام باگیج شدن سر،سر درد شدید وصدا کردن گوش ها ، کم شدن دید وشنوایی .

احساس گرمای شدید یابر عکس سرمای شدید ، حالت ضعف و بی حرکتی عضلات پدیدار می گـــردد شخص مسموم خطر را احسا ســـس می‌نماید (اگر خوابیده باشد سردرد و استفراق او را بیدار می کنــــد)

ولی قدر ت اینکه خودرا به پنجره ویا دروازه بر ساند وخود رانجا ت دهدندارد.

مراحل‌مسمو میت را میتوان چنیــن خلاصه‌کرد.

۱۔مرحلهٔ حمله یا مرحله اول:

که همو گلوبین خون ، کار بن‌دا ی۔ اوکسا ید را می گیرد .

۲ ۔ مر حله جذب متر قی : مرحله ایست که برای رسید ن او ج مسمو۔ میت بتدریج وآهسته کار بن جذب می‌شوند.

۳ ۔ مر حله تساوی : موقعی‌است که مسمو میت به‌سرحد رســیده و تساوی برقرار می گردد مرا حل‌فوق بواسطه یکتعداد عوامل ثا نو ی‌تغیر می نماید هر قدر غلظت کار بن‌زیاد شوند مسمو میت شد ید تــر مــی گردد واگر مقدار آن کمتر شــده برود . مسمو میت ازبین می روند . هر قدر حرکا ت تنفس شدید تربا شد زودتر خفگی حاصل خوا هــد۔ شد .

به طور مثال در پرندگا ن‌قناری چون زیاد تنفس می کند زود تــر خفه می‌شود درانسان هااطفال‌خورد بعلت سرعت تنفس زودتر از بالغ هاخفه می‌گردد.

سن ووضع مزاجی شخص نیــز رول دارد . اطفا ل وپیرا ن حسا س تراز دیگران هستند مبتلایا ن بـــه بیماری های قلبی وعرو قی ۔ کلیوی سیفلیس ۔ الگلیسم در مقا بل این

بقیه در صفحه ٤٩



غول ها و افعی‌های انحصارات‌جهان‌سرمایه داری غرب در حال رقابتو بلعیدن همدیگر !!!

اولین قمر مصنوعی چه وقت بفضا پر تاب شد؟

کوششهای شبا روزی دانشمندان نتایج گرانبهایی ببار آورد که مهمترین آنها باز شدن‌راه مسافرت بکرات دیگر می باشد .

قدم اول درین راه با ارسال قمر مصنوعی بر داشته شد و برای اولین بار در تاریخ ،در ساعت پنج و پنج دقیقه بعد از ظهر روز ١٤ اکتوبر١٩٥٧دانشمندان شوری‌اقدام به پرتاب یك قمر مصنوعی نمودند و در ساعت ٧ بعد از ظهر همان روز اجرای موفقیت آمیز آزما یش خود را ، اعلام داشتند . قمر مصنوعی اول که بنام اسپو تنیك اول نامیده شد . کروی شکل و از الیاژ المونیم ساخته شده .

بودو در آن چهار آنتن بزرگ نصب کرده بودند . وزن اسپوتنیك اول ٨٣ر٦ کیلو و قطر آن پنجاه و هشت سانتی متر بود و در هر شصت و نه دقیقه و چهار ثانیه یك بار بر دور زمین می گشت و ارتفاع متوسط آن از سطح زمین نهصد کیلو متر بود هنوز یکماه ، ازپرتاب اسپوتنیك اول نگذشته بود که خبر هیجان انگیزی درسراسر جهان انتشا ر یا فت و با ز دانشمندان شو ر و ی ا علا م کر دند که قمر مصنو عی د یگر را در مدار زمین قرار داده اند . این قمر که اسپو تنیك دوم نا مداشت در روز سوم نوامبر ١٩٥٧ به فضا فرستاده شد .

شکل آن استوانه یی طول آن ١٢ متر و قطر آن یك متر و پانزده سانتی متر و وزن آن ٥٠٨ر٣ کیلو بود با این اسپو تنیك اولین موجود زنده فرستاده شد این موجود سگ ماده ای بنام (گودری یا وکا) و از نژاد سگهای لایکا بود .

معاشر

قربانیان آب ناپاک و حفظ الصحه ناقص

اطفا ل به مقا یسهٔ کلان سا لان به مخا طرا ت در کمین نشستهٔ محیط بیشتر مسا عدند . آلود گی وسرا یت عفو نی در ا غلب کشور های رو به رشد جهان ضربا ت سنگینی بر پیکر زند گا نی نوجوا نا ن حوا له مینما ید وناداری ونا دانی این مصیبت را برای‌رو یا روئی اغلب این اطفا ل با این خطر دا ئمی در محیط شا ن و خیم تر میگر داند .

اطفال نیز ما نند سائر مردم نیازمندی ها ی او لیه دارند که عبارت ا ست از آب پاك ، غذای گوارا به قدر کا فی ، لباس کا فی ومسکن ، اقداما ت بهدا شتی ، مداوا ، خدمات تفریحی و آموزش .

اگر بر خی از این نیاز مند ی ها بر آورده نشود گو یا خو شی طفل نا د یده ه پندا شته شد ه ولی با طر فه رفتن از مهمتر ین آن زند گی به خطر می ا فتد چنانکه آب نا پاك و یا محیط کثیف از زمرهٔ خطرات عمده ازین‌نوع است ـ که حتی میتوا ند کشنده ه باشد . ازین رو باید برنامه های انکشا فملی متضمن این اطمینان با شد که اطفا ل‌از حما یت لا زم بهره‌می برند تا بد ینصورت به تند ر ستی رشد کنند و سر ما یهٔ خوبی با شند نه آنکه سزا وار احصا ئیه حزن آور مرگ و میر .

بر ا سا س اطلا عیکه از سازمان صحی جها ن پخش میشود هشتاد در صدو قا ئع بیما ری از آب‌ناپاك و حفظ الصحه نا قص بمیا ن می آید و در هر سا ل در حد و دپنج ملیو ن طفل از ین دو علت بدا مان خاك‌می شتا بند و اگر آب پا ك و محیط منزه را برای آنان میسر می ساختند رو بهمر فته همهٔ شا ن‌ازین بلاها ی عظیم دراما ن بودند که این خود بر اثبا ت در ستی اعلامیهٔ سالهای ١٩٨١ ـ ١٩٩٠ بحیث دههٔ تهیه آ ب مشرو ب صحی وحفظ الصحهٔ بین المللی بهتر ین گواه ا ست .

آب کثیف کو لرا ، تیفو ئیدو امراض ساری جگر را مو جب‌گردیده و همچنا ن زمینه را برا ی سائر انتا نا ت مسا عد میگر دا ند قلت آب و قصور در نظا فت شخصی بروز امرا ضی از قبیل گرگ زدگی ، تراخم و جذام را باعث میشود .

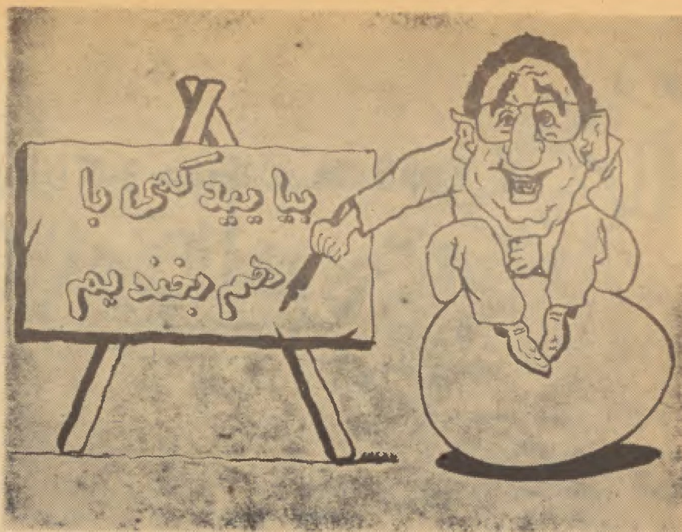
گر چه اطفال شهری و روستایی هر دو با این خطر رو برو هستند ولی این نظر و جود دارد که‌مهاجرین در کلبه ها ی مردم و یا در حوا لی شهر ها ئیکه در مد ت‌کوتا هی سا خته میشود به این خطر بیشتر موا جه می‌با شند .

شا ید غم انگیز ترین بخش این حالت نا گوار آ ن با شد که ا ز حداعظم این فلا کت و رنج میتوا ن جلو گیر ی کرد و طرق مو ثر تهیهٔ آب پا ك، بهتر سا ختن طرز دور کرد ن کثافا ت ، طرح خانه های‌ارزان قیمت ، واکسین کر د ن اطفال در برابر امرا ض و میسر ساختن زمینهٔ تعلیم برای وا لد ین واطفال نه تنها برای مردم سر زمین های پر از نعمت معلوم است بلکه همه آنرا میدا نند و لی تنها ا ز کشور ها ی جها ن بعضی هامنابع دارند و در پهلوی آ ن این‌ضرورت نیز و جود دارد که از منا بع دست داشته باید به وجه موثر تر به‌نفع اطفا ل محروم ا ستفاده شود .

نیاز مند ی به انکشا ف همه خدمات را اعم از آب و حفظ الصحه تغذی خوب ، مسکن خوب ، اقدامات بهدا شتی خوب ، مرا قبت از آلایش ، جلو گیری از امرا ض ساری، آموزش خو ب و آینده استخدام کاملا در بر می گیر د . ازآنجائیکه دانستنی‌هائیکه بتواند وضع‌ملیون هاطفل رابهبود بخشد مورد د ستر س ا ست از آنرواین مو ضوع به جها ن بستگی د ا ر د تا ارادهٔ استفاده از آنرا قبل ا ز آنکه‌نسل د یگر در ا ثر ا همال به‌شکست‌وفنا مواجه گردد دریابند



به این عکس خوب دقت نمایید ـشاید فکر کنید که انسانی با چهار دست و پا مگر اشتباه نکنید که‌اینطور نیست دو نفر هنر مندی هستند که بامهارت خا ص هنری‌مشغول اجرای رقص بالت میباشند.



اسکاتلندی زرنگ

در انگلستان ، به‌یك د ختر،ثروت هنگفتی به میراث رسیده بود واداره اسکا تلند ی ما مو ر یت‌پیدا کرد ن آ ن دختر را که نشانی او را نمیدا نست که ایـــن مژده‌را باو بد هد .... یك پو لیســی اسکا تلند ی ، مامور شد در لند ن‌جستجو کند و دختر را پیدا نماید ... او رفت و دوماه بعد به اداره‌بر گشت ... رئیس مربو ط که از این غیبت طو لا نی نا را حت شـده‌بود پر سید :

ـاین دو ما ه کجا بود ی ...بگولااقل مو فق شدی آن دختررا پیدا کنی.

مامور اسکا تلند ی جوا بداد:

بلی رئیس صا حب .

ـخو ب ... کجا ست ؟

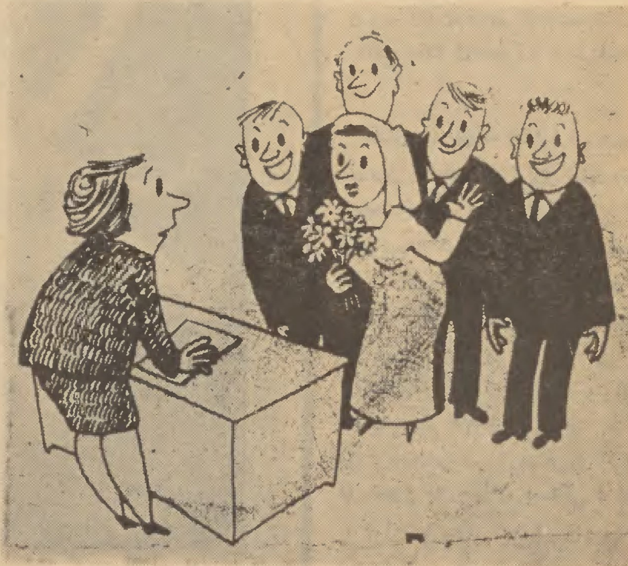
ـ آن دریك فروشگا ه کـــا رمیکرد

ـ حالا هم مشغول کاراست ؟

ـ نی رئیس .... د یگـــر کارنمیکند ...

اوه،... معذرت میخوا هـم ....یادم

وقتی بگویم ها که‌همان روز اول‌من او را پیدا کرد م وبا هـــم ازدواج کرد یم و در این مـــد ت‌به ماه عسل رفته بود یم قربا ن



درمحکمه ببخشین ـ همه آنهاخواستگار های من است. لطفا کمك کنید که کی‌را انتخاب‌کنم.

ده‌دقیقه‌مانده به‌ظهر

دو دیوانه در گوشه شفا خا نـه نشسته و با هم مشغو ل صحبـــت بود ند ...

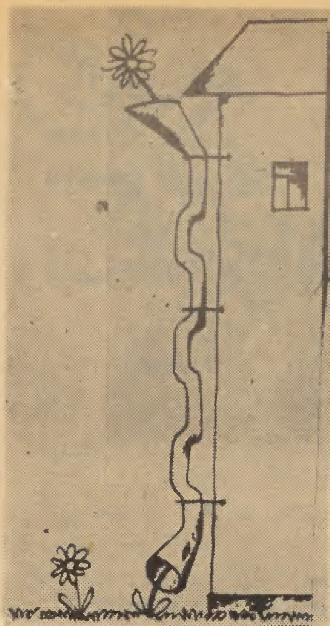
یکی از آنها نگا هی بسا عتش کرد با تعجب رو به د یگری کـرد و گفت :

ـبسیا ر عجیب است ..ساعتم رانگاه کنی ... عقر به ها ده دقیقه نیمه شب را نشا ن مید هند....در حالی که حالا ظهر است .

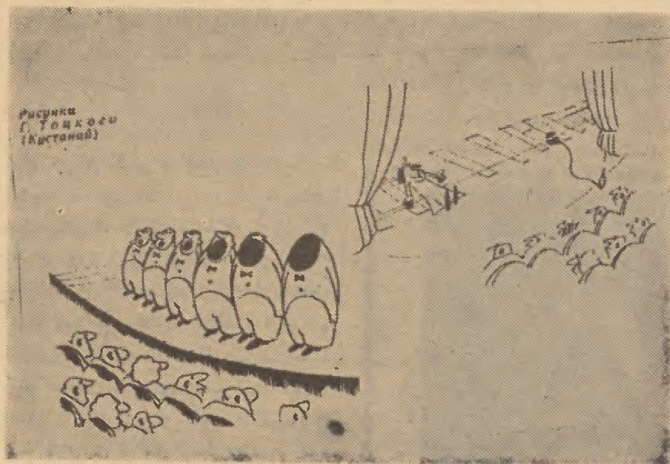
دیوا نه د یگری فکر ی کـــرد وگفت :

ـحتما سا عت تو دوازده‌ساعت پیش میرود ... بهتر ا ست آنـرا درست کنی.

و دیوا نـــه او لی سا عت را دوازده سا عت عقب آورد و بـــا رضا یت و خو شحا لی گفت حا لا درست شد ... ده د قیقه ما نده به‌ظهر .



بدون شرح



بدون شرح

چه‌نقص دارد

تازه نمایش شرو ع شده بود که‌آقاوخانم نفس زنان از راه رسیدندولی مامور کنترو ل سالو ن نگا هی به‌تکت های آنها انداخت و گفت :

ـ متاسفانه با این تکت ها نمـی‌توانید به سالون بروید .

ـ چرا عیب ونقص دارد ؟

ـ عیب ونقصی ندارد ، فقط ازدیشب‌است.

مرد به طر ف زنش برگشت وگفت :

ـ هزار دفعه برایت گفتم قدر ی‌بیشتر عجله کنی تابه موقع برسیم وتو گوش نگردی .

آخرین حرف

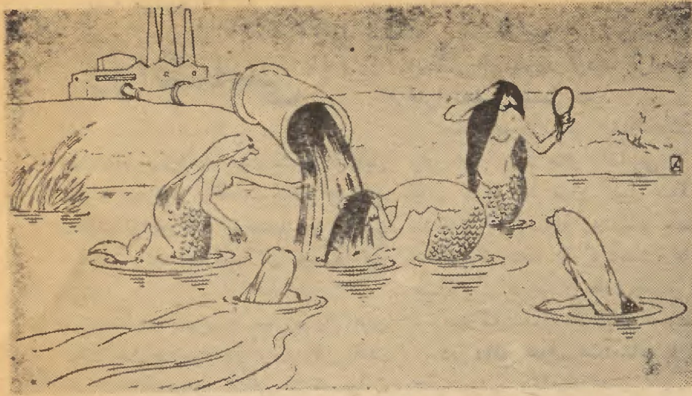


بدون شرح

عاشق دلخسته که از جفای دلداده به تنگ آمده بود بلا خره تصمیم آخر را گرفت وبا لحن جدی به دختر جوان گفت :

-عزیزم . این آخرین حرف من است اگر حاضر نشوی با من ازدواج کنی با یك گلو له مغزم را پاشان میکنم . دخترك که از شنیدن این حرف خوشش آمده بود خنده قشنگی کرد وگفت :

- بسیار دلم میخواهد چنین کاری رابکنی این کار جواب دندان شکنی به پدرم خواهد بود که چون اوفکر میکند تو اصلا مغز نداری .



بدون شرح

خبرنگار حاضر جواب

خبر نگار سراسیمه وارد اتاق مدیر خود شد وگفت :

- خاك به سر ماشد ، بدبختشدیم !

- چی شده ، چه اتفاقی افتاده‌است !

- چی می خواستن شود ، قاتلی‌که قراربود امروز ساعت چار بعداز ظهر اعدام شود ، حالا تخفیف گرفت .

- خوب چه اهمیتی داره ؟

- بسیار اهمیت دارد ، ما راپورتاژ کامل اعدام وی را در صفحه حوادث نوشتهو حالا زیر چاپ است

خوب باشد . آنقدر دستپاچه‌نشوهر کاری چاره ای داره .

برادر تو در صفحه اول بنویس‌قاتلی که قرار بود امروز اعدام شود تخفیف گرفت وبه حبس ابد محکوم‌شد . شرح ماجرا ی جالبی راکه در غیر اینصورت بر سر شمی آمددر صفحه حوادث بخوانید .

گفتگو ها

عکاس به مشتری : برادرعکست را چگونه بگیرم ؟

احمد : گفت مفت

* * *

اولی : می خواستم برایت خط بفرستیم ولی آدرست در ست تو به نزدمن نبود .

دومی : ساده است خو برایم خط نوشته آدرسم را از من می پرسیدی .

ارسالی حمید الدین

• • •

باغبان : و بچه بالای درخت بالا شدی .... چه می کنی .

بچه : هیچ یك سیب به زمین افتاده بود آنرا دوباره به در خت می گذارم .

بدون شرح

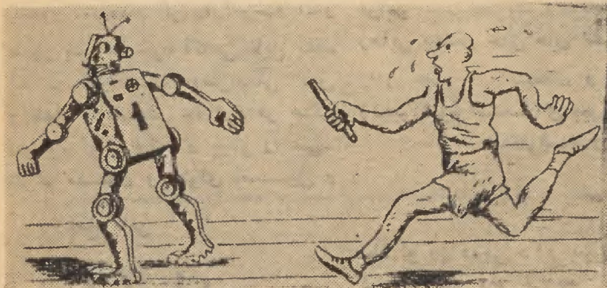
ارسالی : محمد یوسف

• • •

احمد : من خواب دیدم که باتو وعتیق هم سفر هستیم .

نسیم : دروغ نگو

احمد : از عتیق بپرس



بدون شرح



ای خدای بزرگ کاری کنی که‌تاوقتیکه پارچه را به پدرم میدهم که امضا کند عینك او درست نشود.



شوهرم سگرت‌راترك‌کرده- اما وقتیکه به منزل می‌آید دهنش باز می‌شود بگذار که‌دهنش را قایم‌بسته کنم تاازشرش چندساعت‌آرام‌باشم.

بقیه صفحه ۳۷

روانشناسی...

استعمار گررا به حیث سیما ی قابل توجیه بپذیرد بلکه مسا عی به‌خرچ دهدتا نژادورنگ پوست خودرا نیز همسان انسا ن متمد ن بورژوا یی بسازد .

استعمار کهن در سر زمین های تحت انقیاد خود در قارهٔ افر یقادر چوکات استعمارفرهنگی بو میا ن سیاه پوست راچنین القاء میکرد که گویا رنگ پوست سیاه مظهرحقار ت ونژاد پست بوده‌وبه‌منظور ایجاد تعادل وهما هنگی در منا سبا ت اجتماعی باسفید پوستا ن سیاه پو- ست باید باشیوه های مصنو عی در تغیر رنگ پوست وصا ف کرد ن موهای خود توجه به خر چ دهد تا شایستگی معاشر ت باسفید پوستان را حاصل نماید . که در اینصور ت جوان سیاه پوستی که به غر ض تحصیل وکار در کشور مادر بسر میبرد وهنوز به رشد خود آگا هی نایل نشده است تلاش ومسا عی‌اش دراین است که خویشتن را باسفید پوستان نه تنها در اخلاق و کلتور بلکه در رنگ پوست و تصو یر نژادی نیز هماهنگ سازد .

باری روانشنا سی استعماربیشتر از همه توسط متجدد ین وجوانا نیکه مدتی در کشور ما در بسر برده و احیانا تحصیلی فرا گر فته و زبا ن کشور استعمار گر را آموخته اندو هنوز بدر جهٔ خود آگاهی نایل نشده اند در باز گشت به‌وطن‌اصلی فعل وانفعال کرده بدر جهٔ اول فر هنگ ورسوم آبایی وتمد ن بومی را علی- الرغم مضمون ومحتوای اصیل و انسانی آن مورد تردید قرار داده و آنرا تحقیر مینما یند .

تحقیر هویت ملی وشخصیت‌بومی یکی از شیوه های اساسی و عمده رادر تاریخ استعمار کهن تشکیل‌می دهد که به وسیلهٔ روانشنا سی استعماری اعما ل گردیده وحا یز خسارا ت فراوا ن مادی‌ومعنو ی بر مردمان مستعمره گردیده است .

در واقع غول استعمار با شیوه های روانی وتکتیك های نامر یی احساس حقار ت گرایی وخود کوچك بینی رادر بین گروه های مستعمره رسوخ داده وتوانسته است مد ت‌ها به این مناطق حکو مت نماید وطغیان وجنبش های بر حق آنانرا مهار نماید ومنابع عظیم مواد خا م وپیدا وار معدنی وغیر معدنی وقوای‌انسانی این مناطق را تاراج‌نماید .

باید اذعان کرد که علی الر غم تلاش های زیر کانهٔ عما ل استعمار در پخش ذهنیت گرایش وتمایل توده‌ها به فرهنگ‌استعمارگرمبارزات ومجادلات وسیعی از طر ف رو شن فکران مستعمره در جهت آگا هی توده هابروضع مستعمرا تی وتوجیه راستین اصالت وحقا نیت ار زش های‌فرهنگی خود و تر دید فرهنگ استعمار ی بعمل آمده است که این پیکار های فر هنگی روشنفکران خود آگاه بر علیه استعمار فرهنگی وروانشناسی استعمار ی یکی از عوامل مهم تحریك وجنبش ها ی رهایی بخش خلق های تحت‌استعمار رادر حصو ل استقلال و شکستن زنجیر شوم استعمار ی معین میدارد.

عبدالرشید (رشید)

بقیه صفحه ۳۵

هنرمند پولندی...

نه‌ورزید ۰(هنر تصاویر روی تیاتر) برای‌بار اول بو سیله «آدم کلیان» طرح ریزی شد این‌نمایش به‌گونه‌ایست‌که فقط تصاویر روی ستیژ به نمایش می‌آید ووظیفه تمیثل وگویایی مطالب راصرف تمثیل ایفا میدارد. این‌تصاویر روی شیشه هارسامی گردیده بودند۰ تصاویر صحنه‌ها هیجان وتحرك وشور خاص ، بخاطر این هنر قشنگ و گویا در بیننده ایجاد کرد «کلیان» بعلاوه از ۰آندسته هنرمندانیست که تصاویر روی تیاتر را (بشکل موزیکال) آن‌پی ریزی کرد ۰ درین راه دشوار هنری «ارنست بریل» موزیسن پرآوازهٔ پولند نیزوی رایاری رسانید ۰ اینجا بودکه «موزیکال بریل»عرض اندام نمود ۰ بدینگونه «کلیان»تصاویر بسیار نمایش هاو صحنه های پولند ی را ترسیم می‌کرد ، با چنین ایجاد گری های هنری وچنین خلاقیت های چشمگیر هنری «کلیان» بطور عمیق در هنرمردم پولند راه‌یافت وبیقین که موفقترین هنرمند در رشته‌اش ازهمان آوان بحساب آمد ۰ هرچنداین هنر بشکل ابتدایی قبلا وجود داشت ولیکن «کلیان»سبك جدیدی رادرین راه گشود وکمال توجه را برای‌آوردن هنرمردمی بطور سطحی وکامل آن روی سن تیاتر تصویری ، بخرچ رسانید .

بایستی تصاویر بگونه ای روی ستیژ جان میگرفتند که‌به پای‌خودمی‌ایستادند واواز شاخه های باریك ، از چوکی هاو میز های مخصوص که خودش ساخته بود ، ازچوب هابرای برج ویامناره های تصویر شده نیز استفاده میبرد. خلاصه تصویر (کلیان) به همان تناسبیکه دلفریب و خوب مردمی تلقی گردیده ، دارای محتوای مترقی نیز میباشد۰ بزودی روی ستیژسیمون «یك هنرمند مردمی دیگر نیز درروی پرده تیاتر فعالیت های هنری اش را تبارز دادو با «ارنست بریل» اینبارنیز باسرودهای مردمی وشعرهای نابش درخدمت این دو قرار گرفت ۰



یك صحنه از تیاتر تصویری برای کودکان که به وسیله آدام کلیان کارگردانی شده .

تیاتر تصویری کودکان که «کلیان» ایجاد کرد چنان دلچسپ، متنوع‌وشادی آفرین برای کودکان واقع گردید که در آن یقینا زندگی کودکان انعکاس یافته بود. بدینگونه «کلیان» شامد پیروزی بدنبال پیروزی شد و سبك خاص وراه خاصی‌رایافت وآنرا گسترش‌بخشید تیاتر تصویری برای بزرگان وبرای خردسالان تیاتر تصویری راکه بیانگر زندگی پولندی ها است‌که‌دروارسا بمناسبت سی وپنجمین‌سالگرد خلق پولند به نمایش گذاشت وثابت ساخت که وی‌در صدد آنست تاهمه وقت عنعنات ملی وعادات مردم کشورش را تبارز دهد وبه تیاتر مردمی خویش مصدر خدمت شود ۰ بهمینگونه باپراگی ها یکجابا هنرمندان جمهوریت خلق پولند ،از پراگ مدال طلا دریافت داشت . کنون آدام کلیان یکی از عزیزترین تصاویر- گران تیاتر در پولند است .

د۴۳مخ پاتی

دکارا بین...

دقوا چی دفلوریدا په نو می ځای کی مر کزو نه لری دضرو رت‌پو خت کی دسیمی دهر خپلوا کهیوادپرضد استعما لیدای شی .

دکیو با سوا حلو ته نږ دی فتنه- اچوونکی او تحر یك آمیز. ما نو ری به‌وار وار لید ل شوی دی . دا ډول مانوری او تمر ینو نه دتیراکتوبسر اودتیر کال دمی په میاشت کی وشوی . دیاد لو وړ ده‌چی دکار یبین به‌سیمه کی دامر یکی دپو ځی فعا لیتو نو سره یوځای په نړ یوا له سویه‌هم‌د کړکیچ زیاتوالی او ر ته‌لمنی وهل شویده . دلته وا شنګتن دخلکو پرګتو ستر ګی پټوی اودقوی په وسیله غوا ړی چی‌خپل لږ زید لی‌او دلاسه وتلی موا ضع اودر یځو نه بیاتهینګ کړی .

بقیه صفحه ۳۶

بازتاب واقعیت

خویش را نباید بیهوده و رایگان از دست بدهیم و از آن در راه خیر و مفاد خود و جا معه و مردم خود استفاده بعمل آوریم و نگذاریم این گوهر ذیقیمت از دست برود .

و یادر میان مردم‌ما رواج داردکه میگویند: «نکو کردن از پر کردن است» اگر بدین ضرب المثل متوجه شویم می بینیم که مارا به کار و عمل بیشتر وا می دارد و می آموزد که هر قدر بیشتر کار صورت بگیرد بهمان اندازه نتایج و ثمرات بهتر و خوبتر به بار می آورد .

بهمین تر تیب اگر هر کدامی از گفته ها و ضرب المثل های عامیانه مردم خویش را که از میان توده ها بر خاسته اند و در میان آن ها رایج گردیده اند تحلیل و بر رسی نماییم بوضاحت در می یابیم که هر یك از آن ها خالی از محتوای بسیار عالی و سود مندی نبوده حکایتگر بهترین مفاهیم و معانی اند و واقعیت های بزرگی از زنده گی روز مرهٔ ما را انعکاس می دهند .

بقیه صفحه ۳۹

جوانان وروابط...

گفتم : دیروز دختر تان با من در بارهٔ آینده صحبت کرد و چنین معلوم شد که او نمی‌خواهد بامن ازدواج کند و راضی به این وصلت نیست بنا نزد شما آمدم تا ببینم نظر شما در این باره چیست ؟

آنها حرف های گفتند و صحبت های کردند که من قبلا پیشبینی نموده بودم دیگر نخواستم که بیشتر از این مزاحمت نمایم گفتم پس اینطور که تصمیم گرفته اید من هم زیاد اسرار نمیکنم ولی این حرکت شما دور از انصاف وعدالت است این را گفتم و از منزل آنها بر آمدم ، مدتی سرگردان این طرف و آن‌طرف رفتم نمیتوانستم که خونسردی خود را حفظ نمایم .

شب شد و بالاخره به خانه رفتم ، پدرو مادرم انتظار مرا می کشیدند زیرا بعضی کار های بود که باید من آن را انجام میدادم آن ها بر من قهر شدند که وقت ازدواج تو نزدیک است وتو بدون اینکه کوچکترین احساس مسئوولیتی در این مورد نمایی تا این وقت شب بیرون میباشی . این حرف های

پدرم بیشترباعث ناراحتی و ازیت خاطرم میگردید ، تا اینکه از وضع ظاهرم دانستند که موضوعی پیش شده است ، سکوت زود گذری حکمفرما شد، پدرم این سکوت را شکستاند و گفت : چه شده احمد ،چرا اینقدر پریشان‌هستی، آیا مریض هستی ، آیا برای مریم نامزدت کدام حادثه اتفاق‌افتاده است ؟

جواب سوال پدرام را ندادم به گذشته های نه چندان دور که من و مریم برای یندیمان نقشه ها میکشدیم، فکر می کردم . ناگهان صدای پدرم بلند شد که احمد ترا چه میشود چرا جواب نمیدهی ، دیدم سکوت فایده ندارد با کلمات فشرده وبا آواز نسبتا پست گفتم پدر، دیگر همه چیز تمام شد . آنها سکوت کردند از حرف هایم چیزی ندا- ستند ، باز هم برایشان گفتم و تمام موضوع را تاکه میان من

ومریم و پدر و مادر مریم گذشته بود برای شان نقل کردم ،نا- گهان پدرم عصبانی شد و گفت که این‌حرف‌هاچه معنی دارد ،چرا با عزت و شخصیت ما می خواهند بازی نمایند ، اگر دلشان نبود که دختر شان را برایت بدهند از اول نمی دادند و نامزد نمیشدی و ... به پدرم گفتم که عصبانی نشوید ، گناه پدرو مادر مریم نیست ، این خود مریم است که چنین تصمیم گرفته ، و وقتی‌دختری خود نخواهد که با مردی ازدواج نماید دیگر لازم نیست که روی آن پا فشاری نماید . ما گذشتیم واز این گذشت تقریبا سه ماه میگذرد ، مریم با جوانی دیگری که تازه از اروپا برگشته است و جوان پولداری است نامزد شده است .

خوب خوانند گان ارجمند شما در این باره قضاوت کنید و بی طرفانه این موضوع را ارزیابی نمائید تا باشد که سر گذشت ما درسی باشد برای جوانانیکه درآینده می خواهند زندگی مشتر- کی بسازند .

بقیه‌صفحه ۱۰

نقش پیامدهای..

انقلابی در افغانستان برگشت‌ناپذیر است درکنار زحمتکشان افغانستان وحکومت افغانستان پشتیبانی و همبستگی اتحاد جماهیر شوروی

سوسیالیستی ونیرو های مترقی سراسر جهان قراردارد ،ما قاطعانه در موضع حفظ‌منافع امنیتی هر دو کشورقرار داریم وما موریت‌انتر - ناسیو نالیستی خود را در برابر

مردم افغانستان وحکومت افغا - نستان که‌توسط‌رفیق ببرک‌کارمل رهبری میشود در مطابقت کامل با معاهده افغان‌شوروی ومنشور ساز مان ملل متحد انجام خواهیم داد.)

گفته فوق باصراحت نشان می دهدکه اتحاد شوروی دوست وفادار جمهوری دموکراتیک افغانستان بوده‌وهمانطور یکه در کلیه زمینه‌ها تا هنوز از هیچگونه کمک های دوستانه وبی شایبه دریغ‌نکرده، بعد از این نیز این اتحاد شوروی خواهد بود که درپیشاپیش تمام دوستان بین المللی ماو بیشتر از همه‌در امر دفاع از حاکمیت ملی، تمامیت ارضی واستقلال ملی و همچنان از دست آورد های عظیم انقلاب ثور وبخصوص مرحله نوین تکاملی آن سهم قاطع وفعال گرفته ودر راه اعمار یک جامعه‌نوین وعادلانه در افغانستان کمکهای مختلف اقتصادی،کلتوری ،علمی نظامی ،تخنیکی وتجارتی خود را توسعه خواهد بخشید. مردمان آزاده وحق شناس کشور ماحق دارند به چنین دوست وهمسایه نیک وبزرگ شمالی خویش‌ببالند وبر آن سپاس‌نهند ،لیونید ایلیچ بریژنف خود چنین فرموده اند :
((افغانستان درمبارزه بخاطر جامعه نوین در امر دفاع از دست‌آوردهای انقلاب خود بعد از این نیز میتوانند بر پشتیبانی مردم شوروی اتکا داشته باشند .))

دوستی اتحاد شوروی با مردم افغانستان ،اکنون سوابق مهم تار- یخی داشته ودر روند تکاملی‌انقلاب پیوسته توسعه وتعمیق می یابد. هیچگونه تبلیغات‌وجعلیات دشمنان جمهوری دموکراتیک افغانستان واتحاد شوروی قادر نخواهند بود که‌به این دوستی خدشه وارد آورد. اراده‌خلقهای هر دو کشوردیگر جو- شش شگرف وتاریخی یافته است. علی الرغم تلاشهای مذبوحانه و تقلاهای، فاقد نتیجه دشمنان دوستی افغان ـ شوروی مناسبات بین احزاب مردمان ودول هر دو کشور بیشس از هر وقت دیگر تقویت‌یافته وهنوز باب های نوینی در زمینه گشوده‌شده است .

در طی گزارش مفصلی که‌ببرک‌کار- مل، بویژه در ارتباط پیامد های سفر خویش‌به اتحاد شوروی‌ارائه داشته اند نظیر اینگونه موافقه ها و دادن وعده های کمک‌از طرف‌اتحاد شوروی به افغانستان زیاد منعکس شده است که جمع بندی‌و تذکارآن سخن رابدرازا می‌کشد لذا باید اذعان که اتحاد شوروی‌واقعادوست نزد یک،وفادار ،پایدار وبی‌شایبه مردمان افغانستان بوده وروابط دوستی بین احزاب ودول هر دو کشور که در نتیجه پیروزی انقلاب ثور ایجاد وتوسعه یافته است ، این دوستی رابازهم انکشاف سریع گسترده وفزاینده خواهد بخشید.

بقیه‌صفحه ٤٤

مسمومیت باکاربن

مسمومیت مقاومتی ندارند . راه

نجات مسمومین :

هر قدر تداوی زود تر شروع شود چانس بهتر شدن زیاد است .

درمان اولیه :

لازم است به مجرد اشتباه به مسمومیت مریض فوری به شفاخانه انتقال داده شود یخن مریض راباز نموده ولباس های زیاد را از جان مسموم بدر آورند .

مریض در جای مناسبی خوابانیده شود به شخص مسموم شده تنفس مصنوعی داده شود .

ازجمله درمان های کمکی :تحریك میخانیکی مرکز تنفس اجرا گردد از دواهای مانند کامفر ـ کورامین ادرنالین ، اپی درین ،کافین ،سپار تین لوبولین، نووکاین، یاپاو رین‌و غیره ادویه ها مطابق وضع مزاجی مریض‌داکترها‌به‌اندازه‌معین آن درین مورد استعمال می‌کند.

نتیجه این همه گفتار این است که از ابتدا سعی وکوشش شودکه وسایل که در آن ذغال روشن‌میشوند به‌صورت منظم ودرست بازرسی گرددتاکدام‌دریچه و جای که‌از آن دودبیرون شوند درآن نباشد و اگر خدای ناخواسته واقعه رخ داد هرچه زودتر مریض ابتدا به هوای آزاد کشیده وبعدا هر چه زود تربه شفاخانه انتقال داده شوند هر چه ویاداکتر به بالین مریض آورده‌شوند

بقیه‌صفحه ۱۵

عصر طلایی

یکی از متفکران احصائیوی گفته است که: «معلومات احصائیوی ازیکطرف برای رهنمایی خط مش موسسات خصوصی و دولتی وتنویر کننده گان موسسات اقتصادی، تجارتی وتولیدی بخصوص جهت استفاده روسای کشور هاییش ازپیش مطلوب ودلخواه افتیده وازجانب دیگر از نظر تبلیغات و اشتهارات، کشورهای جهان به این امر منهمك شدند تا احصائیه های دقیقی از کلیه مظاهراجتماعی و اقتصادی دابرای ارائه و توضیح نیرو های گوناگون خویش بدسترس داشته و آنها رابه همه مردم بنمایانند» .

در سال ۱۹۳٦ «جان میناردکینز» اقتصاددان کتاب معروف خود را تحت عنوان (تیوری عمومی اشتغال ـ نفع و پول» به چاپ رسانید که استدلال وی با روش های آماری، فیصدی هاو ارائه سنجشها ی رقمی محتوای اثر مولفه‌اش را نظم و انسجام داده است .

در سال ۱۹٤۸(پی ساموئلسن) استاد انستیتوت تکنالوژی ما سا چوست (که جایزه نوبل ۱۹۷۱ در رشته اقتصاد به او داده شد) محصول افکار و اندیشها ی ژرفش‌را بنام «اساس تجزیه و تحلیل اقتصادی» و سپس چاپ اول کتاب معروف خود (اقتصاد) رادر دو جلد منتشر کردو احصائیه وآمار را اساس پلانگذاریهای علمی و جزو لاینتجزای مباحث علم اقتصاد خوانده .همدر آنوقت «سایمون کوزنتز» نخستین نتایج تحقیقات علمی خودرا که اساس حسابداری های ملی شد، عرضه داشت .

در سال ۱۹۵۳(میلتن فرید من) یك سلسله مقالات تحقیقی بی‌رادر باره (اقتصاد مثبت)منتشر کردوباکار برد معادلات‌ریاضی وآمار، مسایل اقتصادی را بنحو مطلوبی تحلیل کرد و اعدادوآمار رابحیث نقطه‌اتکایی تحلیل وتجزیه مباحث خویش قرار داد .

جان هیکس در سال ۱۹۷۳ و قبل از آن کتاب های تازه رادر زمینه ارتباط تکامل‌بنیاد های صنعتی کشور های پیشرفته وپدیده‌های انتقال و سرایت بیکاری و تور م به همه نقاط جهان نوشته است که مندر جات آن براصول آمار وار قام مستند واسا سها ی تجزیه وتحلیل علمی، بیشتر متکی می‌باشد چنانچه آخرین کتاب او تحت عنوان «سرمایه وزمان » درسال ۱۹۷۳ به چاپ رسید.

بدینترتیب میبینیم که در قبال فزونی و انتشار پیهم کتب و نشرا ت آماری به مرور زمان موسسات ملی ، دولتی و بین المللی

صفحه ۵۰

احصائیوی بحیث دستگاه های فعال علمی و تحقیقی تاسیس گردید وآثار علمی‌احصائیوی ونشرات تحقیقی آماری ، مجلات ، سالنامه‌ها پامفلتها و انواع اوراق معلوما تی ،یکی‌پی دیگر در رشته‌های مختلف خدمات‌نشراتی‌خود را از سر گرفتند .

بعداز جنگ عمومی اول و دوم که نشرات جامعه ملل سابق بحیث ارگان بین المللی طور منسجمر و بهتری بدسترس اهل‌تحقیق وهواخواهان دانش و بصیرت گذارده شد. توسط آن خواست های محققان ومتتبعان و اهل بینش با ارائه مواد و محتوای ارزنده‌و ثمر بخش بوجه نیکویی تامین و مرفـــوع گردید .

بعقیده محققان آماری ، جنگ بین المللی دوم (۱۹۳۹ـ۱۹٤۵) ارزش اطلاعات‌احصائیوی ومعلومات آماری رابیش ا زآنچه که تصورمی شد فزونتر ساخت و در خلال این نبـــرد جهانسوز و با پایان روز های مشئوم آن، نشرات احصائیوی بشکل روز افـزون آن بیشتر تعمیم یافت. چنانچه بعداز سال۱۹٤۷ انواع فعالیت های اقتصادی و احصائیوی و تهیه نشرات آماری‌در راه معرفی روشهـــای مختلف احصائیوی وتفهیم مفاهیم علمی‌واصلی آن نـقش مـوثـر تـری را بـازی کـرد و تهیه انواع ارقام آماری در بخش‌های‌مختلف حیا تی تا کیـــد گـــرد ید بطور یکـــه موسسه ملل متحد ، بدوام فعالیت های جامعه ملل سابق ،در حصه جمع آوری احصائیه‌ها طبع و نشر آثار ، کتب و نشرات موقوت‌و غیر موقوت اقتصادی و احصائیوی بیشتـــر انعطاف توجه و بذل مساعی کرد و با تقدیم آثار گوناگون‌وارزشمند اقتصادی واحصائیوی اطلاعات موثق ، جامع‌وکاملی را مهیا ومنتشر ساخت .

بطور مثال : اداره نشرات ملل متحد در ۱۹۷٦ یك فهرست موثق‌انواع نشرات‌موقوته وغیر موقوته آن سازمان راکه محتوای (٤٦) صفحه می باشد با برخی مشخصات و قیمت های‌آن غرض معلومات منابع علمی، مراجـع تحقیقی وسایر علاقمندان با کتگوری های آن به‌نشر رسانیده است ، نشرات مذکور یـا مستقیما از طریق اداره نشرات ملل متـحد واقع نیویارك ،شعبه اختصاصی آن واقـع جینوا (سویس) ویا از طرف نمایندگی های اختصاصی و تخنیکی موسسهٔ مذکوربه نشر میرسد که محتوای آن‌ازهر نگاه قابل استفادهٔ معنوی می باشد .

محتوای نشرات آماری ایکه فعلا از طرف موسسه ملل متحد و ارگانهای آن به صورت موقوت‌و غیر موقوت انتشار می یابددر بارهٔ مسایل و موضوعا ت ذیل متکی می‌باشد : موضو عات عمومی ،اقتصادی،انکشاف اقتصادی اقتصاد جهانی- مالیه، تجارت و سایر امور تجاری ـاقتصاد اروپا، آسیا ،افریقا وامریکای لاتین ـ اداره عامه ـ مسایل اجتماعی ـحقوق بین الدول- امور سیاسی و شورای امنیت- مواصلات و مخابرا ت- نیروی اتمی- ادارهٔ بین المللی ـادویه‌مخدره-دیمو گرافی‌ونفوس حقوق بشر ـمسایل مالیه عامه ـاحصائیه‌های بین المللی و غیره کلیه نشریه های متذکره ارقام ـاحصائیه ها، جداول، گرافها و چارت های را محتوی است که هرنسخه وهر صفحه آن بیانگر یك سلسله حقایق پذیرنده و روشنگر ارقام تازه بتازه مربوط برویدادهاو جریانات روز مره ،ماهانه و سالیانه می‌باشد علاو تا ادارهٔ نشرات ملل متحدراپور هـای مطالعاتی مربوط به سیمینار ها ،کنفرانس‌هاو سمپوزیم ها ، ورکشاپ ها و دیگر پروگرام هـــا ی تحقیقـــی مـــر بـــو ط به کشور های عضو آن ســا زمـا ن را از قـــا ره های مختلف جهان به نشرمیرساند وبرذخایر آرشیف وریفرنس معلومات جهانی میافزید. درجمله نشرات مذکور بعضا اسناد مطبوع معلوماتی نیز شامل می باشد که مربوط بـه دوره های مختلف ملی، منطقوی وبین‌المللی است، مانند نشرات احصائیوی مربوط بـه حوزه آسیا وشرق دور، آسیا وپاسفیك نیز درآن‌ردیف به ملاحظه میرسد. تا جاییکـه تدقیق شده است این نشرات بر علاوه راپور های مطالعاتی بولتن‌ها،مجلات ماهانه، دوماهه سا لنا مـــه ها و کتب مولفه ا ز شـــا مل است که برای جمع آوری‌موادوتنظیم محتوای هرکدام کمیته هاوکمیسیونهای متجرب‌ومتبحر ووارد موضوع کار می کنند و عصاره هـای حاصلهٔ کار شانرا بشکل علمی و فنی بـه منصه طبع ونشر قرار میدهند. در جملـه نشرات موقوتهٔ اداره نشریات ملل متحدبحیث دســت آورد منظـم و مسلسل ، نشریه های آتی بیشتر قابل توجه و مورد استفاده قرار دارد و در فهرست مرتبه ومدونه جای مخصوصی را احراز کرده است .

بقیه صفحه ۱۷

مسابقات فتبال

شد که سر انجام این رقابت های جهانی روز شنبه بود.که درنتیجه نهایی جهره های قهرمان نمایشات جوره یی انفرادی دختران و پسران معرفی شدند در ختم مسا بقـــات نهایی همان بود (ایرینا رود نتیـا و الکساندر زایدیف) زوج‌خوشبخت این ورزش جهان که آنها از شهرت و محبوبیت زیاد در اتحاد شوروی و جهان بر خوردارهستند بعـد از کسب آخرین افتخار قهر مانی شان با جها ن ورزش سکی روی یـخ وداع کردند . ایرینـــا رود نینـا خانم الکساندر زایدیف ده بـــا ر لقب قهرمانی را در ین‌ورزش‌داشت وعـلاوه بـر دا شته هـا ی عظیم با ارزش ترین مدا ل خدما ت‌اجتماعـ عی رادر برابر مردمان کشو ر ش اتحاد شوروی که بنا م مدال لنین یاد میگر دد نیز نصیب شده است این دو زن و شوهر قهرما ن و محبو ب ورزش دو ستا ن اورو با وجها ن مخصو صا مردما ن ا تحاد شوروی باختم مسابقات سکی ر وی یخ ۱۹۸۰ با جها ن ورزش نیـــز وداع نمود ند .

ایرینا رودنینا در جواب پرسش یکی از خبر نگا را ن را جع بـــه خو ش ترین لحظا ت عمر-ا ش‌گفت در دورا ن حیا ت ورزشی خـــود خا طرا ت بیشما ری از خو شی و مسر ت دارم که با ارزش تر یـن خو شی ام زمانی میبود که بیر ق ما با سرود ملی اتحاد شورو ی در پا یان مسا بقا تیکه بر ندهٔ‌اول‌میشدم به‌اهتزاز درمی آمد میبا شد. باور کنیدکه از خوشی زیا دگاه‌گاهـــی گیریه ام‌میگرفت .

***

پنـگ پـــا نگ بـــا ز ان افغا نی به ا ساس قـــر ا ر داد کلتوری افغا ن و شوروی‌برای‌انجام یکسلسله مسابقات دو ستا نه‌عا زم یکی از جمهوریت های‌آنکشورشدند هیأت مدت دوهفته اقـامت دا شته طی این مد ت یکسلسله مسا بقا ت دوستانه راباورزشکاران ا تحـا د شوروی انجام دادند .

در ین هیا ت ورزشی‌افغانی‌چهار دختر پنگ بانگ بازو چهار جـوان عضو یت دا شتند .

آی‌خانم...

شمالی سیردریا یابه اصطلاح «ترانسور اوکسیانا» بودند وعده، هم اهالی بومی باختر . زیرا بعضی ساختمانهای اضافی ایکه‌شباهت به ساختمانهای اولی وقدیمی آی‌خانم ندارد ، ابتدایی بوده‌و مجرد بردن هنر معماری وکلتوری‌اولیه این‌مردمان رانشان میدهد.

قاب‌بسیار معروف نقره‌یی که روی آن توسط طلا ملمع شده‌شکل تقریبا دایروی راداشته وفکرمیشود که‌در بین‌یکی‌ازاتاقهای اشخاص متمول‌ومتنفذ شهرو در عین حال وابسته‌به معتقدات‌طریقه های‌یونانی بوده‌ودر دیوار این‌قاب آوایزان‌میشد. وقتی درمحتویات این قاب باستانی دقیقا نظراندازی نماییم‌خواهیم دید که صحنه راهنرمند باختری، طوری نقشس این قاب‌نمود هکه نماینگر معتقدات وکلتور قدیم باختربوده‌و هنرمند صورت ربه‌النوع رادر حالت‌سوار با لای‌گادی که‌توسط دو شیر کشانیده‌میشود نمایشی داده ارباب النواع دیگری مانند سوریا هلیوس وماو(مهتاب) که‌دروا قع شکل نیمه تنه‌انسان را دارد واطراف آن اشعه آفتاب می باشد، بخوبی ملاحظه میشود این ربه‌النوع‌دروا قعیت امر برای‌مراسم قربانی بطرف قربانگاه میرود گادی دوشیر روی سنگلاخ های که نمایندگی از صخره هاوکوهپاره های آی‌خانم مینماید تمثیل گردیده‌است.

همچنان مجسمه سنگی که از جمنازیوم شهر باستانی آی خانم بدست آمده است ازنظر ظواهر هنری‌وقتی مطالعه میشود ما را یادی بر همان فیلسوفان وصاحبنظران قدیم یونان می‌اندازد که بایالان کاملاعالمانه وانسان متفکر وفلسفی میبوده ودر اکثرازساحات مکشوفه یونان چنین مجسمه های‌بدست آمده‌است. درآی خانم این مجسمه به‌افتخارهرمیز توسط هنرمند محل ساخته شده‌ودر قطار سایر مجسمه های مانند هراکلس، ایروزس وغیره‌را درجمناز یوم‌آی خانم بازنموده‌است. بازی های‌که در جمنازیوم‌آی‌خانم صورت میگرفته شکل بازی های عنعنوی قدیم‌یونان ویونانو باختر راداشته وساختمانها طوری تنظیم شده است که بعد از ختم بازی ها برای از بین بردن کلیه‌خستگی های وجود ورزشکاران در این جمنازیوم حوض آبی ساخته شده بودکه فرش‌یا بستر آن توسط سنگ دریایی بصورت منظم وغیر منظم سنگ‌کاری شده واز ابتداتاانتها یعنی عمیق ترین قسمت این حوض آببازی که‌بحالت نورمال وطبیعی آن‌ساخته شده بود چنین‌سنگ‌کاری به نظر میرسد .ومیتوان گفت که چون سطح اراضی شهر آی خانم به‌ارتفاع بیشس از چهل الی‌هشتاد مترحد متوسط ازدریای آموو کوکچه بلنداست ونمیتوان از سمت‌چپ‌روی اراضی راازدریا های مذکورآبیاری کردلابد ازسمت شمال شرقی کم‌عرض آب‌داخل این حوض وسایر قسمت ها بخصوص توسط بلورهای تیکری داخل قصر میشد.

چنانچه میتوان گفت که نظیر این بلورها راتا کنون سفالی گران‌برای چنین مواردی به حیث صنعت میرات رسیده استفاده میکنند ،همچنان قسمیکه قبلا گفتیم آی خانم درواقع شهر اشراف‌واعیان‌یونانیان و باختریان بشمار میرفت .

روی همرفته اهالی وطبقات‌پایین جامعه روی سیستم طبقاتی وبشیوه های‌مروج‌آنزمان‌خارج از شهر بفاصله های مختلف مسکن گزین بودند چنانچه در نواحی این شهر بتعداد بیشس ازدو صد تپه های،باستانی تحت سروی ومطالعه قرار گرفت که‌در آن‌علایم‌وممیزات ساختمانی‌دوره یونانو باختری‌کشف گردید والبته در دور ترین نقاطحتی تاقسمتهای دراپا سکا یا کندز که‌در واقع‌محل دومی بودوباش یونانیان بشمول ساحات بلخ کنونی بود، چنین سیستم‌را میتوان ملاحظه‌کرد.

ادامه دارد .

خوشحال او...

دخوشحال او پوشکین ترمینځ‌دژوندانه اوادب په ډگر کی ډیره ورته والی شته چی دشعر اوادب په‌برخه کی‌داسی گډو جوهات لری‌چی جلاکول یی گران بریښی‌اودشکنیا تو له بیلوا لی سره‌سره دیوه‌هدف دبری له‌پاره هلی‌ځلی‌کوی.ددی خبری دثبوت‌له‌پاره دخوشحال اوپوشکین دشعر و نو یو څپر کی وړاندی کوو .

خوشحال لیکلی دی :

وخت داور ننگ شاه دی د هر چاتسپی په‌لاس دی
خدای‌ځینی خبر دی په اخلاص که‌په‌لباس دی
ددی دور شیخان ډیر دی لور په‌لور
اور ننگ زیب پاچا دوا ړو دی‌انځور
په‌هغی چاړه قلم ساز کا قرآن کی
په هغی چاړه شهر ك پری کادورور
په‌رکوع کی تسبیحات د پلار د مرگ کا
په سجود کی زوروی خپله مشره‌خور

پوشکین هم لیکلی دی :

نیم سر دار نیم سوداگر
نیم رزیل او نیم بشر
ازیلتوب ته یی‌امید دی
چی پوره به شی اختر

وگوری چی په پورتنی څپر کی دخوشحال او پوشکین ترمینځ دومره نیږدی والی اوور ته والی‌شته‌چی‌ته‌بیوایی دا دیوه‌شاعر آثاردی‌خوتوپیر‌یه دی کی دی‌چی د مطالب د بیانو لو دشکل په جلاوا لی‌سره سره یی‌هدف‌اومحتوی‌یودی.

خوشحال او پوشکین دژوندانه‌ترپایه پوری په‌خپل هودپاتی‌شول او خپله ژمنه یی لکه څنگه چی کړی‌وه‌ترسره کړله اودمرگی ترکومی پوری یی‌د خپلو سپیڅلو هدفو نوبرپاللیتوب اود بند یزونو دله مینځه وړلو له‌پاره پر له پسی او زړوری مبارزی وکړی نوځکه دراتلونکو نسلونو ددر ناوی احترام وړ وگرځیدل .هغه توره چی یی تر ملاکړی وه هیڅکله یی ددښمن په‌وړاندی کی نښود له او خپل داهوړ:

دافغان په ننگ می وتړله توره ننگیالی دزمانی خوشحال‌خټک‌یم

یی ترمړینی پوری ژوندی وساته‌اوخپل سترارمان یی له ځانه سره یوځای‌تورو خاورو ته یووړاو په ۱٦۸۹ع کال دفبروری په شلمه یی‌د پردیسی په حال کی ستر گی پټی‌کړ لی .

پوشکین هم د خپل هوډ پوره‌کولو له‌پاره ترمرگی پوری‌په‌میړانه مخ‌په‌وړاندی لاړ اود خپل سرغړ انداو یاغی تکل په‌نتیجه کی‌دیوی‌خاینانه دسیسی له‌کبله «دانفس «په‌لاس په ۱۸۳۷ کال ووژل‌شو.

اثرات خشونت

حالت اعتیاد در نهادش‌بوجود میاید • بطوریکه ازیك سوبکلی واهمه نابود میشود وازسوی دیگر لت وتنبیه امری عادی تلقی میگردد• در نتیجه چنین کودکی‌هیچگاه‌دیگر از ارتکاب اعمال نادرست روی نمیگرداند واز انجام کردار ناشایست خود داری نیم‌ورزد زیرا بیمی از مجازات شدن ندارد این چنین کودکی بدون شك از گناه کاران آینده است •

پدران و مادرانیکه در اطراف زندگی کودکان خودمعلومات‌لازم‌راندارندوبا پرخاشگری ورفتارهای تندوتیز وناهنجار خود آنهاراموردلت وکوب آزارقرارمیدهند یا بزیر مشت‌ولگد وسیلی میکشانند غافلند که فرزندانی کاملا غیر عادی باجتماع‌تحویل میدهند ودرنتیجه‌باعث می‌شوند • که صدمه رساندن به افراد وارتکاب اعمال ضداجتماعی وآسیب زدن به‌پیکراجتماع درنظر این قربانیان امر عادی جلوه گر شود•

یکی از روانشناسان مینویسند که هرگاه یکی از والدین سختگیروتند خوباشد هیچگاه آرامش ونظم در کانون خانواده بوجود نخواهد آمد .

این سختگیری و تندی که بوجود آورنده یك حالت غیر عادی در محیط خانواده است بعد هادر اجتماع آفریننده اشتباهات وحتی جرمهای تکراری خواهد بود .

مدیر مسوول : راحله راسخ‌خرمی
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان‌زاده
آدرس : انصاری وات‌-جوارریاست مطابع دولتی - کابل
تیلفون مدیر مسوول : ۲٦۸٤۹
تیلفون ارتباطی دفتر : ۲۱
تیلفون توزیع وشکایات ۲٦۸۵۹

دولتی مطبعه



زیباروی ازسرزمین اتحاد جماهیر شوروی